

پی‌اوی‌اچ‌اچ

نیم تگاهی به مسائل خرد

فتح... **آملی** (جوادی)

بمد از روی کار آمدن دولت جدید، انتظار امید بخشی در بین مردم و همین روز فلانان اقتصادی ایجاد شده است که مشکلات کشور به زودی بر طرف می‌شود. با واکنش هم و نشانه‌های خوبی بروز داد. قیمت ارز و سکه و طلا کاهش یافت، از شتاب قیمت مسکن کاسته شد. قیمت بازار خودرو که حسابی پر رونق و پرشتری شده بود، از روزهای پیش از آنکه مشکلس کمبود مواد اولیه و تحریم باشد، نبود بیشتری است. ظاهرا این آرامش و سکوت جلو شتاب تومی را در بخش‌های گرفته است، اما همه اینها می تواند یک نشانه نب چندان خوب دیگر هم باشد و اگر بنخواهم یک باره رانده خوش بینی کم کنیم یا بهتر است بگویم با اندکی بدبینی متأثر از واقع بینی به آن نگاه کنیم، می تواند نشانه آرامش قبل از تو فان هم باشد. چرا که هنوز نقدینگی در سرگردان افروانی داریم که منتظر نشسته اند تا یک راه نجات پیدا کنند و در یک بخش لانه کنند و به تکثیر خویش پردازند. این وضع علامت دیگری هم دارد. به تعبیر عوام، مردم دستشان خالی شده است؛ لذا پول نیست که ماشین و خانه و طلا بخرند. آنها هم که در فشار اقتصادی و اولین چیزی را که می توانند به سرعت به پول نقد تبدیل کنند، طلا و سکه و ... هستند. لذا وضع فعلی را نباید چندان مثبت و خوشایند و نشانه رشد و بالندگی یا سلامت بازار و رشد اقتصاد دانست، بلکه بیشتر نشانه رکود است. شاید هم حرفشان درست باشد چرا که شما وقتی به عصر و خرج می افتید، نیازها و خریدهایتان را اولویت بندی می کنید و از نیازهای ثانویه یا سه رما به گذاری دست بر می دارید و به فکر رفع نیازهای اولیه خویش می افتید و در حال حاضر مردم پول ندارند تا یک نیاز انداز کنند یا خریدهای ضروری انجام دهند، چرا که قدرت خریدشان کم شده است. اما می آید از همین وضع رکودی و پایین آمدن قیمت سکه و طلا و توقف رشد قیمت اتومبیل و مسکن، تورم کم کمتر شده است؟ و امرهای بانک مرکزی و نه امرهای مرکز آمار چنین چیزی را تأیید نمی کنند. تورم همچنان بالای ۳۰ درصد است، اما این تورم این روزها بیشتر در کجا خور و نشان می دهد؟ متأسفانه تورم که این امر مردم را به بان در گیرند در مهم ترین و اصلی ترین کالاهای سبد خانوار خود را به رخ کشیده است و جفاست که نسبت به آن بی تفاوت بنایم.

این کساد ی بازاز و تنگدستی مردم عواقب بسیار ناپسندی به بار می آورد که باعث می شود دولت و دولتمردان در کنار توجه به مسائل و مشکلات اساسی به این نکات ریز و در اصطلاح سطح پایین هم توجه کنند، چرا که غفلت از این مشکلات بزرگتری به بار می آرد. در این روزها شاهدیم که در میانه و کمربشکن رکود و کساد ی و به اصطلاح خالی بودن دست مردم، قیمت اقلام اصلی سبد هزینه خانوار به ویژه در مورد خوراکی ها و مواد غذایی به شدت بالا رفته است. افزایش قیمت اقلام خوراکی و مصرفی خانوار باعث کاهش یا حذف آن کالا از سبد خانوار و تبعات تلخ آن در سلامت جامعه می شود. این مسائل چرا که به اهمیت حل مسأله هسته ای، بهبود روابط خارجی، اصلاح رویه های غلط دولت گذشته، حل مشکل اشتغال یا تلاش برای رفع کمبود بودجه دولت نیستند، اما موارد و مسائل دوست هستند که مردم هر روز آن را لمس می کنند و آن مدخوری می شود. افزایش چند باره قیمت شیر باعث می شود که رفته رفته میزان مصرف این ماده مهم غذایی کاهش یابد و مشکلات بهداشتی دراز مدت به دنبال داشته باشد. افزایش قیمت تخم مرغ و مرغ با افزایش قیمت شیر خوراکی آن هم در چند نوبت که بهای آن را هر بار پس از مدتی کمیابی یا نایابی نیز مشاهده به پیش از دو برابر در عرض تنها چند ماه رسیده است و غیر مسائل کوچکی هستند که تأثیر بزرگی بر باور مردم می گذارند. قیمت سایر اقلام خوراکی و مواد غذایی و از جمله حبوب نیز کم و بیش چنین فرسودگی را به همگی با باخبر شدید که در تریدن لا استیک یا اتوبوس به دلیل فرو سدی یا کمبود فاع طبیعی به دو هفته یکبار در پس از آن بود که خبرهای متعددی از حوادث رانندگی پراسیبی در سبایات و راه کار گزاری ها منتشر شد که متأسفانه مهم ترین دلیل وقوع آن کمبکنی یا فرسودگی لاستیک ها و مسکنه فلیقه بوده که در هفته متوالی امر و اتحادیه به مربوط تها برابر افزایش قیمت داشته و مالکین این وسایل نقلیه ترجیح داده اند که از خیر تعویض آن بنگذرند و یا به خرید جنس ایران بزرگ قیمت سبنده کنند و نتیجه آن هم، بروز خسارات چنین غیر قابل جبران خواهد بود.

یعنی وقتی لاستیک گران می شود راننده اتوبوس برای آنکه بتواند دخل و خرج کند، از کیفیت لاستیک می زند بدون آنکه به عواقب بعدی کارش اندیشد کند. وقتی قیمت شیر و ماست و کره و مرغ ... هم بالا می رود، پدر خانواده به بهای پذیرش عواقب کمبود پروتئین و ویتامین در سلامت خانواده از نیاز مصرف خانوار می کاهد چرا که قابل قبول می دارد و می پذیرد که میزان از دولت تازه یا نبوهی از مشکلات بر جای مانده از مدیریت های تا کار آمد گذشته و مسائل کلان و پیش روی، توقع معجزه داشته، اما این سخن حق نباید توجه مناسبی قرار گیرد برای رها سازدن بازار مواد غذایی و کالاهای مصرفی روزمره مردم در آن هر روز شاهد گران ی های تازه و ناز تر و گاه بدون توجه اقتصادی و منطقی و گاه به بدتر از آن شاهد جولان قیمت طبیان، دلالان و سود جوگان و بی انصافانی باشیم که می خواهند به فرست طلبان، در شدن چهره خانوارها به ثروت نامشروع خویش بیفزایند. فرقی نمی کند این بی انصافی را آن تولید کننده فرصت طلب روا دارد یا واسطه بی انصاف می تاو زیع کننده بی اخلاق.

این روزها مردم در فشار تورّم به ویژه در مورد کالاهای اساسی و مواد غذایی مورد نیازشان سختی ها و دشواری های فراوانی تحمل می کنند و البته وفادار و پزگوار هستند که دولت منتخب خویش انتظار معجزه نداشته باشند، اما این توقع را نیز دارند که به کارگیری توان نظارتی و کنترلی خویش اجازه سوءاستفاده و گرافتروشی و اجحاف در حق مردم را به بی انصافان و بی اخلاقانی بی اخلاق ندهد و در کنار توجه به حل مشکلات کلان کشور، از نگاه به مسائل خرد و روزمره نیز (که در جای خود مهم نیز هستند) غفلت نکند.

دکتر صالحی: برای پایان دادن پرونده هسته ای به وین آمده ام

سرویس سیاسی اجتماعی – رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در پنجاه و هفتمین کنفرانس عمومی آژانس بین المللی انرژی اتمی گفت: اینچنانچ با پیام رئیس جمهوری ایران و تقویت و توسعه همکاری های جاری خود با آژانس و به منظور پایان دادن به پرونده هسته ای ایران به اینجا آمده ام.

صالحی تصریح کرد: دولت جدید ایران اعلام کرده است سیاست بین المللی آن مبتنی بر اعتماد سازی متقابل و تعامل سازنده است، این موضع قطعاً فرصت و فضای مناسبی را برای گروه ۵+۱ برای عکس العمل مثبت فراهم آورده است.

معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در پنجاه و هفتمین کنفرانس عمومی آژانس که در حضور ژنرال و نمایندگان ارشد کشورهای عضو آژانس بین المللی انرژی اتمی اعلام کرد، به گزارش ایرنا، صالحی که دیروز در حاشیه پنجاه و هفتمین نشست سالانه کشورهای عضو آژانس بین المللی انرژی اتمی در وین با خبرنگاران سخن می گفت، تصریح کرد: ایران آمادگی آنکه که تعاملات خود با آژانس را گسترش داده و تقویت کند.

رئیس سازمان انرژی اتمی با اشاره به اظهارات حسن روحانی رئیس جمهوری مبنی بر این که راه حل موضوع هسته ای در بازی برد – برد نهفته است، گفت: من به حل موضوع هسته ای خوشبینم.

صالحی در عین حال به طرف مقابل توصیه کرد که از فرصت فراهم شده استفاده کند و حسن نیت خود را در مذاکرات نشان دهد.

وی ایسار ایمدواری کرد که با آغاز مذاکرات آتی ایران در گروه ۵+۱ شاهد بروز رشت در این زمینه باشیم.

صالحی به انتقاد از برخورد دوگانه برخی کشورهای غربی، یادآور شد که زیرمجموعه‌ی نیروی عضوان پی تی نیست و تاسیسات هسته ای اش تحت نظارت پادمان قرار ندارد و به رغم این که اعضای آژانس در کنفرانس بازگری آن پی تی در سال ۲۰۱۰ در زمینه برقراری شنشسری ای خاورمیانه عاری از هسته هسته ای به توافق رسیدند، ولی به دلیل مخالفت

رئیس جمهوری: سپاه پاسداران، امنیت، ثبات و آرامش در منطقه است

بقیه از صفحه اول

بسیستمین مجمع سراسری فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تشریح سرمایه‌اجتماعی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اظهار داشت: سپاه باید مت مستحکم و پناه همه مردم باشد. در این مسیر مسلمان، غیرمسلمان، شیعه، سنی، و رستایی و شهری هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند، بلکه سپاه باید در کنار و همراه همه مردم باشد. به بیان المؤمنین(ع) جندو مؤمنین یا مسلمان، بلکه به عنوان پناه همه مردم دانسته اند.

رئیس جمهوری اظهار داشت: هنگامی که مردم، سپاه پاسداران و پاسداری را می بینند باید احساس امنیت و آرامش کنند و آنها را دژ مستحکم و مدافع حقوق خود بدانند. سپاه باید به گونه‌ای باشد که همه شهروندان بقاء و استمرار حقوق شهروندی خود را کنار حضور سپاه اسلام و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران احساس کنند.

روحانی با بیان این که سرمایه اجتماعی سپاه همان اعتماد و علاقه شدید مردم به این نیروی مقتدر است، افزود: سپاه باید از جریانات سیاسی به دور باشد، چرا که جایگاه او جایگاهی برتر از این جریانات و بازی های جناحی است. نباید به جناح یا حزبی وابسته باشد.

رئیس جمهوری یادآور شد: سپاه باید متعلق به همه ملت باشد، چرا که اگر روزی نیاز به حضور آحاد ملت در صحنه بود، آن بستری که باید همه را در بر پرچم اسلام به میدان بیاورد، سپاه است. امروز زمانی حساس برای منطقه و ایران است و آن نیرویی که در خط مقدم قرار دارد و در برابر همه توطئه ها ایستاده است و باید بایستد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. روحانی در ادامه با بیان این که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پاسداری، ایستادگی و راهبردی حراست از انقلاب اسلامی را در عهده داشت و روزهای اولیه استقرار انقلاب برای حراست از انقلاب اولیه در همه نقاط کشور را جان مایه گذاشت، تأکید کرد: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خط مقدم دفاع از انقلاب و پاسداری و ناامی های در گوشه و کنار کشور و توطئه های خارجی که استکبار به سرکردگی آمریکا علیه ملت ایران انجام می داندن را یکی پس از دیگری خنثی می کرد.

وی با بیان این که سپاه پاسداران از دو سرمایه معنوی و اجتماعی بهره مند است که در نیرو را به عنوان نیروهای مسلح سپاه کشورها متمایز می کند، تأکید کرد: سرمایه معنوی سپاه، خلوص، توسل و اعتقادی است که میان نیروهای آن وجود دارد و این همان سرمایه‌ای است که در نیرو را محبوب دل قرار داده است و اگر خدای ناکرده این سرمایه بسایش پیدا کند، قضاوت مردم نسبت به موفقیت این بهترین نیروی انقلاب، به تریو دبدل خواهد شد. سپاه دیگر آن نیرویی نخواهد بود که امام (رحم) در(درباره خدشمان توجه آثار شوم ترسید جنگ در منطقه شدند و این یکی نکته که ایران می خواهد که زندگی جدید در منطقه آغاز نشود و یا همه خون ریزی‌ها در این مسیر تلاش کرده و خواهد کرد، گفت: مطمئن اگر به هر دلیلی اتفاقی بیفتد، کشورها و ملت‌های منطقه در سالا هوشی از نفارت نخواهد بود و جمهوری اسلامی ایران نیز در این موضوع سرنوشت‌ساز بی تفاوت خواهد بود. ما به وظیفه انسانی خود عمل می کنیم و خداوند ملت های منطقه را در برابر توطئه های متجاوزان حفظ کرده است و آنها را از توطئه ها و توطئه های دشمنان دور دارد.

مشکلات داخلی و توطئه دشمنان برای اعمال فشار به ملت

رئیس جمهوری در بخش دیگری از سخنان خود درباره مشکلات داخلی و توطئه دشمنان برای اعمال فشار به ملت ایران گفت: مردم توطئه و نخستین تهدید دشمنان ایران به این زمینه اقتصادی و مسائل مربوط به معیشت مردم است و این موضوع را با تحریم ها که با پناهه های راهی و غیر عادلانه و غیر قانونی وضع شده است، دنبال می کنند.

روحانی با بیان این که ایران هر گز به دنبال سلاح اتمی نبوده است و نخواهد بود و

در کسب پیروزی بر شمرند و تأکید کرد: اگر در این زمینه اشتباهی انجام گیرد مطمئناً شکست همراه خواهد بود و این همان موضوعی است که آمریکایی ها در حمله به افغانستان و عراق مد نظر قرار ندادند و شکست خوردند و در سوریه نیز همین شرایط وجود دارد.

برنامه ریزی غرب برای کم منطقه

رئیس جمهوری در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به شرایط حساس منطقه به ویژه در منطقه یاسلمین، بلکه به عنوان پناه همه مردم دانسته اند.

رئیس جمهوری اظهار داشت: هنگامی که مردم، سپاه پاسداران و پاسداری را می بینند باید احساس امنیت و آرامش کنند و آنها را دژ مستحکم و مدافع حقوق خود بدانند. سپاه باید به گونه‌ای باشد که همه شهروندان بقاء و استمرار حقوق شهروندی خود را کنار حضور سپاه اسلام و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران احساس کنند.

روحانی با بیان این که سرمایه اجتماعی سپاه همان اعتماد و علاقه شدید مردم به این نیروی مقتدر است، افزود: سپاه باید از جریانات سیاسی به دور باشد، چرا که جایگاه او جایگاهی برتر از این جریانات و بازی های جناحی است. نباید به جناح یا حزبی وابسته باشد.

رئیس جمهوری یادآور شد: سپاه باید متعلق به همه ملت باشد، چرا که اگر روزی نیاز به حضور آحاد ملت در صحنه بود، آن بستری که باید همه را در بر پرچم اسلام به میدان بیاورد، سپاه است. امروز زمانی حساس برای منطقه و ایران است و آن نیرویی که در خط مقدم قرار دارد و در برابر همه توطئه ها ایستاده است و باید بایستد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. روحانی در ادامه با بیان این که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پاسداری، ایستادگی و راهبردی حراست از انقلاب اسلامی را در عهده داشت و روزهای اولیه استقرار انقلاب برای حراست از انقلاب اولیه در همه نقاط کشور را جان مایه گذاشت، تأکید کرد: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خط مقدم دفاع از انقلاب و پاسداری و ناامی های در گوشه و کنار کشور و توطئه های خارجی که استکبار به سرکردگی آمریکا علیه ملت ایران انجام می داندن را یکی پس از دیگری خنثی می کرد.

وی با بیان این که سپاه پاسداران از دو سرمایه معنوی و اجتماعی بهره مند است که در نیرو را به عنوان نیروهای مسلح سپاه کشورها متمایز می کند، تأکید کرد: سرمایه معنوی سپاه، خلوص، توسل و اعتقادی است که میان نیروهای آن وجود دارد و این همان سرمایه‌ای است که در نیرو را محبوب دل قرار داده است و اگر خدای ناکرده این سرمایه بسایش پیدا کند، قضاوت مردم نسبت به موفقیت این بهترین نیروی انقلاب، به تریو دبدل خواهد شد. سپاه دیگر آن نیرویی نخواهد بود که امام (رحم) در(درباره خدشمان توجه آثار شوم ترسید جنگ در منطقه شدند و این یکی نکته که ایران می خواهد که زندگی جدید در منطقه آغاز نشود و یا همه خون ریزی‌ها در این مسیر تلاش کرده و خواهد کرد، گفت: مطمئن اگر به هر دلیلی اتفاقی بیفتد، کشورها و ملت‌های منطقه در سالا هوشی از نفارت نخواهد بود و جمهوری اسلامی ایران نیز در این موضوع سرنوشت‌ساز بی تفاوت خواهد بود. ما به وظیفه انسانی خود عمل می کنیم و خداوند ملت های منطقه را در برابر توطئه های متجاوزان حفظ کرده است و آنها را از توطئه ها و توطئه های دشمنان دور دارد.

مشکلات داخلی و توطئه دشمنان برای اعمال فشار به ملت

رئیس جمهوری در بخش دیگری از سخنان خود درباره مشکلات داخلی و توطئه دشمنان برای اعمال فشار به ملت ایران گفت: مردم توطئه و نخستین تهدید دشمنان ایران به این زمینه اقتصادی و مسائل مربوط به معیشت مردم است و این موضوع را با تحریم ها که با پناهه های راهی و غیر عادلانه و غیر قانونی وضع شده است، دنبال می کنند.

روحانی با بیان این که ایران هر گز به دنبال سلاح اتمی نبوده است و نخواهد بود و

اخبار داخلی

رئیس جمهوری: سپاه پاسداران، امنیت، ثبات و آرامش در منطقه است

این موضوع بارها از سوی رهبر معظم انقلاب بیان شده است، تصریح کرد: دشمنان ملت ایران می دانند که ما به دنبال فن آوری صرفاً صلح آمیز نیستی‌های هستیم و تحریم بهانه ای است که برای تضعیف و فشار به ملت ایران پیش رو گرفته اند، قرار ندادند و شکست خوردند و در سوریه نیز ما به هر حال آنها، برخی کشورها را در این توطئه خود شریک و مصوباتی را در شورای امنیت و اتحادیه اروپا علیه ملت ایران تصویب کرده اند. رئیس جمهوری با بیان این که تحریم در زمینه خود با اشاره به شرایط حساس منطقه به ویژه در منطقه یاسلمین، بلکه به عنوان پناه همه مردم دانسته اند.



موضوع سوریه گفت: امروز شرایط در سوریه به خطر دعوای روس کش افت، طایفه یا گروه نیست بلکه بر همه‌گان سربازان و افشار بر زندگی مردم قرار داده است و با این اقدام قصد تسلیم و تأمید کردن مردم و جدایی آنان از انقلاب اسلامی را دارد که باید این نقش دشمنان را ناکام کنیم.

حساسه سیاسی ، نخستین ضربه به دشمنان

روحانی با بیان این که مردم در انتخابات ۲۴ خرداد بسیار خوب شرایط حساس کشور را درک کردند و با حضور خود حماسه سیاسی به عنوان نخستین ضربه به توطئه دشمنان را خلق کردند، یادآور شد: انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری از جمله انتخاباتی است که با حضور بانشاه مردم در امنیت کامل و بدون هر گونه تهدید و چنجالی بر برگزار است.

رئیس جمهوری با بیان این که امروز باید با خلق حماسه اقتصادی در کشور توطئه دشمنان را برای تحت فشار قرار دادن معیشت مردم خنثی کنیم، افزود: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که حافظ و در خط مقدم دفاع از انقلاب قرار دارد، امروز وظیفه بزرگی در این زمینه بر دوش دارد و با حفظ فعالیت‌های فراوانی که در اختیار دارد، در شرایط مختلف می تواند وارد عمل شود. روحانی با بیان این که ششایعی که درباره معیشت می شود و می خواهد آن را رقیب مردم و به صورت پیمانکاری معرفی کنند، هرگز قابل قبول نیست، تأکید کرد: سپاه دارای توان نیروی انسانی، تجهیزات و راه حل در وقت از مشکلات، خروج متجاوزان و مستحکین از منطقه است.

رئیس جمهوری با بیان این که ایران خواستار بازگشت صلح و ثبات به سوریه و امنیت راهی و نظر مردم این کشور است،افزود:امروز آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها که ماکان بر طبل جنگ می‌کوبند، خودشان متوجه آثار شوم ترسید جنگ در منطقه شدند و این یکی نکته که ایران می خواهد که زندگی جدید در منطقه آغاز نشود و یا همه خون ریزی‌ها در این مسیر تلاش کرده و خواهد کرد، گفت: مطمئن اگر به هر دلیلی اتفاقی بیفتد، کشورها و ملت‌های منطقه در سالا هوشی از نفارت نخواهد بود و جمهوری اسلامی ایران نیز در این موضوع سرنوشت‌ساز بی تفاوت خواهد بود. ما به وظیفه انسانی خود عمل می کنیم و خداوند ملت های منطقه را در برابر توطئه های متجاوزان حفظ کرده است و آنها را از توطئه ها و توطئه های دشمنان دور دارد.

مشکلات داخلی و توطئه دشمنان برای اعمال فشار به ملت

رئیس جمهوری در بخش دیگری از سخنان خود درباره مشکلات داخلی و توطئه دشمنان برای اعمال فشار به ملت ایران گفت: مردم توطئه و نخستین تهدید دشمنان ایران به این زمینه اقتصادی و مسائل مربوط به معیشت مردم است و این موضوع را با تحریم ها که با پناهه های راهی و غیر عادلانه و غیر قانونی وضع شده است، دنبال می کنند.

روحانی با بیان این که ایران هر گز به دنبال سلاح اتمی نبوده است و نخواهد بود و

پیام تبریک دکتر روحانی به مناسبت سالگرد استقلال نیکاراگوئه

رئیس جمهوری نیکاراگوئه فرارسیدن سالگرد استقلال نیکاراگوئه را به جناب عالی، دولت و ملت آن کشور تبریک می‌گویم.

امیدوارم در دوره جدید ، پیش از پیش شاهد تحکیم وروابط حسنه موجود بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری نیکاراگوئه در همه جوره ها و در چارچوب

ظریف: برای اعتمادسازی با آمریکا در موضوع هسته‌ای اقدام‌های

روسیه و تصمیم سوریه به کشور معتقد ر بهران مجلس شورای اسلامی که منطقه و جهان تبدیل شده و ما در ایران به سر می‌بر، دیروز در تهران با وزیر خارجة محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه محمدجواد دبدار و گفتگو کرد.

به گزارش سایت وزارت امور خارجه، در این دیدار که مناسبات دوستانه و نزدیک تهران – بغداد و آخرین تحولات منطقه بود بحث و تبادل نظر قرار گرفت، وزیر امور خارجه با اشاره به اوضاع خطیر منطقه به ویژه سوریه و تأکید بر این که تروریزم در منطقه ریشه خارجی دارد، به پیشینه ایجاد فتنه در افغانستان و عراق، به هزینه مردم این کشورها در تلاش و جنگاگان برای ایجاد توازن و تساهل شدن بین طرفین در منطقه را یادآور شد و تصریح کرد که به جلوگیری از جنگ بر ضد سوریه، طرفداران افراط و تکفیری‌ها در منطقه ناکام خواهند شد.

او با تأکید بر این که ما ایران و عراق را از یکدیگر جدا نمی‌دانیم، آمادگی جمهوری اسلامی ایران را برای تقویت بیش تر همکاری‌های حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، تجاری، امور عمرانی، انرژی و فعالیت‌های بخش‌های خصوصی در این عرصه‌ها در جهت منافع و مصالح خود کشور و کمک به تحکیم منطقه و رفاه منطقه اعلام کرد.

عادل عبدالمهدی هم در این دیدار انتصاب ظریف به عنوان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران را تبریک گفت. عبدالمهدی با اشاره به تلاش‌های مستقیم قدرت‌های بیگانه برای تغییر موازنه در منطقه و جهان به‌ویژه از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، گفت: جمهوری

سه شنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۲ - ۱۱ دیقعدۀ ۱۳۳۴ - ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۳ - شماره ۲۵۶۹۲

آیت الله هاشمی رفسنجانی: بدترین نوع تبذیر ضایع کردن استعدادهاست

ناخالصی ۲/۵ درصد را به بهره‌وری اختصاص داده بودیم که طی سال‌های اخیر نه تنها محقق نشد، بلکه رشد منفی پیدا کرد. هاشمی رفسنجانی ادامه داد: بدترین نوع تبذیر ضایع کردن استعدادها بهره‌بردن از آنها است، به ویژه آن‌ها که به هزینه مردم کار یاد گرفته‌اند و برای خدمت حقوق می‌گیرند، ولی بهره‌ر کافی نهند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در ادامه این دیدار بر لزوم تهیه آماری دقیق از میزان تأثیر بهره‌وری در بخش‌های خصوصی، به‌شهر دولتی و دولتی تأکید کرد و گفت: توجه و بی‌توجهی به بهره‌وری با افزایش اشتغال یا رواج یکبارگی ارتباطی مستقیم دارد و باید انجمن بهره‌وری به نگاه علمی به مدیران میدانی کمک کند تا مسیر حرکت کشور به توسعه هموار شود. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در دیدار با مدیران ارشد و اعضای هیأت مدیره موسسه مالی و اعتباری

عسکری هم گفت: بانک‌ها و موسسات مالی باید در خدمت مردم و تولید کشور باشند.
رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با یادآوری توجه کارشناسان و اعضای مجمع به بهره‌وری در تدوین سیاست‌های کلی گفت: در سیاست‌های کلی «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه‌ایرانی» که از سوی رهبری به قوای سه‌گانه مه ابلاغ شد، در بدو ل بر اصلاح و بازسازی ساختار تولید ملی، کاهش هزینه‌ها و بهبود کیفیت تولید و بهینه‌سازی تعامل عوامل تولید به عنوان عوامل بالا بردن قدرت رقابت و افزایش بهره‌وری تأکید شده است.

وی تأکید کرد: در دورنمای ۸ درصدی رشد تولید

حاج سید محمدجابر خوانساری به مناسبت میلاد امام (رضاع) یکشنبه شب در قم افتتاح شد.
به گزارش جماران، در این مراسم که یادگار امام حجت‌الاسلام



و المسلمین سید حسن خمینی هم حضور داشت. مراجع عظام حضرات آیات صفایی کلبانکی و سید موسی سبیری زنجانی و همچنین آیات علوی و طهرانی کلبانکی، علی‌محمد موسوی علی‌محقق داماد، سید حسین موسوی تبریزی، سید هاشم حسینی بوشهری، سید محمد هاشمی خراسی، کمی، مقننایی و... حضور داشتند. حجج

برنامه‌های دولت برای رفع موانع تولید و تسهیل سرمایه‌گذاری

سختناش گفت : دولت وزارت امور اقتصادی و دارایی را موظف کرده است با همکاری سایر دستگاه‌ها و اجرائی‌ها حاکم در مدت شش ماه نسبت به تدوین سامانه‌ها و راهکارهای اساسی رفع موانع اقدام کند و به صورت مستمر به اعمال نظارت بر حسن اجرای ۲۵ مقصوبه دولت همه‌ راه کارش شروع و به دولت ارائه دهد تا مطمئن شود در کوتاه مدت از منابع موجود استفاده بهینه شده است.
نویخت در ادامه این نشست خبری در پاسخ به پرسشی درباره احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی ، گفت: کارگروهی به این منظور تشکیل شده است تا از امکانات موجود در زمینه تسهیل و نظارت راهبردی و معاونت ریاست مدیریت و سرمایه‌گذاری ریاست

سختناش گفت : دولت وزارت امور اقتصادی و دارایی را موظف کرده است با همکاری سایر دستگاه‌ها و اجرائی‌ها حاکم در مدت شش ماه نسبت به تدوین سامانه‌ها و راهکارهای اساسی رفع موانع اقدام کند و به صورت مستمر به اعمال نظارت بر حسن اجرای ۲۵ مقصوبه دولت همه‌ راه کارش شروع و به دولت ارائه دهد تا مطمئن شود در کوتاه مدت از منابع موجود استفاده بهینه شده است.
نویخت در ادامه این نشست خبری در پاسخ به پرسشی درباره احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی ، گفت: کارگروهی به این منظور تشکیل شده است تا از امکانات موجود در زمینه تسهیل و نظارت راهبردی و معاونت ریاست مدیریت و سرمایه‌گذاری ریاست

سختناش گفت : دولت وزارت امور اقتصادی و دارایی را موظف کرده است با همکاری سایر دستگاه‌ها و اجرائی‌ها حاکم در مدت شش ماه نسبت به تدوین سامانه‌ها و راهکارهای اساسی رفع موانع اقدام کند و به صورت مستمر به اعمال نظارت بر حسن اجرای ۲۵ مقصوبه دولت همه‌ راه کارش شروع و به دولت ارائه دهد تا مطمئن شود در کوتاه مدت از منابع موجود استفاده بهینه شده است.
نویخت در ادامه این نشست خبری در پاسخ به پرسشی درباره احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی ، گفت: کارگروهی به این منظور تشکیل شده است تا از امکانات موجود در زمینه تسهیل و نظارت راهبردی و معاونت ریاست مدیریت و سرمایه‌گذاری ریاست

سختناش گفت : دولت وزارت امور اقتصادی و دارایی را موظف کرده است با همکاری سایر دستگاه‌ها و اجرائی‌ها حاکم در مدت شش ماه نسبت به تدوین سامانه‌ها و راهکارهای اساسی رفع موانع اقدام کند و به صورت مستمر به اعمال نظارت بر حسن اجرای ۲۵ مقصوبه دولت همه‌ راه کارش شروع و به دولت ارائه دهد تا مطمئن شود در کوتاه مدت از منابع موجود استفاده بهینه شده است.
نویخت در ادامه این نشست خبری در پاسخ به پرسشی درباره احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی ، گفت: کارگروهی به این منظور تشکیل شده است تا از امکانات موجود در زمینه تسهیل و نظارت راهبردی و معاونت ریاست مدیریت و سرمایه‌گذاری ریاست

سختناش گفت : دولت وزارت امور اقتصادی و دارایی را موظف کرده است با همکاری سایر دستگاه‌ها و اجرائی‌ها حاکم در مدت شش ماه نسبت به تدوین سامانه‌ها و راهکارهای اساسی رفع موانع اقدام کند و به صورت مستمر به اعمال نظارت بر حسن اجرای ۲۵ مقصوبه دولت همه‌ راه کارش شروع و به دولت ارائه دهد تا مطمئن شود در کوتاه مدت از منابع موجود استفاده بهینه شده است.
نویخت در ادامه این نشست خبری در پاسخ به پرسشی درباره احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی ، گفت: کارگروهی به این منظور تشکیل شده است تا از امکانات موجود در زمینه تسهیل و نظارت راهبردی و معاونت ریاست مدیریت و سرمایه‌گذاری ریاست

سختناش گفت : دولت وزارت امور اقتصادی و دارایی را موظف کرده است با همکاری سایر دستگاه‌ها و اجرائی‌ها حاکم در مدت شش ماه نسبت به تدوین سامانه‌ها و راهکارهای اساسی رفع موانع اقدام کند و به صورت مستمر به اعمال نظارت بر حسن اجرای ۲۵ مقصوبه دولت همه‌ راه کارش شروع و به دولت ارائه دهد تا مطمئن شود در کوتاه مدت از منابع موجود استفاده بهینه شده است.
نویخت در ادامه این نشست خبری در پاسخ به پرسشی درباره احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی ، گفت: کارگروهی به این منظور تشکیل شده است تا از امکانات موجود در زمینه تسهیل و نظارت راهبردی و معاونت ریاست مدیریت و سرمایه‌گذاری ریاست

سختناش گفت : دولت وزارت امور اقتصادی و دارایی را موظف کرده است با همکاری سایر دستگاه‌ها و اجرائی‌ها حاکم در مدت شش ماه نسبت به تدوین سامانه‌ها و راهکارهای اساسی رفع موانع اقدام کند و به صورت مستمر به اعمال نظارت بر حسن اجرای ۲۵ مقصوبه دولت همه‌ راه کارش شروع و به دولت ارائه دهد تا مطمئن شود در کوتاه مدت از منابع موجود استفاده بهینه شده است.
نویخت در ادامه این نشست خبری در پاسخ به پرسشی درباره احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی ، گفت: کارگروهی به این منظور تشکیل شده است تا از امکانات موجود در زمینه تسهیل و نظارت راهبردی و معاونت ریاست مدیریت و سرمایه‌گذاری ریاست

سختناش گفت : دولت وزارت امور اقتصادی و دارایی را موظف کرده است با همکاری سایر دستگاه‌ها و اجرائی‌ها حاکم در مدت شش ماه نسبت به تدوین سامانه‌ها و راهکارهای اساسی رفع موانع اقدام کند و به صورت مستمر به اعمال نظارت بر حسن اجرای ۲۵ مقصوبه دولت همه‌ راه کارش شروع و به دولت ارائه دهد تا مطمئن شود در کوتاه مدت از منابع موجود استفاده بهینه شده است.
نویخت در ادامه این نشست خبری در پاسخ به پرسشی درباره احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی ، گفت: کارگروهی به این منظور تشکیل شده است تا از امکانات موجود در زمینه تسهیل و نظارت راهبردی و معاونت ریاست مدیریت و سرمایه‌گذاری ریاست

سختناش گفت : دولت وزارت امور اقتصادی و دارایی را موظف کرده است با همکاری سایر دستگاه‌ها و اجرائی‌ها حاکم در مدت شش ماه نسبت به تدوین سامانه‌ها و راهکارهای اساسی رفع موانع اقدام کند و به صورت مستمر به اعمال نظارت بر حسن اجرای ۲۵ مقصوبه دولت همه‌ راه کارش شروع و به دولت ارائه دهد تا مطمئن شود در کوتاه مدت از منابع موجود استفاده بهینه شده است.
نویخت در ادامه این نشست خبری در پاسخ به پرسشی درباره احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی ، گفت: کارگروهی به این منظور تشکیل شده است تا از امکانات موجود در زمینه تسهیل و نظارت راهبردی و معاونت ریاست مدیریت و سرمایه‌گذاری ریاست

سختناش گفت : دولت وزارت امور اقتصادی و دارایی را موظف کرده است با همکاری سایر دستگاه‌ها و اجرائی‌ها حاکم در مدت شش ماه نسبت به تدوین سامانه‌ها و راهکارهای اساسی رفع موانع اقدام کند و به صورت مستمر به اعمال نظارت بر حسن اجرای ۲۵ مقصوبه دولت همه‌ راه کارش شروع و به دولت ارائه دهد تا مطمئن شود در کوتاه مدت از منابع موجود استفاده بهینه شده است.
نویخت در ادامه این نشست خبری در پاسخ به پرسشی درباره احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی ، گفت: کارگروهی به این منظور تشکیل شده است تا از امکانات موجود در زمینه تسهیل و نظارت راهبردی و معاونت ریاست مدیریت و سرمایه‌گذاری ریاست

بدین‌وسیله‌ای از اعضا و سهامداران شرکت تعاونی ایرانیان فاخته (وابسته به کانون زندانیان سیاسی مسلمان قبل از انقلاب) برای حضور در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت دوم دعوت به‌عمل می‌آید.

دستور جلسه:

استماع گزارش هیئت‌مدیره – گزارش بازراس – انتخاب اعضای هیئت‌مدیره و بازراس و تصویب صورت‌های مالی و ترازنامه ۱۳۹۱

زمان: ساعت ۱۵:۳۰ الی ۱۷:۰۰ سه‌شنبه ۹۲/۰۷/۹۲

مکان: خیابان‌وصال شیرازی،

نوید سیدبه بلوار کشاورز، دفتر مرکزی کانون

در حد قیمت و هزینه‌ها را پرداخت

مقام رضوان چگونه حاصل می‌شود؟

آیت‌الله‌العظمی‌ جوادی آملی

آیت‌الله‌العظمی‌ جوادی آملی

هیچ موجودی در هیچ موقع نمی‌شود، مگر به وساطت مقام امام هشتم؛ هیچ انسانی به هیچ توفیقی دست نمی‌یابد و خوشحال نمی‌شود، مگر به وساطت مقام رضوان رضوا^۱؛ و هیچ نفس مطمئنه‌ای به مقام راضی و مرضی بار نمی‌یابد، مگر به وساطت مقام امام رضا^۲؛ او نه چون به مقام رضا رسیده است، به‌ای آن لقب مُلقَّب شده‌است، بلکه چون دیگران را به‌این مقام می‌رساند، ملقب به رضا شد.

ممکن است در بین بندگان آن کسانانی باشند که به مقام رضوان راه پیدا کنند؛ چون بایان‌بخش سوره مبارکه فجر که فرمود: **یا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ راضیهً مَرْضیهً**،^۳ مخصوص ائمه نیست، شامل سایر انسانهای ملگونی‌متی منش هم می‌شود. ممکن است در بین امت کسانانی باشند که دارای نفس مطمئنه و نالال به مقام «راضیه مَرْضیه» بشوند، اما رضا نخواهد بود. آنها جزء امت‌اند؛ ولی امام رضا^۴ واسطه است که چنین افرادی در بین امت به مقام راضیه مَرْضیه راه پیدا می‌کنند. اهداف جزئی هم مشمول این اصل کلی است. اگر کسی در کارهای جزئی موفق شد و راضی شد، چه بداند و چه نداند، به برکت امام رضاست. اگر فرزند ی کوشید رضای پدر و مادر را فراهم کند، چه بداند و چه نداند، به وساطت مقام امام رضا^۵ است. ^۶اگر عالم جزوی یا اندیشور دانشگاهی به مقام علم و دانش بار یافت و بر کرسی استادی تکیه زد و راضی شد، چه بداند، چه نداند به وساطت مقام ایشان است. زمانی که وجود مبارک امام هشتم وارد سبززمین مرو و خراسان شد، مسئله رسمی خراسان، مسئله امامت، رهبری، خلافت و مانند آن بود. عده‌ای بر این پندار باطل بودند که رهبر را باید مردم انتخاب بکنند. امامت انتخابی است و سقیفه هم شاهد آنها بود. عباسیه بر این پندار بودند، بنی‌عباس فکرشان این بود که رهبری انتخابی است.

وجود مبارک امام از آنها پرسید: «مسئله رسمی خراسان کنونی چیست؟» عرض کرد: «مسئله ولایت و رهبری است که عده‌ای باورشان این است که رهبر را مردم باید انتخاب بکنند.» آنگاه وجود مبارک امام رضا^۷ طبق مقرح کلینی فرمود: من امامت و رهبری را تشریح کنم تا معلوم بشود که امامت انتخابی نیست.

آنگاه مطلبی را فرمود که بخشی از آن معارف و مطالب به‌این مضمون در کافی ضبط شده‌است: **«الامام واحد دهره لا بداینه احد و هو بحیثیت التجسم من بدی المثلثاتین. این العُقُول من هذا؟ این الاختیار من هذا؟** امام آن انسان کامل است که در عصر خود، در روی زمین دومی ندارد. او مثل اعلا و مظهر الیس **کمله شئی**»^۸ است. مگر مظهر الیس کمله شئی» همتا دارد؟ وقتی همتا نداشت، در دسترس فکر دیگری نیست که دیگری او را بشناسد!

از باب تشبیه معقول به محسوس چنین فرمود: همان طوری که ستاره‌های آسمان در دسترس بشر عادی نیست، اوج مقام امامت و رهبری هم در دست بشر عادی نیست. همان طوری که با دست نمی‌شود ستاره آسمان را گرفت، با فکر بشری هم نمی‌شود خلیفه الله و امام معصوم را شناخت! کجا عقل مردم می‌تواند امام را بشناسد، تا او را در سقیفه اختیار و انتخاب بکنند! امام را جز امام‌فرین احدی نمی‌شناسند؛ او می‌شناسد، او می‌پروراند، او نصب می‌کند و مانند آن... این العُقُول من هذا و این الاختیار من هذا؟

نردیانی به نام اقرار به گناه

در قرآن کریم، ذات اقدس اله به ما فرمود: شما باید وسیله‌ای فراهم بکنید که از آن وسیله مذب‌بگیرید و به خدا واصل بشوید. وسیله برای وصول است. این سبب و این نردبان برای آن صمود است: **«وَابْتَغُوا الْوَسِيلَةَ**». آنگاه وسیله را در ادعیه، در مناجات و در روایات برای ما مشخص کرده‌اند. بهترین و عالیترین وسیله، «توحید است که انسان موحد باشد». **«تَوَحُّدٌ الْکَرِیْمُوتِکَ»**، «استغاده سه عبودیت خوش و ربوبیت خدا بهترین وسیله است و برای آنکه انسان به‌این توفیق راه پیدا کند» اقرار به گناه را به عنوان وسیله باقی می‌گذارد. در مناجات شعبان آمده‌است: خدایا تو که دستور دادهای به طرف تو وسیله‌ای اتخاذ کنیم، **«و جد جملتُ الاقرار بالذنب الیک وسیلتی: اَمَن هِیج نردبان و وسیله‌ای ندارم، مگر اینکه اقرار می‌کنم بد کرده‌ام»**، اقرار به گناه نردبان خوبی است؛ از غرور انسان بی‌آگاه، انسان را به توبه وادار می‌کند، و وقتی انسان اقرار کرد و تصمیم به توبه گرفت، کم کم شامه‌اش باز می‌شود، حالت ذکام معنوی‌اش بر طرف می‌شود؛ و وقتی انسان تک‌دام نداشت، سرماخورد زده بود، بی‌در استنشام می‌کند، هم‌بوی خوب را هم بوی خوب و شیوای عبادت و استغفار به شامه‌اش می‌رسد، هم بوی بد گناه.

این از بیانات نورانی رسول خداست^۹ که فرمود: **«تَعَطَّرُوا بِالْاستغفار لا تفضحکم روائح الذنوب»**؛ با استغفار خود را معطر کنید تا بوی بد گناه شما را رسوا نکند. با بخشنده گناه بد بو زوری انسان را رسوا می‌کند، همه مثل ماک‌دکم می‌شوند، شامه‌هم همه بسته نیست. بسیاری از جوانها را، خواهران و برادران را شامه باز استنشام می‌کنند. جامعه‌ای که شهید داده، معطر است. جامعه معطر و خوشبو هم بوی خوب دارد، و هم بوی خوب را استشمام می‌کند.

مگر در فرهنگ ما زیارت وارث و امثال وارث نیامند؟ مگر ما در پیشگاه شهدا و امام‌رضی نمی‌کنیم: **«یُطِیْم وَطِیْب الْأَرْضُ الثَّیْ قِها ذُمَّم؟»** ما طمِیْب و طاهریم، عرض سزیم که شما را پروردگار پاک، و طاهر است، مزار و مرقد شما طیب و طاهر است. زیارت وارث به انسان شامه می‌دهد. اگر ما نتوانستیم استنشام کنیم، خیلی‌ها هستند؛ همانها که شهید داده‌اند، بوی شهادت را استشمام می‌کنند. و اگر ما چنین جامعه زنده‌ای داشتیم، بالاخره بوی بد گناه ما را رسوا می‌کند!

فصلاً بگویم: **«الحمد لله الذی ستر عیوبی و ذنوبی و لم یفضح من بین الخلق»**.^{۱۰} خدایا، تا دیر نشده بر می‌گردیم، معتقدیم که این بوی بد تو پوشاندی. سَتَر بودی، غفار بودی و امید آن هست که در آخرت هم پوششانی؛ ولی بالاخره ممکن است قهر خدا آن پرده را کنار بزند و در سزیمین طیب و طاهره ای که مردان و زنان الهی تربیت می‌کند و هم بوی خوب اطاعت و هم بوی بد گناه را استشمام می‌کنند، ما منتفع بشویم.

تقرب الهی

در ده‌ای کمیل و در ادعیه دیگری می‌خوانیم که خدا به ما از هر موجودی نزدیکتر است. اگر او به ما از خود ما حتی نزدیکتر باشد، بخشش او هم به ما از هر چیزی نزدیکتر است. بنده که ایمان‌یاری با خدا دارد؛ غیر از آن اسباب و وسایل، لذا به او عرض می‌کنیم: **«تَوَسَّلْتُ إِلَیْکَ بِرُبُوبِیَّتِکَ»**، یعنی خدایا تو که فرمودی **«وَابْتَغُوا الْوَسِيلَةَ»**، ما توسل به ائمه داریم، نماز وسیله است، روزه وسیله است، قرائت قرآن وسیله است، درس و بحث وسیله است، همه اینها وسیله‌اند! اما **«توحید ناب»** وسیله خوبی است. خدایا عبودیت یکتا و ربوبیت تو را وسیله قرار دادیم، **«تَوَسَّلْتُ إِلَیْکَ بِرُبُوبِیَّتِکَ»** اگر چنین وسیله‌ای را با اختیار ما هست، و آن اقرب لوسائل و اقوی الوسائل است؛ اگر از آن بخواهیم مدد بگیریم، کار آسانی است. فغتنا است بیبند انسان متحول می‌شود، و این تحول ذخیره‌ای است که هیچ چیز آن را عوض نمی‌کند.

شما تا چشم به هم بزیند، می‌بینید ابلاغ زانشتنگی به دست یک عالم جزوی یا دانشمند دانشگاهی دادند. طوری نمی‌کنند که انسان به ۶۰ یا ۷۰ سالگی می‌رسد! امیرالمؤمنین بیانی نورانی دارد که لحظه‌ها به چه سرعتی می‌گذرد، روز می‌شود، روزها به چه سرعت می‌گذرد، هفته می‌شود، هفته‌ها به چه سرعت می‌گذرد، ما و سال را پشت سر می‌گذارم؛ و این ماهها و سالها به چه سرعت می‌گذرد و عمر را تا همین می‌کند! تا انسان بچیند، می‌بیند:

از آن سرمد این کاخ لال‌لایز

که تا جا گرم کردی، گویند خیز

مقام رضوان

دعا همیشه سر است؛ زیرا هر کسی چند لحظه‌ای در آن می‌نشیند، و تا می‌آید جای خود را گرم بکند، به او می‌گویند: نوبت به سر آمده. بنابراین کسی در این بازیگرها پیروز می‌شود که نه کسی را فریب دهد، و نه فریب کسی را بخورد؛ او به مقام رضوان بار می‌یابد، آن‌ا شهاده‌ای نفس مطمئنه می‌رسد، راضیه مَرْضیه خواهد شد و از آن به بعد به او اجازه رجوع می‌دهند. به برخی می‌گویند: **«وَقَوْفُهمْ اِنهم مسؤلون»**؛ «اینها را متوقف و بازداشت کنید» و به بعضی می‌گویند: بایاید. خدا دستور توقف به‌عذای می‌دهد، و فرمان رجوع درباره عده‌ای دیگر صادر می‌کند، ماییم و ابديت ما. عمر انسان با کهنکشان ها قابل قیاس نیست! انسان یک جان مجرّدی دارد که فوق میلیاردها سال نوری است؛ نه متّزن در زمان است، نه متمکن در مکان.

نی نوشتند:

۱. فجر/ ۲۷ و ۲۸ و ۲۹، الکافی، ج۱، ص۲۰۱، با تلخیص
۲. المصباح الکلمعی، ص ۵۵۸
۳. وسائل الشریع، ج۱، ص ۷۰
۴. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۹۷
۵. وسائل الشریع، ج ۱، ص ۷۰
۶. زیارت وارث
۷. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۹۳
۸. صفات ۲۴

ابوالحسن علی بن موسی^{۱۱} ملقب به «رضا»، امام هشتم از ائمه اثنی عشر^{۱۲} و دهمین معصوم از چهارده معصوم^{۱۳} است. سال تولّد آن حضرت را ۴۸ و ۵۳ (۴ و ماه تولّد ایشان را ذوالحجه و ذوالقعدة و ربیع الاول گفته‌اند و مشهور آن است که روز تولّد آن حضرت پادهم ذوالقعدة بوده است.

کینه آن حضرت ابو الحسن است و چون حضرت امیر^{۱۴} نیز مکنی به ابوالحسن بوده‌است، حضرت رضا^{۱۵} را ابوالحسن ثانی گفته‌اند. مشهورترین لقب ایشان «راضاست که بنا بر روایتی در عیون اخبارالرضا، علت ملقب بودن حضرت این بود که «رضی به المخالفون من أعدائه کما رضی به المواقوف من اولیائه...» یعنی هم دشمنان مخالف و هم دوستان موافق به (ولایت عهد او) رضایت دادند و چنین چیزی برای هیچ یک از پدران او دست نداده بود؛ از این رو در میان ایشان تنها او به رضا نامیده شد؛ اما به روایت طبری (قائلاً سال ۲۰۱) مأمون آن حضرت را «الرضی من آل محمد» نامید و صدوق هم بنا بر روایتی دیگر در عیون اخبارالرضا چنین گفته است.

باید متذکر شد که داعیان و مبلغان بنی‌عباس در اواخر عهد بنی‌امیه می‌رسدم را دعوت می‌کردند که با «رضا از آل محمد» بیعت کنند؛ یعنی بی آنکه از کسی نام ببرند، می‌گفتند: چون خلافت بنی‌امیه درست نیست، باید به کسی از خاندان محمد^{۱۶} که مورد رضایت همه باشد، بیعت کنند. بنی‌عباس با حکومت آل علی مخالف بودند؛ ولی چون مأمون که خود از بنی‌عباس بود، حضرت رضا^{۱۷} را به ولایتعهدی برگزید، همه از مخالف و موافق به و راضی شدند و صدقات ارضاء من آل محمد، در حق آن حضرت صادق آمد و به آن لقب مشهور شد.

مادر آن حضرت اُم‌الدو بود؛ کنیزی که از مولای خود فرزند آورده بود. درباره نام و زادگاه مادر آن حضرت اختلاف است و به اغلب احتمالات از مردم شمال آفریقا یا مغرب مراکش بود.

در کتب معتبر، از جمله در عیون اخبارالرضا، نصوص و دلایل امامت آن حضرت مذکور است و در همین کتاب، وصیتنامه مفصّلی از حضرت امام موسی کاظم^{۱۸} مندرج است.

ولایتعهدی

پس از آنکه محمد امین در بغداد کشته شد و خلافت در خراسان بر مأمون مسلم گردید، مأمون تصمیم گرفت تا خلافت را پس از خود به کسی که غیر از خاندان بنی‌عباس باشد، بسپارد و پس از تحقیق و بررسی در احوال علویان کسی را شایسته‌تر و برانده‌تر از علی بن موسی بن جعفر^{۱۹} ندید و از این رو کس فرستاد و او را از مدینه به خراسان فراخواند.

درباره علت این تصمیم مطالبی گفته شده است و از جمله بنا بر خبری در عیون اخبارالرضا از قول مأمون نقل شده‌است که گویا هنگامی که امین خود را در بغداد خلیفه خواند و بسیاری از نقاط شرق عالم اسلام بر مأمون عاضی شدند، مأمون عهد و نذر کرد که اگر بر مشکلات فائق آید، خلافت را در محلی قرار دهد که خداوند قادر داده‌است و چون بر برادرش غالب آمد و به خلافت رسید، کسی را سواراژتر از علی بن موسی^{۲۰} نلدید و او را از مدینه بخواست و ولایتعهدی خود را به او تفویض کرد. این مطلب درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا مستلزم آن است که مأمون شیعه‌باشد و امامان را تا حضرت زاهد قبول داشته باشد، و گرنه «را در دادن خلافت در محلی که خداوند قرار داده‌است»، معنی ندارد. اما اگر هم مأمون ارادتی به حضرت امیر^{۲۱} و اهل بیت داشته‌است، دلیل تشیع او به معنی دقیق کلمه (امام واقعی دانستن حضرت رضا) نمی‌شود. علاوه بر این اگر مأمون خود را سوارا خلافت نمی‌دانست، دلیلی نداشت که با امین بر سر خلافت بچنگد و خود را امیرالمؤمنین بخواند.

بعضی گفته‌اند فضل بن سهل دوازدهمین که در حکم وزیر مأمون بود، او را بر این قرار دادشت؛ اما باید دید که چه علتی موجب گردید تا فضل بن سهل مأمون را بر این کار وادارند؟ به احتمال قوی دلایل فضل و مأمون در انتصاب حضرت رضا^{۲۲} به ولایتعهدی سیاسی بوده است؛ زیرا پس از آنکه اوضاع عراق و شام سخت آشوبه شده بود، در میان بنی‌عباس فرد برجسته‌ای که مورد قبول و رضایت همگان باشد، وجود نداشت و مأمون با همه لیاقت و شخصیت سیاسی، در عراق ناشناخته بود. در بین و کوفه و بصره و بغداد و ایران، عامه مردم از زمان منصور به بعد آن انتظاری را که از خلافت بنی‌عباس داشتند، برآورده نندیدند؛ زیرا مردم خسته عدل و داد و استقامت واقعی بودند. از این رو چشمها و دلها بنگران و منتظر خاندان اسام علی^{۲۳} (بود و امیدها و آرزوهای خود را به افراد برجسته و یقنی این خاندان بسته بودند.

فضل و مأمون با شش سیاسی خود از مشاهده اوضاع نابسامان شهرهای مهم و شورش مردم قانع‌نماید ابو السرایا در کوفه و علوی دیگر در یمن) به این نکته پی‌برد بودند و می‌خواستند با انتخاب فرد برجسته و متمدزی از خاندان علی به ولایتعهدی، رضایت مردم را به دست جلب کنند و پایهای خلافت مأمون را مستحکم سازند؛ به همین جهت مأمون در سال ۲۰۰ که بنا به گفته طبری، رجاه بن

ابی الضحاک و فرناس خادم (در بعضی روایات شبیه: یاسر خادم) به مدینه فرستاد تا علی بن موسی بن جعفر^{۲۴} و محمد بن جعفر، عموی حضرت رضا^{۲۵} را به خراسان ببرند.

رجاه بن ابی الضحاک، خویش نزدیک فضل بن سهل بود و همین امر شایید مؤید این مطلب باشد که فضل بن سهل در کار ولایتعهدی حضرت رضا^{۲۶} دخالت داشته است.

در روایات شیعه آمده‌است که مأمون به حضرت رضا نوشت تا از راه بصره و اهواز و فارس به خراسان برود، نه از راه کوفه و قم؛ و دلیل این امر را کثرت شیعیان در کوفه و قم ذکر کرده‌اند؛ زیرا مأمون می‌ترسید که شیعیان کوفه و قم به دور آن حضرت جمع شوند.

امین مؤید آن است که عامل فـرا خواندن حضرت رضا به خراسان، عاملی سیاسی بود و مأمون می‌ترسید که کثرت شیعیان در کوفه یا قم سبب شود که آن حضرت را به خلافت بردارند و رشته کار به کلی از دست مأمون خارج گردد.

نظرها واندیشه‌ها

انتاع فرمودند و در این باب مخاطبات زیاد میان ایشان رد و بدل گردید، سرانجام پس از دو ماه اصرار و امتناع، ناجار ولایتعهدی را پذیرفت به این شرط که از امر و نهی و حکم و قضا در باشد و چیزی را تغییر ندهد.

علت مقاومت امام این بود که او ضاع را پیش‌بینی می‌کرد و بر اسلام بود عشیرهٔ عباسی و رجال دولت که عادت به لاابالی‌گری و درازدستی عهد هارون الرشید کرده‌اند، زبیر حق نخواهد رفت و او قادر به اجرای قوانین الهی نخواهد بود. مأمون پس از آنکه آن حضرت ولایتعهدی را پذیرفت، امر کرد تا تاباس سیاه که شعار عباسیان بود، ترک شود و درباریان و فرماندهان و سپاهیان بنی‌هاشم همه لباس سبز که شعار علویان بود، بپوشند. خود نیز جامه سبز بپوشید و نام امام را از پشت‌بخش سر و دینار نمود و مقرر داشت که در همه بلاد اسلام بر منابر، خطبه به نام امام خود می‌خواند و این به روایت طبری روز شصتمین دوم رمضان سال ۱۰۰ ق بود.

علی بن عوسب اربلی- مؤلف کشف‌الغمه-عهدی را که مأمون مظهر درباره ولایتعهدی امام رضا^{۲۷} نوشته بود

به مناسبت سالروز میلاد هشتمین ستاره آسمان امامت

پرتوی از حیات رضوی

دکتر سید جعفر شهیدی



شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

شیخان

سه شنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۲ - ۱۱ ذیقعدة ۱۴۴۴ - ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۲ - شماره ۲۵۶۹۲

ولایتعهدی، علم و فضل و ورع و تقوای او می‌داند، نه آنچه شیعیان معتقدند که او خلیفه و امام بحق و برگزیده از جانب خدا و منصوب از سوسی پدر و اجداد خویش است. همچنین در این عهدنامه به صراحت آمده‌است که ملقب شدن آن حضرت به «رضا» از جانب خود مأمون بوده است.

حضرت رضا^{۲۸} به موجب آنچه مؤلف کشف‌الغمه آورده‌است، در پشت این عهدنامه قبول خود را اعلام کرده‌است؛ اما بقای خود را پس از مأمون و وصول خود را به مقام قوانین الهی نخواهد بود. مأمون پس از آنکه آن حضرت خلافت با تردید و شک تلقی کرده‌است، البته آن حضرت هم به نور امامت و هم داروشن‌بینی خاصی که از اوضاع و احوال سیاسی زمان خود داشت، می‌دانست که این کار به آخر نجامه سبز بوشید و نام امام را از پشت‌بخش سر و دینار نمود و مقرر داشت که در همه بلاد اسلام بر منابر، خطبه به نام امام خود می‌خواند و این به روایت طبری روز شصتمین دوم رمضان سال ۱۰۰ ق بود.

علی بن عوسب اربلی- مؤلف کشف‌الغمه-عهدی را که مأمون مظهر درباره ولایتعهدی امام رضا^{۲۹} نوشته بود

به مناسبت سالروز میلاد هشتمین ستاره آسمان امامت

نقطه در بینش حرفیان و نقطویان

بسی و لا یمک^{۳۰}؛ یعنی: جامعه و جغسیر بر خلاف این دلالت دارند(یعنی دلالت دارند بر این‌که این امر خلافت به من نخواهد رسید) و من نمی‌دانم بر سر من و شما چه خواهد آمد یا با من و با شما چه خواهد کرد.

درباره جفر و جامعه و ماهیت آن نمی‌توان سخنی گفت و شکی هم نیست که امام^{۳۱} از ارشاد و هدایت الهی از غیب و آینده می‌تواند آگاه باشد؛ اما اینکه حضرت در سندی رسمی و پشت فرمان مأمون از جفر و جامعه سخن بگوید، محل تردید است؛ زیرا مأمون و اطرافیان او به جفر و جامعه‌ای که مخصوص امامان شیعه باشد که در وسیله آن از سر غیب آگاه گردند، اعتقادی نداشتند و بعید است که حضرت رضا^{۳۲} در پشت عهدنامه مأمون چنین چیزی مرقوم بفرماید.

تاریخ عهدنامه مذکور روز دوشنبه ۷ رمضان سال ۲۰۱ ق است و چنان که گفتیم، طبری روز انتخاب حضرت را به ولایت عهدی، سه‌شنبه ۲ رمضان سال مذکور می‌داند و اگر سه‌شنبه ۷ رمضان باشد، روز هفتم ماه رمضان یک‌شنبه می‌شود؛ نه دوشنبه؛ اما اختلاف یک‌روز را می‌توان به اختلاف در رؤیت هلال منسوب داشت.

صدوق در عیون اخبارالرضا^{۳۳} به بعد نسخه سند دیگری از حضرت رضا^{۳۴} نقل می‌کند نسخه‌ای که به ابی‌الشرط و تاریخ آن نیز همان دوشنبه ۷ رمضان سال ۲۰۱ ق است، نقل کرده‌است و در آن تصریح شده‌است که این روز همان روزی است که مأمون آن حضرت را ولعهد خود کرده و مردم را به پوشیدن لباس سبز واداشته است. صدوق خود این نسخه را که حضرت درباره فضل بن سهل و برادرش حسن بن سهل به عمال و کارداران نوشته، دیده‌است و به قول خودش آن را از کسی «ورایت» نکرده‌است.

این نامه مقدمه‌ای دارد که به قلم حضرت رضا^{۳۵} است و پس از آن اصل نسخه حیا، و الشرط می‌آید که بنا به فرموده حضرت شامل سه باب است: باب اول در شرح آثار و اعمال فضل بن سهل است که چگونه مأمون را در وصول به خلافت یاری داد و ابو السرایا و شورشیان دیگر را سرکوب کرد و برادرش، دینلم، کمرل، غرختسان، غور، کایک، تغرغز، ارغمتسان، حجاز، سسریر، خزرو و مغرب را رام ساخت. باب دوم درباره پادشاهیایی است که مأمون در برابر این خدمات در حق او برقرار کرده‌است و باب سوم درباره چشم‌پوشی فضل از این پادشاهاست. مأمون این امر را پذیرفته و به فضل اکرام داده‌است که هر کاری را که نمی‌خواهد، کند و به اصطلاح این نامه او را «مراح العله» خوانده‌است.

صدوق در عیون اخبارالرضا از ابو علی حسین بن احمد سلامی (مؤلف اخبار خراسان که فعلا در دست نیست) نقل می‌کند که ولایت عهدی حضرت رضا^{۳۶} به اشاره و توصیه فضل بن سهل بوده‌است و چون این خبر به بغداد رسید، خاندان بنی‌عباس را خوش نیامد و مأمون را بلع گرفت و با برابهمین بن‌المهدی که موسیقیدان و دونواز بود، عهد کردند و چون مأمون این خبر را شنید، دریافت که فضل بن سهل رای ناصوبی در پیش او گذاشته‌است. از امر بیرون آمد و رای بغداد شد و چون به سرخس رسید، در برابر این خدمات در حق او پادشاهان را غلبه دایمی مأمون بود. بعد مأمون حضرت را در حال بیماری که بر او عارض شده بود، مسموم ساخت و آن حضرت بر سر راه خود رفت و در سبایب توس در کنار قبر هارون مدفون گردید. این واقعه در صفر سال ۳۰۳ ق اتفاق افتاد. صدوق پس از نقل این خبر از کتاب اخبار خراسان، آن را نادرست می‌داند و می‌گوید مأمون خود، آن حضرت را ولعهد کرده...

چهل حدیث از امام رضا (ع)

حجت الاسلام والمسلمین کاظم مدیر شانه‌چی

با تو آن کنند.

۲۱- **مِن عَلامَاتِ النِّفَاقِ، الْحُكْمُ وَالْعِلْمُ وَالصَّمْتُ**: از نشانه‌های فقیه، قضاوت به حق و علم و سکوت است.
۲۲- **الْفَقِیْهِ الْجَمِیْلِ، الْعَفْوَ مِنْ غَیْرِ عُسَابٍ**: هر گذشتن، آن باشد که کس را بدون عتاب ببخشایی.
۲۳- **إِلَّا بِأَمْرِ الْکَرَامَةِ أَلَا الْحَمَارُ**: هدیه را که در آن منت نباشد، جز حمار رد نمی‌کند.

۲۴- **السَّخِیْرُ یُکَلِّمُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لَکُلِّ مِمَّا طَعَمَ**: انجام فرزند از طعام مردم می‌خورد تا از طعامش بخورد.
۲۵- **مَنْ یُخَلِّقُ قَرِیْبَ مِنْ اللَّهِ، قَرِیْبٌ مِنْ الْجَنَّةِ**: هر که از خلق است، نزدیک از خدا و بهشت و مردمان نزدیک است.
۲۶- **صَدِیقُ الْجَاهِلِ فِی الْعَمَلِ**: دوست مردم نادان در رنج باشد.
۲۷- **أَفْضَلُ الْعَقْلِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ بِرَبِّهِ**: و الاثرین خرد معرفت آدمی به پروردگار است.

۲۸- **مَنْ رَضِیَ بِالسَّیْرِ مِنَ الْحِلَالِ خَفْتُ مَوْتَهُ**: کسی که به حلال اندک بخشنود باشد، زندگی‌اش آسان گذرد.
۲۹- **مَنْ رَضِیَ بِالْقَلْبِ مِنَ الزُّرْقِ قَبْلَ مَنَةِ السَّیْرِ** من الممل: کسی که به روزی اندکی که خدایش داده راضی باشد، خداوند عمل اندکش را قبول فرماید.

۳۰- **الضَّمَّتْ یَکْسِبُ الْمَجْنُونُ وَهُوَ دَلِیلُ عِلْمٍ کُلِّ خَیْرٍ**: خاموشی دوستی به بار دارد و هم دلیلی است بر نیکی.
۳۱- **حَسْبُ نَفْسَةٍ، رِیْحٌ مِنْ قَلْبِ عَنَّا**: نفس خرسی که به حساب خویش رسد، سودبرده کسی که از خود غافل بود، زیان بیند.

۳۲- **مَنْ جَعَلَ الْبَصَرَ، وَبَصِرَ بِنَفْسِهِ، وَ مِنْ فِیْهِ عِلْمٌ**: کسی که عبرت گیرد، نبیند و شود و آن که بینا شود، بفهمد و آن کس که فهم نکند، دانا گردد.
۳۳- **أَفْضَلُ الْعَمَلِ مَا وُفِّیَ بِالْعُرْضِ**: بهترین مال آن بود که آبرو نگذارد.

۳۴- **الْمُؤْمِنُ إِذَا غَضِبَ لَمْ یُخْرِجْ عَفْیَةً مِنْ حَقِّ**: مؤمن را خشمش از طریق حق خارج نمی‌سازد.
۳۵- **الْمُؤْمِنُ إِذَا قَدَّرَ لَمْ یُخْرِجْ أَثَرًا مِنْ حَقِّهِ**: مؤمن چنان است که از قدرت رب‌ایف بیش از



■ نوشته: دان راویو - یوسی لمن ■ ترجمه:تضی میرمطهری ۳۱۳

به علت نامعلومی آنها دستپاچه شدند و از اتومبیل بیرون آمدند. یک اتفاق ناگهانی سوسم هم پیش آمد. نامهرسان «حماس» دنبال اتومبیل دودید و به طرف راست پیچید با تعجب دید که اتومبیل یادشده ر آنجا پارک کرده و دو نفر غریبه از آن بیرون پریدند و در جهت مخالف یکدیگر شروع به دودیدن کردند. نامهرسان بلافاصله خودش را روی یکی از آنها انداخت. نفر دوم که در حال فرار بود به طرف آنها برگشت و با به کار گیری مهارت‌ش در فنون ورزشی رزمی ضربه‌ای به نامهرسان زد که او بیهوش شد و به زمین افتاد. مأماین مخصوص فرار که رئیس «کیدون» راننده‌اش بود توانست از صحنه بگریزد. اما عده زیادی از اردنی‌هایی که از آنجا می گذشتند، دو نفر آدمکش و نامهرسان که بیهوش روی زمین افتاده بود، احاطه کردند.

دو آدمکش کوشیدند تا توضیح دهند که نامهرسان قصد سرقت پول آنها را داشته و این که آنها تبعه کانادا هستند که برای سیاحت به اردن آمده‌اند. از بخت بد آنها، ناگهان پلیس محلی هم رسید.

در حالیکه دو نفر اسرائیلی همچنان ادعا می کردند که آنها صرفاً گردشگر هستند، یکی از افسران پلیس یک تاکسی را که از آنجا می گذشت متوقف کرد و به آن دو اسرائیلی دستور داد که سوار شوند. نامهرسان «حماس» هم که به هوش آمده بود سوار تاکسی شد.

ماجرای مثل صحنه یک فیلم سینمایی بود، ولی واقعیت داشت. در داخل تاکسی، اگر آن دو «کانادایی» فکری می کردند که ایمن خواهند ماند، در اشتباه بودند. نامهرسان «حماس» که در کنار آنها نشسته بود مرتباً فریاد می زد «مشعل! مشعل» و افسر اردنی به تاکسی دستور داد که به پاسکاه پلیس برود.

پلیس اردن همان کاری را کرد که باید بکنند. آنها به مسافرت کانادا تلقین کردند و اطلاع دادند که دو نفر از اتباعشان در بازداشت هستند. یکی دیپلمات کانادایی به پاسکاه پلیس آمد و با آن دو نفر گفتگوی کوتاهی کرد. او فکر نمی کرد که آن دو مرد هموطنش باشند.

در این فاصله «مشعل» را افرا را به بیمارستان منتقل کردند. او بی هوش بود. سسرویس امنیتی داخلی اردن بلافاصله چند بازجو به پاسکاه پلیس فرستاد. آن دو خارجی به شدت مورد بازجویی قرار گرفتند. آنها دو جیه‌شان را از دست ندادند و همان داستانی را که از خودشان در آورده بودند، تکرار کردند.

چهار نفر از افراد «کیدون» و فرمانده‌شان با اتومبیل به هتل هایشان رفتند. آنها به «میشکان بن ددیوید» که هم آهنگ‌کننده بود اطلاع دادند که عملیات طبق نقشه پیش نرفته است و دو آدمکش به دردرسر افتاده‌اند. «بن ددیوید» موضوع را به اطلاع اداره «قصری‌ها» در ستاد مرکزی موساد در «گلیلت» رساند. در سلسله مراتب فرماندهی موساد، «یاتوم» و «تانیاهو» بلافاصله از این خبر بد مطلع شدند.

«بن ددیوید» که بر اعصابش مسلط بود، چهار نفر باقیمانده اعضای تیم را با اتومبیل به سفارت اسرائیل در «امان» برد. سپس به هتل «پتر کنتینتال» رفت تا موضوع را به خاتم دکتری که آنجا بود اطلاع دهد و او را آرام کند. شام‌ش به او می گفت که پادشاه را دور نیندازد، هر چند ممکن بود که به دست پلیس بیفتد و از آن به عنوان مدرکی بر علیه آن استفاده کنند. چند لحظه بعد از این عملیات که با گذرکاری تمام شده بود «تانیاهو» نخست‌وزیر به «ملک‌حسین» پادشاه اردن تلفن تلفن کرد و از او خواست که همان روز با رئیس موساد ملاقات کند. این تقاضا چیزی عادی بنظر می رسید، لذا «ملک‌حسین» با آن موافقت کرد. هنوز چگونگی حادثه را به او اطلاع نداده بودند و نمی دانست که «مشعل» در بیمارستان و حالش وخیم است و دو نفر خارجی هم بازداشت شده‌اند.

■ اشاره:

دموکراسی غرب، به ویژه آمریکا را انگونه می شناسیم که دستگاه‌های تبلیغاتی آنها به مسأله ارائه کرده‌اند کمتر پیش آمده است که اشخاص یا نهادهایی توانسته باشند، تجربه‌ای واقعی و میدانی از ساختار و عملکرد شبکه حکومتی آمریکا کسب کنند و بتوانند آن را آزادانه در معرض نقضات افکار عمومی قرار دهند. موانعی که دستگاه‌های حاکمیتی و تبلیغاتی آمریکا می توانند در مسیر عرضه چنین تجربه‌ای ایجاد کنند، به قدری بزرگ و محکم هستند که اصولاً کسی حاضر به سرماه گذاری به روی آن نیست. اما حتی به مشاهده معدود نقدهایی که ناظر بر آگاه و تجربه دست اول از دموکراسی غرب ارائه می دهد، می توان به برخی حقایق ارزشمند پیی پرد و مطلب پیش رو می تواند یکی از آنها باشد.

در مبارزات انتخاباتی، نامزدهای ریاست جمهوری، به جای صحبت درباره اختلاف طبقاتی و خشونت‌ها و دیگر مسائل مهم، از خصوصیات شخصی، اسم و اعتبار قابل خود پروفسور فرانک پی (Francis Pevn) استاد برجسته دانشگاه نیویورک در مورد اینکه چرا مردم آمریکا در انتخابات شرکت نمی کنند، می گوید: هر دو حزب، سسنگو و حامی ثروتمندان و علاقمند هستند اوضاع را همانطور که هست نگاهدارند و تمایل هم به افزایش رای‌دهنده‌ها ندارند. او می گوید: در اروپا احزاب به علت افزایش اعتبار و اعتبار نظام و رهبر و پیروی از سیاست‌های شجاعانه‌یتر، دنبال رای بیشتر می‌هستند. این پروفسور اضافه می کند که آمریکا، مردم خیلی زیاد دیگری اتخاذ کرده که مردم را از شرکت در انتخابات بیایوس می کند. برای مثال، در حالیکه روزی رای گیری انتخابات در دنیای در یک روز تعطیل برگزار می شود، در انتخابات در آمریکا در سه‌شنبه که یک روز کاری است، انجام می شود. چیرا از این سیستم انتخاباتی خاص و منحصر به آمریکا که نامش الکترا کالج می باشد و به وسیله بیناگذاران قانون اساسی، از ترس اکثریت خطرناک طرح شده و تقریباً تا امروز، همانطور مانده است، برای انتخابات ریاست جمهوری از آن استفاده می شود؟ بر اساس این سیستم، رای‌دهندگان به خصوصی که تعداد آنها بالا و پایین رفتن جمعیت هر ایالت تغییر می کند، به وسیله احزاب در ایالات تعیین می شوند (نه به صورت انتخابات) که در مجمع دمکرات‌ها یا جمهوریخواهان به‌طور تلویحی و نه به‌طور فاطعه‌نه در یک وضعی که بیشتر شباهت به‌خرید و فروش اسب است، تصمیم می‌گیرند و او بیشتر رای مردم را کسب کرده باشد، تعیین می کنند. این سیستم و نیز معثربودن ثبت‌نام رای‌دهندگان، باز منحصر به آمریکاست، به این معنی که رای‌دهندگان باید چند ماه ساکن یک ایالت باشند که بتوانند رای دهند. این دو عامل، باز شرکت مردم برای رای دادن به‌طور مستقیم در انتخابات ریاست جمهوری جایگیری و

نتیجه انتخابات را به نفع ثروتمندان تمام می کند. دنیای غرب انتخاب رئیس‌جمهوری آمریکا را که به این صورت انجام می شود با وحشت و نگرانی هر چهار سال نگاه می کند. با وحشت، به علت اینکه بدین وسیله، رهبر کشوری که دارای قدرتمندترین ارتش دنیاست، انتخاب می شود. همچنین در طول تاریخ آمریکا سعی شده تا حد امکان رای‌آا دادن سفیدپوستان فقیر و سیاه‌پوستان

نقد دموکراسی غرب

حفظ ثروت و موقعیت ثروتمندان



■ دکتر امیرحسین فردوس

«رونالد ریگان،» یک کشی گری‌قلای بانامی‌اش که خودشاگرد خشونت‌فرهنگ آمریکاست، فردی که در رشته زیبایی‌اندام کار کرده، با شخصی که به‌نظر عده زیادی از متخصصان، بی‌کفایت‌ترین و بی‌اطلاع‌ترین فرد در تاریخ ریاست جمهوری آمریکااست مثل جرج بوش پسر، نامزد ریاست جمهوری رانیس جمهور آمریکامی شود.

وقتی که موضوع حائز شرایط نبودن این افراد را در کلاس‌هایم مطرح می‌کردم، جواب دانش‌جویان این بود که این رؤسای جمهوری دارای مشاوران و افراد باهوش و بسیار مطمع می‌هستند که آنها را در اخذ تصمیمات هدایت می‌کنند. اما پرسش من این بود که آیا این نامزد‌های ریاست جمهوری، نباید از تاریخ آمریکاناجدی مطلع باشند و دارای نیروی عقلانی نسبتاً خوبی باشند که بتوانند در بحث‌هایی که منجر به اتخاذ سیاست‌های بسیار مهم، مخصوصاً در سیاست خارجی می‌شود و اغلب بسیار پیچیده است، شرکت‌گیری کنند؟ من در دانشگاه معروف دین بوم که ریگان را دوست ندا‌م، پس از مدتی که او را مشاهده کردم، به این نتیجه رسیدم که او بسیار نادان است. همچنین اطلاعاتی از سیاست‌های خود ندارد. به نظر من اگر در مورد یک اشکالی ۱۰۰ متخصص، ۱۰۰ عقیده کاملاً متفاوت به من می‌دادند، چون او نمی‌فهمید که آنهاچه‌می‌گویند، فکر می‌کرد همه درست می‌گویند، در آن موقع من یک‌نامه در مورد کیفیت رهبری آمریکانوشتم و بعد از اینکه روزنامه شهر و حتی روزنامه دانشگاه آن را چاپ نکرد، در «گاردین» انگلیس چاپ شد. وقتی که او لین وزیر دارایی جرج بوش پسر استفاده‌داد، در کتابی که چاپ کرد، نوشت که جرج بوش نمی‌توانست در بحث‌های کابینه که انجام می‌گرفت، درگیر با وارد شود. در زمان

بازر آن‌نفر دیگری به حساب نیایند. ماغیا و گنگستر بازی در خون آمریکاست: پرفسور «Pevn» معتقد است که تقلب در انتخابات آمریکا گستره است.

«الگو» ۷۵۰ هزار رای از رقیب خود جرج بوش پسر بیشتر داشت و با نداشتن رای کافی الکترا کالج رئیس‌جمهور نشد. بعضی اوقات در موقع انتخابات ریاست جمهوری من دلم می‌خواست جایی داشتم و تا پایان انتخابات در آنجا می‌ماندم که هر روزه از فست‌فود‌های عصاب خردکن، وارونه نشاندادن مسائل و اختراعات و ابتکارات صنعت روابط عمومی که با دریافت مبلغ هنگفتی (نرخ آن بر اساس موفقیت‌های گذشته آنها تعیین می‌شود) در اختیار نامزد‌های ریاست‌جمهوری گذاشته می‌شود که با دریافت مبلغ تعدادی از نان‌را فزرب دهند، نجات پیدا کنن، این موسسه‌های روابط

دینوسیله از کلیه سهامداران دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت کنند که روز ششمینمورخ ۱۳۹۲/۷/۱۹ در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان میرمهاد، کوچه سپیدمهر، پلاک ۱۸، واحد ۱۲ تشکیل می‌شود دستور جلسه: ۱- استعفا گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی ۲- بررسی و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۲۰ اسفند ۱۳۹۱ ۳- استعفا ۴- بازرس حسابرس و بازرس قانونی اصلی و علی‌البدل ۵- سایر مواردی که در حدود اختیارات مجمع عمومی عادی می‌باشد.

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

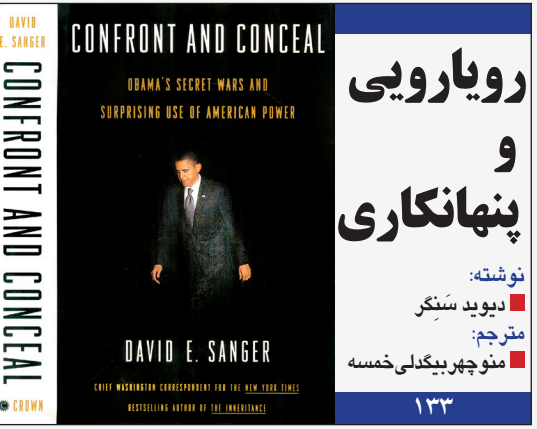
۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی

۱- هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسی



وی افزود: «اما دو راه بزرگ ما هست که ممکن است مرتکب خطا شویم. یکی این است که فراموش کنیم که گاهی ممکن است ردیای سبک در درازمدت بیشتر از رفتن به جایی با قوت تعیین‌کننده گران تمام شود- این درسی بود که از افغانستان گرفتیم. دوم اینکه عاشق صوت و سرعت تکنولوژی جدید شویم، زیرا توجه‌ات‌کای هر چه بیشتر به آن آسان است. آن وقت است که یک سلاح تاکتیگی می تواند شروع به تعیین استراتژی شما بکند».

در واقع، بسط فناوری پهپاد و سایبر به طرزی چشمگیر استراتژی او‌یاما را به آجایی که ت‌نی چند- از جمله ششخص او‌یاما- بعد از انتخاب او به ریاست جمهوری انتظار داشتند، دگرگون کرده است. او‌یاما و پارانش معتقدند که بدون پهپادها، القاعده در پاکستان نزدیک به شکست استراتژیک نمی‌بود.

رویهی رفته، با اتکای بیشتر به نیروهای عملیات ویژه- نه فقط در عملیات بن‌لادن بلکه برای ۱۰ تا ۱۵ حمله‌ای که هر شب انجام می‌دهند- این سلاح‌های جدید توانایی رئیس‌جمهور را برای رویارویی بی‌وقفه کم‌شدت، چیزی صرفاً پایین‌تر از جنگ، در هر روز از سال، افزایش معتنابه دادند.

تا زمانی که این مطلب نوشته می‌شود، دولت او‌یاما در مقایسه با ۴۰ حمله کل دولت بوش (که باید متصفانه گفت تعداد پهپادها کم بود) فرمان ۳۵ حملهٔ مخفیانهٔ پهپادها را صادر کرده است. قسمت اعظم این حمله‌ها در جنوب و شمال و زیرستان، نواحی قبیله‌نشینیه که



دوست دارم صدات کنم، توهم منو نیکا کنی
من تو رو نکات کنم، توهم منو صدا کنی
فربون چشات بوم، از راه دوری اومدم
جای دوری نمیره، آه به من نکا کنی
سید محمودی

برگزیده سومین جشنواره کتاب سال رضوی؛ روایتی شور انگیز از عشق و ارادت

کامران شرفشاهی

کبوترانه بخوان آسمان هشتم را



رضا اسماعیلی، بی گمان در شمار چهره های پر تلاش و تأثیر گذار
شعر و ادبیات معاصر است.

بررسی کارنامه ادبی او حکایت از آن دارد که طی
سال های دور و درازی که قدم در این وادی نهاده، حضوری آفرینشگر، پر
تکاپو، حرکت آفرین، متعهد و شورانگیز داشته است.
مروری بر کارنامه ادبی این شاعر معاصر، بیانگر کوششی خستگی ناپذیر
و مداوم دارد که گواه این مدعا به سهولت در آثار منتشر شده از او طی این
سال ها نمایان است. بخش قابل ملاحظه ای از اشعار و آثار اسماعیلی
به مضامین و موضوعات آیینی، دفاع مقدس و انقلاب اختصاص یافته
است.

«کبوترانه بخوان آسمان هشتم را» عنوان مجموعه شعر دیگری است
در قلمرو شعر آیینی از رضا اسماعیلی که برگزیده سومین جشنواره کتاب

به پاس
روز شعر و ادب فارسی

بخش اول

ادیبان و شاعران پزشکان جوامع

سید نجم الدین دانیالی

از شخصیتی بسیار مؤثر و صاحب مکتب
و مرا می آسمانی برای جهانیان، یعنی از پیامبر
عظیم الشان اسلام (ص) روایت شده است که
فرمودند: «اگر کسی فردی را نجات دهد، امتی را
نجات داده است.»

دمیدن روح به جسم، کاری بس عظیم و در
شان و شایسته خالق یگانه و آفریدگار جهانیان است.
یکی از الطاف بسیار عالی خالق مهربان و بزرگوار بر
انسان یعنی اشرف مخلوقات این است که انسان نیز
بتواند فردی را زنده گرداند؛ یعنی بر جسم مریض و
ضعیف نسخه زندگی و نسخه شفا و نسخه تقویت
نوشته و با اعمال و اجرای روش های علمی مبتنی بر
قوانین محبت آمیز الهی، مرده را زنده کند و مریض
را شفا و ضعیف را تقویت بخشد و بارها و بارها
سبب حیات مجدد گردد و این قدرت زندگی بخشی
و هستی، مجدد بخشی از صفات بارز خداوند قادر
و متعال می باشد که این صفت بنا به حکمت الهی
بر انسان نیز عطا گشته است، و در جهان آفرینش

مشاهده می کنیم
که افرادی همچون
پزشکان پیدا
شده اند که با اجازه
رب العالمین و
بنا بر روش های
تعریف شده از
جانب خداوند قادر
و متعال، مریض ها و
حتی مردنی ها را روح و جانی دوباره بخشیده و لذت
سلامتی و طول عمر بیشتر را بر انسان هموار
می سازند. و خدا را شکر که این عزیزان، تعدادشان
کم نبوده و روز به روز هم از لطف خدا بر تعدادشان
اضافه می گردد.

حال اگر زبان و ادبیاتی در منطقه ای در حال
نابودی و مرگ باشد، به منزله فردی ضعیف و
مریض و مردنی است؛ با این تفاوت که در اینجا
نسبت تشابه ریاضی اش عددی بس بزرگ، یعنی
در حول و حوش مثبت بی نهایت خواهد بود. چه،
در حالت بیان مسئله پزشکی، فرد و نجات فرد
 مطرح است؛ اما در حالت بیان زبان و ادبیات، قوم
و ملت مطرح می شود، و بلکه بالاتر از آن، قوم
و ملت در همه ادوار حتی آینده را نیز شامل
می گردد.

همچنین در مورد قوم و ملت، میلیون ها
میلیون افراد در اعصار مختلف آینده و حتی گذشته،
مشمول بوده و خواهند بود.

در این حال، اگر فردی بر قوم و ملتی، محبتی
خداگونه داشته و با صفت بارز روح بخشی، قوم و
ملتی را از حالت مرگ و نیستی با نسخه لازم و داروی
مناسب و روش درمان مؤثر به مرحله تقویت یا شفا
و یا حیات مجدد برساند؛ این فرد کاری بس عظیم
و خدایی انجام داده است و ریشه این کار عظیم نیز
از جانب خداوند تبارک و تعالی است که رحمتش
برفرد خاص نازل شده و مسلماً در آینده نیز به تعداد
بقیه در صفحه ۲

سال رضوی است. همان گونه که از عنوان کتاب پیداست، این مجموعه شعر
در بر دارنده شعرهای رضوی اوست.

اسماعیلی پیش از این نیز با دفترهای شعری مانند: بر آستان جانان،
آیین و سنگ، ناگهان دریا، ملکوت کلمات و ... تعلق خاطر مؤمنانه خود را
به حوزه شعر آیینی به اثبات رسانده است. اکثر این آثار نیز با استقبال جامعه
ادبی و علاقه مندان به ادبیات آیینی روبرو شده است.

«کبوترانه بخوان آسمان هشتم را» گزیده ای از سروده های اسماعیلی
در مدح و منقبت ثامن الائمه، حضرت علی بن موسی
الرضا است. این شعرها روایتی شورانگیز از عشق و
ارادتی خالصانه به ساحت مقدس هشتمین امام همام
است که مورد توجه آستان قدس رضوی قرار گرفته و
توسط انتشارات «سخن گستر» مشهد مقدس توفیق
چاپ یافته است. در دیباچه این مجموعه شعر که
توسط محمد هادی زاهدی، رئیس سازمان کتابخانه
ها، موزه ها و مراکز اسناد آستان قدس رضوی قلمی
شده است، اهداف و ضرورت انتشار آثاری از این
دست بر شمرده شده که به راستی چنین حرکتی مایه
امیدواری و خرسندی شیفتگان و ارادتمندان حضرت
ثامن الحجج (ع) است.

امید آن که این حرکت ارزنده فرهنگی همچنان
تداوم داشته باشد و بر گنجینه آثار مکتوب در زمینه
ادبیات و فرهنگ رضوی، به همت تلاشگران این
عرصه، آثار گرانبه دیگری افزوده گردد.

این مجموعه شعر که به عنوان اثر برگزیده سومین جشنواره کتاب سال
رضوی نیز معرفی شده است، در بر دارنده ۱۶ غزل و ۲۴ رباعی رضوی است
که انصافاً بیانگر تلاش مجدانه و خالصانه این شاعر معاصر و سختگیری او
در انتخاب آثار مندرج در این دفتر است.

بدون تردید آنان که اسماعیلی را می شناسند، می دانند که ۱۶ غزل
و ۲۴ رباعی فراهم آمده در این مجموعه، تمامی سروده های او در باره
شخصیت الهی و کرامات و فضایل بی همتای حضرت ثامن الائمه (ع)
نمی تواند باشد. لذا این دفتر را می توان منتخبی از سروده های شاعر در این
زمینه به حساب آورد.

بقیه در صفحه ۶

«گرافیتی» هنری خیابانی است و از
عناصر فرهنگ «هیپ هاپ» به شمار می آید.
اولین هنرمندان گرافیتی از خوانندگان موسیقی
متأثر بودند به طوری که موسیقی نواخته شده
را به سرعت به صورت حروف و تصاویر روی
دیوار منتقل می کردند.

«گرافیتی» هنری است که دور از چشم
مردم و معمولاً با مضمونی اعتراضی خلق می
شود و هنرمند گرافیتی برای ثبت عقاید، نظرات،
علاق و پیامش با شیوه گرافیتی، دیوار خالی

گفتگو با یک هنرمند گرافیتی به بهانه
نمایشگاه «بُعدهای آبی» در گالری «آرته»

عمر گرافیتی کوتاه است

مریم نظری



خیابان ها را به تصرف خویش در می آورد.
معمولاً هنرمندان گرافیتی به دلیل ذات
پنهانی این هنر، نام های مستعار برای خود
بر می گزینند. گالری «آرته» از ۱۵ تا ۱۷ شهریور
نمایشگاهی را از آثار گرافیتی گروه «دژ» با
عنوان «بُعدهای آبی» برگزار کرد، به این بهانه
و برای آشنایی بیشتر خوانندگان با هنر گرافیتی
با یکی از اعضای گروه «دژ» به گفتگو نشستیم
که از نظر می گذرد.

* پیش از این که گفتگو را شروع کنیم،
می خواستم بدانم شما را باید به چه نامی صدا
بزنم؟

— من «کیارش» یکی از اعضای «گروه دژ»
هستم که به اتفاق «تمکین» عضو دیگر این گروه،
نمایشگاه «بُعدهای آبی» را در گالری «آرته»
برگزار کردیم.

* آیا اعضای گروه «دژ» را فقط شما دو
نفر تشکیل می دهید؟

— بله، همینطور است. البته قبلاً، یعنی حدود
سه — چهار سال پیش تعداد اعضای گروه دژ
بیشتر بود اما به تدریج آنها نخواستند گرافیتی را
ادامه بدهند و از گروه کناره گرفتند.

بقیه در صفحه ۵ و ۵

نگاهی به ترجمه انگلیسی رمان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم»: اثر زویا پیرزاد

چیزهایی هست که نگفتیم



مهدی روشن

ادبی یلدا (۱۳۸۰) اشاره کرد. داستان کوتاه «طعم گس خرمالو» پیش از این در ایران جایزه بیست سال ادبیات داستانی در سال ۱۳۷۶ را به دست آورده بود. زویا پیرزاد از معدود نویسندگان ایرانی است که همه آثارش به زبان فرانسه ترجمه شده‌اند. کریستف بالایی، مترجم فرانسوی آثار زویا پیرزاد، که برگردان «طعم گس خرمالو» از ترجمه‌های اوست؛ مدرس زبان و ادبیات فارسی در مدرسه زبان‌های شرقی است و به آثار معاصر و داستان کوتاه و ادبیات زنان علاقه ویژه‌ای دارد.

از سوی دیگر به اهتمام رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی در مسکو، برای اولین بار علاقمندان ادبیات با آثاری از زویا پیرزاد نویسنده معروف کشورمان آشنا خواهند شد.

داستان‌های کوتاه «الیوان دسته‌دار» و «قصه خرگوش و گوجه فرنگی» از مجموعه «مثل همه عصرها» را خانم ویکتوریا آراکلو و استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دولتی ایران به روسی ترجمه و در ششمین شماره مجله الکترونیک «کاروان» به خوانندگان و علاقه‌مندان ادبیات عرضه کرد.

کاروان، ماهنامه الکترونیک رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به زبان روسی است که علاوه بر بارگزاری در سایت رایزنی، وبلاگ سفیر جمهوری اسلامی ایران در روسیه و چند سایت کشورهای منطقه، به ایمیل بیش از ۱۷۰۰ مشترک در فدراسیون روسیه و کشورهای مشترک‌المنافع ارسال می‌شود.

گفتنی است معرفی ادبیات معاصر ایران در روسیه به ویژه ادبیات داستانی معاصر، یکی از برنامه‌های رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مسکو است که در این راستا آثاری از نویسندگان و ادبیات معاصر کشورمان در برنامه ترجمه و نشر به زبان روسی قرار دارند.

زویا پیرزاد نویسنده نام‌آشنا و پرخواننده کشورمان است که رمان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» وی در سال ۱۳۸۱ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد و تا کنون بیش از سی بار تجدید چاپ شده است.



اجتماعی دارند: «مردم غرب درباره ایران تصور غلطی دارند. ایران، نه عربستان سعودی است و نه کویت. شاید پوشش زنان ایرانی در خانه و محیط‌های اجتماعی باهم متفاوت باشد، اما زنان ایرانی نقش مقدم را در خانواده از سال‌ها پیش داشته‌اند و حتی در خانواده‌های سنتی هم این نقش وجود دارد. زنان در ایران در بسیاری از مشاغل حضور دارند، می‌توانند مقام‌های دولتی داشته باشند و عضو احزاب شوند.»

کتاب «چیزهایی هست که نگفتیم» بیش از ۱۵۰ هزار نسخه فروش رفته است و همچنان در فهرست پرفروش‌ترین و محبوب‌ترین رمان‌های انتشارات «وان ورد» قرار دارد. مجموعه داستان «طعم گس خرمالو» او در سال ۲۰۰۹ جایزه بهترین مجموعه داستان ترجمه فرانسه را از آن خود کرد. گرچه داستان‌های پیرزاد در این سال‌ها به زبان‌های مختلفی ترجمه شده و حتی در گرجستان هم با استقبال روبه‌رو شده است، اما او برای انتشار نسخه انگلیسی رمانش صبر کرد. وی می‌گوید: «پیدا کردن یک ناشر خوب و انتشار ترجمه نزدیک به متن اصلی، پیچیدگی‌های خودش را داشت و برای همین هم ترجیح دادم کمی صبر کنم و حالا از انتشار این نسخه خوشحال هستم.»

زویا پیرزاد در ایران با رمان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» شهرت یافت. این رمان جایزه‌های فراوانی دریافت کرد که از آن جمله می‌توان به جایزه بهترین رمان (سال ۱۳۸۰) پکا، جایزه بهترین رمان بنیاد هوشنگ گلشیری (۱۳۸۰) و لوح تقدیر جایزه



نسخه انگلیسی رمان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم»، نوشته بانوی نویسنده ایرانی «زویا پیرزاد»، بیش از صد و پنجاه هزار جلد در خارج از کشورمان فروش کرد.

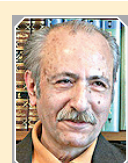
این رمان ایرانی این روزها، در فهرست پرفروش‌ترین آثار ایرانی سایت آمازون قرار گرفته است. ترجمه انگلیسی رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم با عنوان «چیزهایی هست که نگفتیم» منتشر شده است. پیرزاد در گفتگو با روزنامه «مترو» گفته است: «ارزشش را داشت که برای ترجمه اولین رمانم به انگلیسی ۱۰ سال صبر کنم.»

حالا رمان «چیزهایی هست که نگفتیم» با استقبال روبه‌رو شده است و مجله «لوپون» فرانسه هم این رمان را با یک سریال محبوب و مشهور آمریکایی مقایسه کرده و به آن لقب رمانی درباره زنان مستأصل را داده است.

روزنامه مترو در بررسی آثار او نوشته است: «زویا پیرزاد، موز می‌نویسد و علاوه بر این، تصویری دقیق و بی‌پرده از زندگی روزمره خانواده‌ای در میانه دهه ۶۰ میلادی ارائه می‌دهد و بی‌آن‌که بخواهد داستان‌ش را در حال و هوایی فمینیستی ببرد، خواننده‌اش با شخصیت‌های زن و از جمله کلاریس، زن آرام داستان، احساس همذات‌پنداری و همدلی می‌کند.»

اولین تجربه‌های داستان‌نویسی او را ایرانی‌ها در دهه ۹۰ خواندند. او سه مجموعه داستان و دو رمان نوشته است که هر دو جزو پرفروش‌ترین رمان‌های یک دهه اخیر بودند.

پیرزاد از این که رمان «چیزهایی هست که نگفتیم» در ایران مجوز انتشار دریافت کرد و به کتابفروشی‌ها رفت، متعجب و خوشحال شد. او معتقد است که زنان ایرانی همچنان در بسیاری از موارد، اقتدار و حضور



کتابخانه‌ها را می‌خواند

کتابخانه‌های ذهن و زبان

۸۷

هیچ وقت هدیه‌های متعدد یا چندگانه نبرید، زیرا به جای آنکه باهم جمع شوند، از همدیگر منها (تفریق) می‌شوند. روانشناسی‌اش این است که گیرنده هدیه، بی‌اختیار فکر می‌کند، این هدیه‌های متعدد نصفه-نیمه یا جسته-گریخته است که هدیه دهنده ناچار شده چندتا از آنها را بزند تنگ هم، و توی رگ هدیه گیرنده.

در کار و بار سیگار، چنان که بسیاری از خوانندگان آزموده‌اند، اعتیاد از یک عدد شروع می‌شود و سرانجام به یک یا دو حتی سه پاکت در روز (یا شبانه‌روز) می‌رسد. همین است که بنده جمله‌ای گفته‌ام که مقبول طبع بعضی دوستان قرار گرفته:

«یک پک یعنی یک پاکت!»

کسی که نداند برای چه کاری ساخته شده است، کارش ساخته است! (بدون شرح).

آدم نساخته خراب می‌کند (عاقلان دانند).

فقط وقت تهدید (تحدید) شده است که به کار می‌آید.

شادروان بیژن جلالی، شاعر معروف که از عزیزترین دوستان من بود، واقعاً یک پا حکیم بود. و چه بسیار بار که حرف او گل (/تُرک) می‌انداخت، سخنان حکیمانه می‌گفت؛ از جمله: «اگر یک مقدار از وقت / وقت را تلف نکنی، وقت تو را تلف می‌کند.»

یک بار همین بیژن جلالی نازنین را در مهمانی دوستانه که جمعی از رفقا و فقرا آمده بودند، از طریق تلفن به منزلمان دعوت کردم. من و من کرد و گفت: «... نه، هر چه فکر می‌کنم نمی‌توانم بیایم.» با اشتیاق تمام، اصرار کردم که بهانه نیاورید و خودتان را مثل دسته گل یا گلدسته برای این جمع مشتاق و منتظر بیاورید.

باز حرف‌های نامفهوم حاکی از نکول و عدم تمکین زد و دست آخر گفت: «خرمشاهی جان، صبح حمام رفته‌ام و می‌ترسم بچام!» حال آنکه آن موقع درست چله تابستان و قلب‌الاسد بود.

همین نازنین جلالی، یک بار به من یک تسبیح شاه مقصودی درست و حسابی هدیه داد که می‌دانستم در کمتر از یک هفته از دست می‌دهم. و دادم و از ترس سؤال و ملامت جلالی رفتم یک تسبیح درست همانند همان خریدم و تازه آن موقع فهمیدم که هر دانه از صد دانه‌اش (خدا را شکر که هزار تا دانه ندارد)، چند هزار تومان می‌شود.

سخن از دوست دلبند هنرمندم شادروان بیژن جلالی بود که در زمان حیاتش دو شعر طنزآمیز برایش سروده بودم که در یکی از آنها از ژانر (قالب) شعر «معنی‌اندر معنی» یعنی مهمل و لایعنی استفاده کرده بودم و آغازش این بود که:

بس که حصیر دیده‌ام، عاشق نقش قالی‌ام
بیهده نیست روز و شب این همه پرتقالی‌ام...

ادامه دارد

به پاس روز شعر و ادب فارسی

ادیبان و شاعران پرشکاکان جوامع

سید نجم الدین دانیالی

بقیه از صفحه اول

امکان اتفاق خواهد افتاد و لازمه زندگی انسانی نیز چنین است و برای این بخش از زندگی جهان بشریت، و جهان سلامتی‌ها، ادیبان و شاعران را می‌توان به عنوان پرشکاکان جوامع بشری منظور داشت که به نوشتن نسخه، تجویز دارو، ارائه روش درمان مانند کار مشغول اند و با القای شعور و شعر و ادب، و نواختن موزیک پر ترنم و لذتبخش، جوامع بشری را پویا و سر حال و سرزنده نگه می‌دارند.

ایشان نواقص و نارسائی‌های جامعه را برطرف و کمالات انسانی را در جامعه هر چه بیشتر تقویت می‌کنند و چنانچه قوم و ملتی را از وجود این عزیزان یعنی ادیبان و شعرا جدا و یا خالی فرض کنیم، آن ملت به حالت خمودی و سرخوردگی گرایش پیدا کرده و این تنزل در جامعه، خودباختگی و گمراهی به دنبال می‌آورد و پس از امر خود باختگی و گمراهی، نوبت رشد و زایل و رشد و زایل و میکروب‌های خطرناک و انواع مرض‌های اجتماعی سر رسیده و به دنبال انواع امراض اجتماعی از قبیل: دروغ، گرایش به سستی، مردم‌آزاری، راحت‌طلب، بهره‌کشی از دیگران، فریبکاری، ریا، زرق و برق‌ظاهر، کم‌فروشی و گران‌فروشی، ترویج خرافات، خودکشی، تشویق و ترغیب به ایجاد جنگ نظامی بین اقوام و... در جامعه

رشد و برای سلامتی جوامع بشری سرطان و قارچ‌هایی ظاهر گشته و شکافی بس عمیق و زخمی فراگستر ایجاد می‌شود.

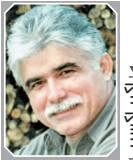
اما با دیدن روح فرهنگی متعال و ایجاد فضای فخر و افتخار و رقابت مثبت که توسط ادیبان و شعرا و دیگر دانشمندان صورت می‌گیرد؛ شیب جامعه از سمت سرخوردگی و خمودی به سمت فخر و بالندگی و سلامتی و صعود با کمک رقابت مثبت تغییر پیدا کرده و بدین وسیله نواقص و نارسائی‌ها درمان، و کمالات انسانی و اجتماعی، تقویت و رشد می‌یابند. از طریق این روش است که انسانیت به شکل اصلی‌اش نزدیک می‌شود. از جمله این صاحبان نسخه و تجویز دارو و ارائه



تصویر تابلو «حیدریا» اثر استاد منصور وفایی؛ تقدیم شده به مناسبت ادب و هنر به مناسبت روز بزرگداشت استاد شهریار

روش درمان، یعنی از جمله دمنده‌گان روح بر جسم جامعه، در کنار بزرگانی چون سعدی و حافظ و فردوسی و مولوی و نظامی، به شاعر و ادیب ارجمند «سید محمد حسین بهجت تبریزی» متخلص به «شهریار» می‌توان اشاره کرد، که ما آیندگان و همچنین گذشتگان نیز مدیونش بوده‌ایم و خواهیم بود.

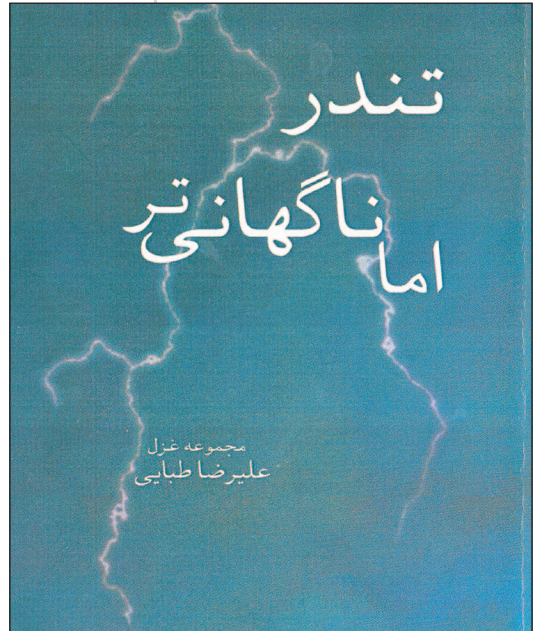
ایشان در شکل و شمایل «شعر» با نفس‌های نجات دهنده‌اش، به جامعه روح بزرگی و فخر و انسانیت اهدا کرد. و الحق که اسم گذاری روز ادب پارسی در سالروز وفات این شاعر گرانقدر، شایسته مقام شامخ اوست و بیان شمه‌ای بسیار کوچک از خدمات روح بخش ایشان به جامعه بشریت از طریق ایران بزرگ است.



اکبر اکسیر

معرفی مجموعه غزل «تندر اما ناگهانی تر» علیرضا طبایی / آوای کلار ۹۲

نچوای حیرتی تاریک



مجموعه غزل
علیرضا طبایی

سوزدها را با سادگی و زیبایی بیان نماید.

اکثر شاعران دیروز و امروز، تجربیات زیبایی در غزل داشته‌اند که عمق این زیبایی در آثار شاعران بزرگ ما دیده می‌شود. از خانم سیمین بهبهانی، هوشنگ ابتهاج، دکتر شفیع کدکنی، نصرت رحمانی، فروغ فرخزاد، خانگی، نستانی، مشیری، پرنگ پدرام، بهمنی، شیون و منزوی تا شاعران پرشور بعد از انقلاب نمونه‌های درخشانی از غزل را در کارنامه شعری خود دارند که نشان از محبوبیت این قالب شعری دارد. یکی از چهره‌های نام‌آشنای عرصه غزل که سهم عمده‌ای در تربیت غزل‌پردازان امروز دارد، استاد «علیرضا طبایی» است که در طول سال‌های سردبیری صفحه شعر مجله جوانان، به معرفی شاعران شهرستانی اقدام کرد.

استاد طبایی به تازگی مجموعه‌ای از غزلیات خود را در دفتری با عنوان «تندر اما ناگهانی تر» توسط انتشارات «آوای کلار» تقدیم غزل‌دوستان کرده است که در حد خود حرفی برای گفتن دارد و نمونه‌های روشن غزل معتدل است.

استاد طبایی چنانکه ذکر شد در کنار هدایت و حمایت شاعران جوان، غزل، ترانه و شعر نیمایی را ادامه داده و در هر مورد نمونه‌های زیبایی به یادگار گذاشته است. تندر اما ناگهانی تر، مجموعه‌ای شکیلی از غزلیات ناب است که نوگرایی با مفاهیم عالی انسانی، سادگی

غزل، قالب مقدر شعر فارسی از دیروز تا امروز بوده و خواهد بود. نوگرایی شاعر، حتی از نوع آوانگارد و آتشی‌اش، در طول شاعری غزلی هر چند سه‌بیتی مرتکب شده است تا ثابت شود که معیار سنجش شاعران، گذر از قالب غزل است!

امروزه غزل، مثل شعر نو تغییرات شگفتی نموده و همگام با زمان، خود را به اکتونیان رسانده است و دست کمی از شعر نو ندارد. استقبال غزل‌پردازان جوان در سراسر ایران و پردازش این قالب سنتی، آن را بیش از پیش روز آمد کرده است و این قالب کهن توانسته تازه‌ترین

مرد آهنی، یادآور سوپرمن

سینمای جهان

جو شوستر، تصویرگر سوپرمن، همکار خالق و نویسنده داستان‌های سوپرمن، یعنی آقای جرمی سگل، در آخرین مصاحبه‌اش با تورنتو استار، درباره آفرینش سوپرمن سخن گفت. جو شوستر در ۳۰ جولای ۱۹۹۲ در لوس آنجلس در گذشت. او در این مصاحبه با هنری میتکیوویچ از بزرگترین سایت خبری کانادا به نام استار در تاریخ ۲۶ آوریل ۱۹۹۲، گفته است: در برنورد کالیفرنیا، زمانی که پسر بچه‌ای ۹ ساله بود، روزنامه‌های THE STAR را می‌فروخت و بایدن صفحه‌های روزنامه که می‌فروخت، متوجه شد که جهان فانتزی بارنگ‌های کمیک استرپ جاس می‌گیرند. رفت و آمد‌های او در میان برج‌های این شهر، ذهن او را به متروپلیس، زادگاه سوپرمن، کشاند.

سوپرمن شبیه ما بود



اریک یتز (ERIKE YATES) از سایت ZEKEFILM.ORG معتقد است که: «ابا سوپرمن، یک سمبل و نماد آمریکایی حاوی دادگستری و حقیقت و منش آمریکایی پدیدار شد که تمامی میراث فرهنگی جامعه مسیحیت آمریکا را از سوی مسیح به مردم آمریکا منتقل می‌کرد. اگرچه مسیح توسط پدر مقدس به سوی ما آمده بود و پیامی آسمانی داشت ولی از نظر چهره و قیافه شبیه ما بود و از نظر قدرت، ماورایی بود.

مسیح از جنبه پیامبری‌اش روحانی و قدسی و ملکتوتی بود ولی از جنبه بشری‌اش همانند KAI-EI سالها از نظرها مخفی بود و تازمانی که هنگام مأموریتش فرانسیس بود، ظهور پیدا نکرد. این دوشخصیت، هر دو

سه شنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۲ - شماره ۲۵۶۹۲

نقدینه

تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»



راز راز

«ا گفتگو از: کریم فیضی»

من و مافوق من

* پس فکر یک انسان می‌تواند این سؤال باشد که فکر کردن چیست و تفکر چیست؟

* قطعاً چنین است، چون ما قبل از اینکه درباره چیزی که تفکر درباره‌اش تعلق می‌گیرد بپرسیم و سؤال کنیم، می‌توانیم از خود تفکر سؤال کنیم و ببینیم که تفکر چیست؟ در اینجا، فکر از خودش می‌پرسد که: من چیستم یا کیستم؟ تفکری که درباره‌ی امور عالم تفکر می‌کند، خودش چیست؟ آیا به نظر شما این سؤال بی‌اهمیت است؟ انسان چیزهای زیادی را می‌فهمد و دایره‌ی معلوماتش وسیع است اما قبل از آگاهی و دانایی‌اش به هر چیزی، اول خودش را می‌داند.

* این همان نقطه‌ای است که عالم حضوری از آن آغاز می‌شود و اعلام حضور می‌کند.

* شما می‌دانید که اگر ۲ را با ۲ جمع کنند، می‌شود ۴. وقتی این را می‌دانید، در ضمن می‌دانید که شما می‌دانید که چنین است. آیا شما این موضوع را قبول ندارید که: هر چیزی را که می‌دانید، می‌دانید که شما می‌دانید یا قبول دارید؟ من الان تسبیحی در دست دارم که دانه‌های آن را در حضور شما می‌شمارم و می‌گویم: یک، دو، سه... تا آخر. دانه‌های این تسبیح را می‌شمارم ولی من می‌شمارم. این را می‌دانم یا نمی‌دانم؟ اگر ندانم که من دارم دانه‌های تسبیح را می‌شمارم، درواقع شمارنده‌ی دانه‌های این تسبیح منم؟ * باید بدانیم و می‌دانیم. نکته اینجا است که می‌دانیم، حتی اگر به این دانایی علم و آگاهی نداشته باشیم.

* اصلاً معنای دانستن در همین نکته نهفته است. دانستن، معنایش همین است و دانش چیزی غیر از این نیست.

* ولی انصاف باید بدیم که ضمنی است و مضمر، نه صریح و آشکار.

* بله، ضمنی است ولی ضمنی بودن این آگاهی و دانایی چیزی از اهمیت آن کم نمی‌کند. اتفاقاً چون ضمنی است مهم است. اشخاص به این نکته‌ها توجه ندارند درحالی که آثار زیادی بر آنها مترتب است. اگر انسان نداند که دانه‌های تسبیح خودش را می‌شمارد، فرقی با ماشین و کامپیوتر چیست؟ کامپیوترها می‌شمارند و هزارها کار انجام می‌دهند، ولی نمی‌دانند چه کار می‌کنند!

* یادم هست که از کافکا یا یک نویسنده دیگر نقل می‌کردید که گفته است: من سیگارهایم را می‌شمارم.

* این حرف از ژان پل سارتر است. همین موضوع و فهم آن نشان می‌دهد که سارتر متفکر عمیقی است و من به لحاظ فکری او را قبول دارم. توجه داشته باشید که این موضوع را اولین بار ابن سینا متوجه شده و بیان کرده است. این همان علم مرکب است.

* یعنی می‌دانیم و می‌دانیم که می‌دانیم. * اگر بدانیم ولی ندانیم که ما می‌دانیم، این دانستن نیست. انسان هر چه را که می‌داند، می‌داند که خودش می‌داند. اگر من انسان در دانایی‌اش حضور نداشته باشد، می‌توان گفت که می‌داند؟

* پاسخ منفی است ولی لازمه این سخن، وجود یک من، در مافوق من است.

* چه اشکالی دارد که من مافوق من باشد؟ اتفاقاً حرف خوبی زدید.

بالای من، من‌های دیگری است منتها چون موضوع از علم حصولی فراتر است و می‌رسد به علم حضوری، در نهایت یک من باقی می‌ماند و یک من می‌شود. حرف خوبی زدید!

ادامه دارد

یهودی است، می‌گوید: به عنوان یک پسر بچه یهودی در محله EGLINTON تورنتو، معلمی را به یاد می‌آورم که به بچه‌های هشت ساله‌اش نکته جالبی را گوشزد می‌کرد. او می‌گفت: ما یهودیان ممکن است در ظرف پیتزا، پیرونی بخوریم یا در روز تعطیل شنبه، به جای شرکت در مناسک مذهبی، در خانه به خواب خوش فرو برویم، اما نمی‌توانیم آلمانی‌ها را متوقف کنیم و همیشه یهودی خواهیم بود.

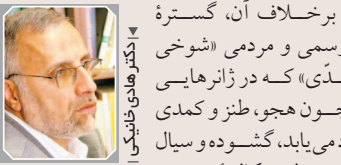
در اینجا من به عنوان هدفی دست نیافتنی همانند دیگران به طرز مشکوکی این حس را درک کردم. سال‌های بعد، آخرین نسخه سوپرمن را که زاک اشنایدر به نام مرد آهنی ساخته بود، به همراه جمعی از دوستان در خانه نگاه می‌کردیم. من کمی نوشیدنی خورده و در خانه با خیال راحت فیلم را می‌دیدم. به تدریج صحبت‌های معلم در گوشم طنین انداز شد و تعلیمات مذهبی والدینم از سوی دیگر به ذهنم خطور کرد. با خودم گفتم: «سوپرمن شبیه من است. یک یهودی سکولاری که بین پیرونی و پیتزا و میراث فرهنگی در حال گم‌شدن گرفتار شده است!» اما اینها را در سکوت و نگاهی متفاوت با خودم زمزمه می‌کردم. در اینجا ناگهان به بچه‌ها گفتم: «بچه‌ها می‌دونین چیه؟ سوپرمن یهودیه!». آنها به شدت حرف من را انکار کردند و دست‌های خود را با احساس به علامت نفی تکان دادند. با خودم گفتمند حرف‌های من به خاطر مستی من است و هیچ پایه و اساس آکادمیک و پژوهشی ندارد. اما با گذشت سالها باید اعتراف کنم که سوپرمن یهودی است. سوپرمن در ابتدا از پدر و مادری که نژادشان رو به فقر است متولد شد. او را داخل سبد (سفینه فضایی) قرار می‌دهند و توسط جریان رودخانه (از میان فضا)، به صورتی کاملاً اقیانوسی به مزرعه‌ای در کانزاس می‌فرستند. او از جنبه بشری نه جنبه قدسی‌اش [موسایی است که به جای این که رهسپار مصر شود، به کانزاس می‌رود.]

کودکی یکسانی دارند، اما توصیفات این دو در سن ۲۰ سالگی مشخص نیست. اگر چه در سن ۳۳ سالگی - که البته در ورژن‌های شبیه مرد آهنی این سن و سال متفاوت است - مرگ و رستاخیزی را تجربه می‌کنند. و از طرفی هر دو برای ایجاد محیطی ایده‌آل در جنگ با شیطان و بی‌عدالتی هستند. این مقایسه‌ها (از حیث جنبه بشری نه جنبه قدسی و الهی) بین سوپرمن KAI-EI و مسیح و موسی متقابلاً منحصر به فرد نیست. عیسی پیش از همه این حرف‌ها یک یهودی بوده است و باید بی‌دریم که با مهاجرت موسی و آزاد کردن یهودیان از بردگی، آشنا بوده است. سوپرمن، همانند مرد آهنی، ژنرال ZOD را نمی‌کشد بلکه طبیعت و رفتار او شبیه طبیعت و اخلاقیات عیسی است.

سرانجام قیاس کاراکترهای ما غیر ممکن می‌شود، چرا که سوپرمن هرگز مسیح نیست. او حتی موسی هم نیست. بلکه در واقعیت، داستان سوپرمن ساخته ذهن دو انسان است در سال ۱۹۳۰ که راهی را جستجو می‌کنند تا فقدان پدر خود را توجیه کنند. و اینکه بتوانند به آسودگی به عنوان مهاجران مقیم یک سرزمین زندگی کنند. سوپرمن برای این مردم مهاجر، کاراکتری بود که عظمت یک ملت را در مواجهه با شرارت‌ها و پیروزی‌ها نشان می‌داد. بر این اساس، ورژن آخر سوپرمن، یعنی مرد آهنین، به ما نشان می‌دهد که سوپرمن واقعا در مقایسه با عیسی نیست، بلکه شبیه ماست.

تاریخچه بلند پروازی پایدارترین قهرمان آمریکا همچنین «دیوید اتیز کوف» در نیویورک تایمز از قول لاری تای نویسنده کتاب «سوپرمن: تاریخچه بلند پروازی پایدارترین قهرمان آمریکا» می‌گوید: «ورود سوپرمن به زمین به صورت کودکی است بر موشکی همانند داستان عهد عتیق که موسی در قنداق پاپیروسی در بغل خواهر فرعون جای می‌گیرد و نام کریپتونی او KAL-EL همانند کلمه خون خدا عبری است.» هالی ملتوک HALEY MLOTEK از سایت RANDOMHOUSE.CO که یک منتقد

رمان و منطق گفتگویی



برخلاف آن، گسترهٔ غیررسمی و مردمی «شوخی – جدی» که در ژانر هائیی همچون هجو، طنز و کمدی نمود می‌یابد، گشوده و سیال است و منطق «مکالمهٔ درونی»، ذاتی آن است و هم در صورت و هم در محتوا ژانرهای رسمی را به چالش می‌کشد. باختین در گسترهٔ شوخی – جدی سهم و اثر دو ژانر «گفتگوی سقراطی» و «هجو منی‌په‌ای» را در گفتمان هنر داستانیفکسی چشمگیر تر می‌یابد.

دوم: گفتو و گوی سقراطی

باختین تیار ژانرهای ادبیی موجد گفتگو را تا سقراط دنبال می‌کند. در نظر باختین گفتگوی سقراطی ویژگی‌های بر جسته و مهمی دارد که می‌تواند مبنا ی هر نوع گفت‌وگویی قرار گیرد. از آن جمله، موارد زیر است:

۱- سقراط حقیقت و کشف آن را تنها در گفت‌وگو ممکن می‌داند:

«حقیقت در ذهن یک انسان تنها یافت یا زاده نمی‌شود، زادگاه حقیقت در میان مردمی است که به صورت جمعی در پی آنند، در فرآیند تعامل گفت‌وگویی میان مردم.»

کار سقراط این است که مردمان را گرد هم آورد و آنان را به گفت‌وگو ترغیب کند. در آثار اولیهٔ افلاطون تصویر نسبتاً کاملتری از گفت‌وگوی سقراطی وجود دارد. البته با نفوذ فلسفه‌های تک‌گو و تک منطقی که داعیهٔ کشف حقیقت داشتند و با گزینش سقراط به عنوان «معلم» – سقراطی که خود را «امامی اندیشه‌ها» می‌دانست – این تصویر در آثار افلاطون مخدوش و کدر شد، یعنی اگر چه در صورت شکل گفت‌وگو داشت، در کنه محتوای خود حامل فقط یک تفسیر و یک ایدئولوژی بود. این‌صورت به ظاهر گفت‌وگویی هم به تدریج جای خود را به پرسش و پاسخ‌هایی داد که برای آموزش نوآموزان طراحی شده بود و نهایت مسخ آن را می‌توان در گفت‌ و گوهای تبلیغاتی امروزی مشاهده کرد.

۲- گفت‌وگوی سقراطی بر دو رویکرد متفاوت مبتنی است: هم‌رایی (Syncrisis) و دیگر رایی (Anacrisis). هم‌رایی عبارت است از کنار هم نهادن زاویه‌های دید و نظری‌های متفاوت در فضایی برابری گفت‌وگو و برخورد و تطبیق بسا یک‌دیگر. دیگررایی که سقراط در آن مهارت و زدگی خاصی داشت عبارت است از بیرون کشیدن کلام مقابل توسط کلام. او به خوبی می‌دانست که چگونه طرف گفت‌وگو را به حرف بکشاند، چگونه او را وادار سازد نظر خود را بیان کند و چگونه محتوای ذهن او را در روشنای روز و به صورت شفاف به خود او و دیگران نشان دهد. به یاد داشته باشیم که دیگر در گسترهٔ «ژانر» های رسمی‌ای همچون فن بلاغت و خطابه نیستیم و این دو تمهید ابزاری برای اقناع حریف نیست، بلکه در راهبر د گفت‌وگویی سقراط معنا می‌یابد.

۳- شخصیت‌های گفت‌وگوی سقراطی هر کدام برای خود نظری دارند و در حقیقت هر کدام به مثابه یک ایدئولوگ هستند. خود سقراط اولین صاحب‌نظر است و با هر که صحبت می‌کند – چه شاگرداش و چه سوفسطائیان – به معنای آن است که هر کدام از خوددظتری دارند. حتی مردمی که به گفتو گو کشیده می‌شوند به رغم میل خود ایدئولوژیست می‌شوند. در تاریخ ادبیات غرب سقراط اولین کسی است که ایده‌ها را تنها در ذهن شخصیت‌ها نشان می‌دهد.

ادامه دارد

گفتگو با یک هنرمند گرافیتی به بهانهٔ نمایشگاه «بُعدهای آبی» در گالری «آرته»

عمر گرافیتی کوتاه است



بقیه از صفحه اول

«بهر است ما را بیشتر با «اگر و ده» آشنا کنید. این که چند نفر در این گروه فعالیت می‌کردند و فعالیت این گروه از چه سالی آغاز شده است؟

– فعالیت «اگر و ده» از سال ۸۵ آغاز شد، در ابتدا تعدادمان شش نفر بود و فعالیتمان را با گرافیتی انگلیسی شروع کردیم. آن موقع نمی‌دانستیم که گرافیتی در ایران فعال است، اما کمی که گذشت، به طوری اتفاقی با هنرمندان گرافیتی دیگری مانند «تنها» (alone) که خود پدر گرافیتی ایران است، آشنا شدیم. پس از صحبت‌های «تنها» بود که تصمیم گرفتیم به صورت جدی‌تر به گرافیتی بپردازیم. سه سال بعدش در سال ۸۸ گرافیتی فارسی را شروع کردیم.

«اعضای گروه‌تان چطور جمع شدند؟

– بسا «تمکین» بچه محل بودیم و در یک مدرسه درس می‌خواندیم. به تدریج متوجه شدیم که هر دو به «هیپ‌هاپ» و گرافیتی علاقه‌مندیم. من خود قبل از آن آهنگسازی می‌کردم. تصمیم گرفتیم یکبار گرافیتی را امتحان کنیم که کردیم و از این کار خوشمان آمد و ادامه دادیم و گروه تشکیل دادیم و به تدریج افراد دیگری به گروه ملحق شدند.

«چه شد که به گرافیتی علاقه‌مند شدید؟

– دلایل بیشتر همان علاقه به «هیپ‌هاپ» بود، از طرفی حس خوبی دارد که مردم فکر ما را می‌توانند با چشم‌هایشان روی دیوار ببینند. مسأله شهرت اصلا در میان نیست و اصولاً در میان گرافیتی آرتیست‌های کل دنیا شهرت هیچ اهمیتی ندارد و آنها برای شهرت این کار را انجام نمی‌دهند.

«مضمون گرافیتی‌های گروه شما چیست؟

– مضامینی روزمره مثل فیلم و موزیک مورد علاقه ما با فکرها و پیام‌هایی که گاه به ذهنمان می‌رسد و روی دیوار با مردم به اشتراک می‌گذاریم.



«آیا در گرافیتی‌های شما بیشتر از حروف استفاده می‌شود؟

– بله، بیشتر از حروف استفاده می‌کنیم و در ایران اولین کسانی هستیم که با اشکال هندسی در قالب رسم الخط عربی، گرافیتی انجام می‌دهیم. در واقع گرافیتی‌های ما در عین این که شکل هستند، به فوت شباهت دارند و به چشم آشنایی آیند. ما معمولاً در کارهایمان شکل و فونت را باهم ترکیب می‌کنیم. در ایران ما تنها کسانی هستیم که سه بُعدی کار می‌کنیم. مارنگ مخصوص خودمان را داریم و فقط با آبی کار می‌کنیم. البته برای این که گرافیتی را کامل کنیم و کار مشخص‌تر شود از رنگ‌های دیگر هم استفاده می‌کنیم اما رنگ اصلی ما که بر گرافیتی‌هایمان حاکم است، آبی است.

«چرا رنگ آبی را رنگ حاکم آثار خود به کار می‌برید؟



۴۰امیر نظری

دست چپ است و برای همین همیشه من از سمت راست و همکارم از سمت چپ کار را شروع می‌کنیم و چون فکرهایمان هم یکی است خیلی سریع گرافیتی را تمام می‌کنیم و هیچ وقت هم نشده که اشتباهی در کارمان پیش بیاید.

«کمی دربارهٔ چگونگی شروع یک کار گرافیتی توضیح دهید.

– معمولاً دیوار را دو – سه روز قبل از انجام کار پیدای می‌کنیم، بعد وسایل را تهیه می‌کنیم و طرحش هم که قاعدتاً در ذهنمان هست، اول اگر لازم باشد، زمینهٔ کار را رنگ می‌کنیم و بعد شروع به طراحی می‌کنیم و سپس یکی از سمت راست و دیگری از سمت چپ شروع می‌کند به رنگ کردن و افکت دادن. در این کار، هر کدامان هر طور که دوست داریم، سمت خودمان را رنگ می‌کنیم ولسی معمولاً ذهن‌های ما دو نفر باهم یکی است و تا الان در این زمینه مشکلی پیش نیامده.

«از چه ابزار و وسایلی برای کارتان استفاده می‌کنید؟

– برای گرافیتی به خاطر سرعت در کار از اسپری رنگ استفاده می‌شود. گاهی رنگ‌هایی را که دوست داریم، در مغازه‌هایلدانمی‌کنیم و برای همین خود دست به کار ترکیب رنگ می‌شویم.

«چرا همهٔ هنرمندان گرافیتی اسم مستعار برای خودشان دارند؟

– فکر می‌کنم هر کسی دلیل خاص خودش را داشته باشد، اما به نظرم یک دلیلش این می‌تواند باشد که دوست دارند اسمشان را خودشان انتخاب کنند؛ چون اسم اصلی و واقعی خود را خودشان انتخاب نکرده‌اند. شاید هم تنفر از شهرت باشد؛ چون نه اجازه است و فقط از روی علاقه به گرافیتی می‌پردازیم.

«آیا گرافیتی‌هایتان را فقط روی دیوار انجام می‌دهید؟

– اصل گرافیتی روی دیوار انجام می‌شود تا همهٔ مردم بتوانند آن را ببینند، اما روی هر چیزی می‌شود گرافیتی کرد؛ روی لباس، ماشین، کفش و... کلاه... در ایران هنرمندان گرافیتی فقط روی دیوار کار می‌کنند ولی کمپانی‌های لباس گاهی طرح‌های گرافیتی‌مان را از ما می‌خرند تا از این طرح‌ها روی تی شرت‌ها استفاده کنند. تنوع کار گرافیتی در خارج از کشور بیشتر است مثلاً چند وقت پیش شرکت «ولوو» فستیوالی بر گزار کرده بود و از گرافیتی کارهای دنیا دعوت کرده بود تا روی خود روهای این شرکت طرح‌های گرافیتی خود را اجرا کنند. با کمپانی «نایک» جشنواره‌ای را بر پا کرده بود و در آن کشش‌های سفید زده بود تا هنرمندان گرافیتی روی این کشش‌ها طرح‌هایشان را کار کنند یا شرکت «اپل» از هنرمندان گرافیتی دعوت کرده بود تا روی بسته‌بندی محصولانش گرافیتی کار کنند. در دنیا همه ساله برای گرافیتی کارها چنین جشنواره‌ها و رقابت‌هایی زیاد بر گزار می‌شود.

«فعالیت گرافیتی شما بیشتر در چه ساعاتی از شبانه‌روز انجام می‌شود؟

– معمولاً صبح‌های خیلی زود یا شب‌ها گرافیتی می‌کنیم، اما

«زمانی که برای یک کار گرافیتی صرف می‌شود، معمولاً چقدر است؟

– زمان صرف شده برای یک کار گرافیتی، بستگی به شرایط امنیت جین کار دارد. اگر بیشتر وقت داشته باشیم، روی جزئیات بیشتر کار می‌کنیم و کار هم قاعدتاً قشنگ‌تر و با کیفیت‌تر می‌شود ولی اگر وقت نداشته باشیم، نهایتاً کار را طی یک تا یک و نیم ساعت تمام می‌کنیم. اگر منطقه‌ای که آنجا کار می‌کنیم ایمن باشد، حدوداً چهار – پنج ساعت را صرف گرافیتی می‌کنیم.

«با توجه به این که گرافیتی اصالتاً یک هنر خیابانی است، چه شد که تصمیم گرفتید نمونه‌هایی از آثارتان را وارد فضای نمایشگاهی یک گالری یکنید؟

– ما نمایشگاه «بُعدهای آبی» را برگزار کردیم تا مردم ایران با هنر گرافیتی بیشتر آشنا شوند. تا الان نمایشگاه‌هایی که در گالری‌ها به نام گرافیتی گذاشته‌اند، بیشتر فقط یک نوع ساده از گرافیتی به نام «استنسیل» بوده و کمتر در نمایشگاه‌های داخلی گرافیتی اصیل که با اسپری روی بوم کشیده شده باشد به نمایش در آمده. ما حتی برای درک بیشتر دیدار کننده‌ها روی دیوار گالری «آرته» یک کار گرافیتی را انجام دادیم که البته کارمان را تا قبل از افتتاح نمایشگاه به پایان رساندیم.

«چرا اسم نمایشگاه تا «بُعدهای آبی» است؟

– چون هم‌انظر که گفتیم، غالب رنگ‌های به کار رفته در آثار ما آبی است و چون به صورت سه بُعدی کار می‌کنیم، بُعدهای مختلف رنگ آبی در این آثار مورد نظر مان بود.

«و سخن آخر شما؟

– در تهران دیواری نیست که کارهایمان رویش مانده باشد و در این زمینه شهر داری پشت کار خیلی خوبی دارد اما فکر می‌کنم ماند گاری گرافیتی‌هایی که در شهر ستانها انجام دادیم بیشتر است.

بُعدهای آبی



«پس در شهر ستانها هم گرافیتی انجام داده‌اید؟

– بله، ما در هر مسافر تی که به شهر ستانهای می‌کنیم کوله‌کارت و اسپری‌مان هم با ماست.

«وقتی روی دیواری زحمت می‌کشید و کار می‌کنید و فردایش یا چند روز بعد می‌بینید شهر داری آن را پوشانده؛ چه حسی به شما دست می‌دهد؟

– ما ناراحت نمی‌شویم و حس خاصی پیدانمی‌کنیم و فقط آماده می‌شویم برای گرافیتی بعدی! در واقع شهر داری دیوار را برای آن دوره خاص استفاده می‌شو؛ بعدها (و چه بسا اکنون) سینما، اپژو شناختی خوبی برای جامعه‌شناسان و مورخان خواهد بود. سینما اگر چه به قول ژان لوک گدار، واقعیت بازتاب است، اما باز تاب واقعیت نیز هست، واقعیت تاریخی انسانی که در بستر بیانی هنری به ماند گاری بیشتر و پرمایه‌تری از حقیقت می‌انجامد و هویتی نصری می‌بخشد. هویتی که بر پایه‌های قدرتمند تصویر بنا شده و قوام می‌گیرد.

«معمولاً چند روز گرافیتی‌هایتان روی دیوار می‌ماند؟

– بستگی به موقعیت محل دارد، هر چه به مرکز شهر نزدیک‌تر باشد یا بیشتر در معرض دید باشد، زودتر پاک می‌شود.



می‌دهند که چهره‌شان دیده و شناخته شود و نه اسمشان مشخص باشد.

«بزرگترین و کوچکترین دیواری که روی آن گرافیتی انجام داده‌اید چه اندازه بودند؟

– بزرگ‌ترین دیواری که روی آن کار کرده‌ایم ۱۶ متر بود و کوچکترین کار گرافیتی ما روی بوم‌هایی است که به‌عنوان نمونه‌ای از گرافیتی در نمایشگاه به نمایش در آمد.

«زمانی که برای یک کار گرافیتی صرف می‌شود، معمولاً چقدر است؟

– زمان صرف شده برای یک کار گرافیتی، بستگی به شرایط امنیت جین کار دارد. اگر بیشتر وقت داشته باشیم، روی جزئیات بیشتر کار می‌کنیم و کار هم قاعدتاً قشنگ‌تر و با کیفیت‌تر می‌شود ولی اگر وقت نداشته باشیم، نهایتاً کار را طی یک تا یک و نیم ساعت تمام می‌کنیم. اگر منطقه‌ای که آنجا کار می‌کنیم ایمن باشد، حدوداً چهار – پنج ساعت را صرف گرافیتی می‌کنیم.

«با توجه به این که گرافیتی اصالتاً یک هنر خیابانی است، چه شد که تصمیم گرفتید نمونه‌هایی از آثارتان را وارد فضای نمایشگاهی یک گالری یکنید؟

– ما نمایشگاه «بُعدهای آبی» را برگزار کردیم تا مردم ایران با هنر گرافیتی بیشتر آشنا شوند. تا الان نمایشگاه‌هایی که در گالری‌ها به نام گرافیتی گذاشته‌اند، بیشتر فقط یک نوع ساده از گرافیتی به نام «استنسیل» بوده و کمتر در نمایشگاه‌های داخلی گرافیتی اصیل که با اسپری روی بوم کشیده شده باشد به نمایش در آمده. ما حتی برای درک بیشتر دیدار کننده‌ها روی دیوار گالری «آرته» یک کار گرافیتی را انجام دادیم که البته کارمان را تا قبل از افتتاح نمایشگاه به پایان رساندیم.

«چرا اسم نمایشگاه تا «بُعدهای آبی» است؟

– چون هم‌انظر که گفتیم، غالب رنگ‌های به کار رفته در آثار ما آبی است و چون به صورت سه بُعدی کار می‌کنیم، بُعدهای مختلف رنگ آبی در این آثار مورد نظر مان بود.

«و سخن آخر شما؟

– در تهران دیواری نیست که کارهایمان رویش مانده باشد و در این زمینه شهر داری پشت کار خیلی خوبی دارد اما فکر می‌کنم ماند گاری گرافیتی‌هایی که در شهر ستانها انجام دادیم بیشتر است.



عجیب نیست که در دنیای ارتباطات و انواع فناوری‌های ارتباطی، این سینما باشد که روزی را به خود اختصاص داده

است که روز گاران تحت سیطره اوست. سینما در مقام یک هنر – صنعت رسانه و نمادی از فناوری و شاخصه دنیای مدرن، بی‌تأثیر از تقدیر تاریخی جوامع و وضعیت انسانی آن نبوده و همواره در تعامل و خویش مداوم با ساحت‌های فرا ذاتی خود شکل گرفته و تداوم یافته است.

همچنان‌که امروزه از آثار هنری و دستی به جای مانده از ادوار تاریخی گذشته به عنوان ابزاری برای تحقیق و درک دقیق آن دوره خاص استفاده می‌شو؛ بعدها (و چه بسا اکنون) سینما، اپژو شناختی خوبی برای جامعه‌شناسان و مورخان خواهد بود. سینما اگر چه به قول ژان لوک گدار، واقعیت بازتاب است، اما باز تاب واقعیت نیز هست، واقعیت تاریخی انسانی که در بستر بیانی هنری به ماند گاری بیشتر و پرمایه‌تری از حقیقت می‌انجامد و هویتی نصری می‌بخشد. هویتی که بر پایه‌های قدرتمند تصویر بنا شده و قوام می‌گیرد.

سینما، زبان گویای زمان خویش است و تجلی‌برونی و آشکار تحولات درونی عصر خود. در عصر رسانه‌ای شده امروز که جهان به واسطه فناوری‌های ارتباطی به دهکده‌ای کوچک بدل شده و تصویر، هم‌رونی فنی خود را بسط تاریخی داده است؛ سینما در مقام خداوندگار تصویر، به آتوزیته بی‌بدیل این جهان بدل شده و قدرت ذاتی خود را به اقتداری فرا ذاتی تبدیل کرده است.

به عبارتی دیگر، سینما پیش از مظاهر دیگر تمدن جدید، حضور خود را در زیست جهان انسان مدرن، تثبیت و حتی در مواقعی تحمیل کرده است. امروز کمتر تمام می‌شود همچنان دیده شدن آن را توسط مردم داریم. **«کدام هنرمند گرافیتی ایرانی و کدام هنرمند گرافیتی خارجی، تأثیر زیادی روی شما گذاشته است؟**

– در میان هنرمندان گرافیتی ایرانی «تنها» (alone) روی ما خیلی اثر گذار بود؛ چرا که اصلاً او ما را به صورت جدی به گرافیتی علاقه‌مند کرد. چون تا پیش از دیدن او را گرافیتی برای ما مثل یک بازی بیگانه بود. در میان خارجی‌ها ما هم کارهای «آلیم» را پی‌گیری و با تجربه مشترک ر زیسته با آن ندانسته‌باشد. البته رشد و توسعه‌یافتگی سینما متناسب با وضعیت درونیتنه در جوامع مختلف فرق می‌کند و بنا بر تجربه‌های تاریخی کشورها، متفاوت است.

سینما در ایران، بیش از کشورهای منطقه، هم‌زمان با آغاز پروسه مدرنیسم متولد شده و مورد توجه قرار گرفت. بر اساس روان‌شناسی اجتماعی فرهنگ ایرانی، علاقه آنها به قصه‌پردازی و داستان‌سرایی و البته سابقه تاریخی آنان در پرده‌خوانی و نمایش و تعزیه را باید در غایت به این هنر در نظر داشت.

اخذ سیاست‌های خاص سینمایی، بسترهای رشد و توسعه یارکود و بحران این صنعت را فراهم می‌کند. از سوی دیگر، سینما به عنوان یک مدیوم و ژانر رسانه‌ای بدون مخاطب، همین سینما و دوربین و تصویر شاید اگر مورد توجه ناصرالدین شاه قرار نمی‌گرفت، صنعت سینما به این زودی در کشور با نمی‌گرفت.

پشتیبانی نظام سیاسی در توسعه این صنعت نقش بسزایی دارد و موجب تسریع در تحولات آن می‌شود. ساختار قدرت در جهان، امروزه از سینما به عنوان اهرمی در میان بزرگان گرافیتی دنیا ثبت‌شود.

به بهانهٔ عبور تقویم از روز سینما

سینمایی که دوست داریم...

است که به جای داشتن ساختاری فرهنگی، زیر سایه سیاست قرار گرفته است و حیات مستقلی ندارد.

تصور غلط از سینما نزد برخی مدیران سینمایی موجب شده تا سر رشتهٔ سیاستگذاری سینمایی به جای فرهنگ در دستان سیاست بیفتد و در نتیجه، هویت فرهنگی سینما در پس باز ی‌های سیاسی مخدوش شود. نبود حمایت‌های مالی از سینماگران، کمبود وضعیت نامناسب



سینماهای کشور، سیاستگذاری‌های غلط و مقطعی، بخشی از عملکرد این مدیریت در سال‌های اخیر است که نتیجه آن اوضاع ورشکسته و بحران‌زده کنونی سینماست. متأسفانه سیاست زدگی یا سیاست‌های سالی‌ری در عرصه فرهنگ، همواره به ضرر فرهنگ جامعه‌ما منجر شده و در این میان، سینما به دلیل دامنه اثر گذاری و به اصطلاح در چشم بودن، بیشتر در چنبره سیاست قرار گرفته است.

سینما و هنر مستلزم تجربه‌های تازه از لایه‌های عمیق جامعه انسانی است تا بتواند به دور از پیش‌فرض‌های کلیشه‌ای و تحمیلی به‌بازنمایی واقعیت بپردازد. تدوین قوانین کپی‌رایت برای جلوگیری از قاچاق فیلم‌های در حال اکران، نمونه کوچکی از مدیریت فرهنگی است که سینما را از وضعیت ناگوارش خارج می‌سازد.

سینمای ایران در وضعیت کنونی بیش از آن که نیازمند حمایت‌های دولتی باشد که هست، به فرهنگ‌سازی و تثبیت کنش فیلم دیدن به عنوان بخشی از بازاریابی حقیقت و نهادینه کردن در زیست جهان خود نیازمند است.

سطحی‌نگری در بدنه مخاطبان سینما، ما آزا ردهنده است. سینمای امروز ایران از وضعیت تاریخی اجتماعی‌آن جدا نیست؛ تناقض‌های رفتاری چالش ست و مدرنیسم، تضادهای بنیادین فکری و نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی در هنر هفتم نیز اثر خود را گذاشته است. از همین‌روست که زبان سینمای ایران دچار لکنت شده و حتی از بیان درد خویش هم عاجز است.

این بحران زمانی تشدید می‌شود که سینما، راه خودش را از طریق صیوروت هنری‌اش پیدا نکند و دیگران خارج از متن آن، باحاشیه‌های غیر فرهنگی، بخوانند آن‌را به راه راست هدایت کنند.

چالش‌های سینمای ایران با رویکردی ذاتی بررسی شود. چنانچه از این منظر نگریسته می‌شود، باید به مشکلات فیلمنامه‌نویسی، ضعف کارگردانی، سطح بازیگری و بسیاری دیگر از عوامل درونی سینما پی‌برد. حتی اما نگاه‌من ناظر بر مسائل سخت‌افزاری و برون ذاتی سینماست؛ رویکردی که سینما را نسبت به مولفه‌های فرهنگی اجتماعی مرتبط با آن می‌سنجد. لذا وقتی از بحران مخاطب صحبت می‌کنیم، عوامل

مؤثر تر نرم‌افزاری و درونی سینما را کنار می‌گذاریم و صرفاً به بررسی عناصر مؤثر حاکم بر سینما می‌پردازیم. جالب آن‌که از این خاستگاه، آنچه زمینه‌های بحران مخاطب را برای سینمای ایران فراهم کرده است، به دنیای تصویر و خانواده سینما مربوط می‌شود.

رشد روز افزون و سریع انواع فناوری‌های بصری و صوتی تصویری و توسعه شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای، اگر چه به عنوان توسعه‌ار ارتباطات و بسط عالم تصویر قلمداد می‌شود و فیلم و سینما را در ظرفیتی گسترده‌تر در زیست جهان آدمیان جاری می‌سازد، اما خود علیه آن قسار می‌گیرد و موقعیت سینما را به خطر می‌اندازد؛ یعنی رسانه علیه رسانه!

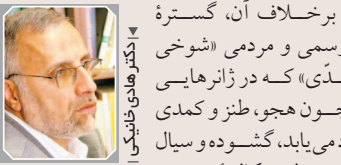
امروزه با انواع شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای و تولید برنامه‌های مختلف سرگرم‌کننده که با مانیورهای رنگارنگ و در ادعای اندازه‌دهی مختلف که به مدد پیشرفت سرویس‌های مخابراتی از کیفیت تصویری بالایی و چه بسا بهتر از پرده سینما برخوردارند، میل رفتن به سینما کمتر شده است.

مخاطبان ترجیح می‌دهند به راحتی در منزل خود بنشینند و فیلم تماشا کنند تا این که مشکلات شلوغی و ترافیک و مهمتر از همه هزینه بلیت سینما را به جان بخرند. اجرا نشدن قانون کپی‌رایت در ایران از قاچاق فیلم‌های روی پرده نیز در سال‌های اخیر به این مسأله اضافه شده و وضعیت خراب اقتصاد سینمای ایران را بسا تهدید جدی مواجه کرده است.

ایسن عامل، بیش از آن‌که به مخاطب مربوط شود (که البته به فرهنگ عمومی جامعه نیز بر می‌گردد)، به ضعف مدیریت فرهنگی کشور بر می‌گردد. در واقع عامل دومی که وضعیت کنونی سینمای ایران را رقم زده است، مدیریت سینمای کشور

مربوط شود (که البته به فرهنگ عمومی جامعه نیز بر می‌گردد)، به ضعف مدیریت فرهنگی کشور بر می‌گردد. در واقع عامل دومی که وضعیت کنونی سینمای ایران را رقم زده است، مدیریت سینمای کشور

رمان و منطق گفتگویی



برخلاف آن، گسترهٔ غیررسمی و مردمی «شوخی – جدی» که در ژانر هائیی همچون هجو، طنز و کمدی نمود می‌یابد، گشوده و سیال است و منطق «مکالمهٔ درونی»، ذاتی آن است و هم در صورت و هم در محتوا ژانرهای رسمی را به چالش می‌کشد. باختین در گسترهٔ شوخی – جدی سهم و اثر دو ژانر «گفتگوی سقراطی» و «هجو منی‌په‌ای» را در گفتمان هنر داستانیفکسی چشمگیر تر می‌یابد.

دوم: گفتو و گوی سقراطی

باختین تبار ژانرهای ادبیی موجد گفتگو را تا سقراط دنبال می‌کند. در نظر باختین گفتگوی سقراطی ویژگی‌های بر جسته و مهمی دارد که می‌تواند مبنا ی هر نوع گفت‌وگویی قرار گیرد. از آن جمله، موارد زیر است:

۱- سقراط حقیقت و کشف آن را تنها در گفت‌وگو ممکن می‌داند:

«حقیقت در ذهن یک انسان تنها یافت یا زاده نمی‌شود، زادگاه حقیقت در میان مردمی است که به صورت جمعی در پی آنند، در فرآیند تعامل گفت‌وگویی میان مردم.»

کار سقراط این است که مردمان را گرد هم آورد و آنان را به گفت‌وگو ترغیب کند. در آثار اولیهٔ افلاطون تصویر نسبتاً کاملتری از گفت‌وگوی سقراطی وجود دارد. البته با نفوذ فلسفه‌های تک‌گو و تک منطقی که داعیهٔ کشف حقیقت داشتند و با گزینش سقراط به عنوان «معلم» – سقراطی که خود را «امامی اندیشه‌ها» می‌دانست – این تصویر در آثار افلاطون مخدوش و کدر شد، یعنی اگر چه در صورت شکل گفت‌وگو داشت، در کنه محتوای خود حامل فقط یک تفسیر و یک ایدئولوژی بود. این‌صورت به ظاهر گفت‌وگویی هم به تدریج جای خود را به پرسش و پاسخ‌هایی داد که برای آموزش نوآموزان طراحی شده بود و نهایت مسخ آن را می‌توان در گفت‌ و گوهای تبلیغاتی امروزی مشاهده کرد.

۲- گفت‌وگوی سقراطی بر دو رویکرد متفاوت مبتنی است: هم‌رایی (Syncrisis) و دیگر رایی (Anacrisis). هم‌رایی عبارت است از کنار هم نهادن زاویه‌های دید و نظری‌های متفاوت در فضایی برابری گفت‌وگو و برخورد و تطبیق بسا یک‌دیگر. دیگررایی که سقراط در آن مهارت و زدگی خاصی داشت عبارت است از بیرون کشیدن کلام مقابل توسط کلام. او به خوبی می‌دانست که چگونه طرف گفت‌وگو را به حرف بکشاند، چگونه او را وادار سازد نظر خود را بیان کند و چگونه محتوای ذهن او را در روشنای روز و به صورت شفاف به خود او و دیگران نشان دهد. به یاد داشته باشیم که دیگر در گسترهٔ «ژانر» های رسمی‌ای همچون فن بلاغت و خطابه نیستیم و این دو تمهید ابزاری برای اقناع حریف نیست، بلکه در راهبر د گفت‌وگویی سقراط معنا می‌یابد.

۳- شخصیت‌های گفت‌وگوی سقراطی هر کدام برای خود نظری دارند و در حقیقت هر کدام به مثابه یک ایدئولوگ هستند. خود سقراط اولین صاحب‌نظر است و با هر که صحبت می‌کند – چه شاگرداش و چه سوفسطائیان – به معنای آن است که هر کدام از خوددظتری دارند. حتی مردمی که به گفتو گو کشیده می‌شوند به رغم میل خود ایدئولوژیست می‌شوند. در تاریخ ادبیات غرب سقراط اولین کسی است که ایده‌ها را تنها در ذهن شخصیت‌ها نشان می‌دهد.

ادامه دارد

گفتگو با یک هنرمند گرافیتی به بهانهٔ نمایشگاه «بُعدهای آبی» در گالری «آرته»

عمر گرافیتی کوتاه است



بقیه از صفحه اول

«بهر است ما را بیشتر با «اگر و ده» آشنا کنید. این که چند نفر در این گروه فعالیت می‌کردند و فعالیت این گروه از چه سالی آغاز شده است؟

– فعالیت «اگر و ده» از سال ۸۵ آغاز شد، در ابتدا تعدادمان شش نفر بود و فعالیتمان را با گرافیتی انگلیسی شروع کردیم. آن موقع نمی‌دانستیم که گرافیتی در ایران فعال است، اما کمی که گذشت، به طوری اتفاقی با هنرمندان گرافیتی دیگری مانند «تنها» (alone) که خود پدر گرافیتی ایران است، آشنا شدیم. پس از صحبت‌های «تنها» بود که تصمیم گرفتیم به صورت جدی‌تر به گرافیتی بپردازیم. سه سال بعدش در سال ۸۸ گرافیتی فارسی را شروع کردیم.

«اعضای گروه‌تان چطور جمع شدند؟

– بسا «تمکین» بچه محل بودیم و در یک مدرسه درس می‌خواندیم. به تدریج متوجه شدیم که هر دو به «هیپ‌هاب» و گرافیتی علاقه‌مندیم. من خود قبل از آن آهنگسازی می‌کردم. تصمیم گرفتیم یکبار گرافیتی را امتحان کنیم که کردیم و از این کار خوشمان آمد و ادامه دادیم و گروه تشکیل دادیم و به تدریج افراد دیگری به گروه ملحق شدند.

«چه شد که به گرافیتی علاقه‌مند شدید؟

– دلایل بیشتر همان علاقه به «هیپ‌هاب» بود، از طرفی حس خوبی دارد که مردم فکر ما را می‌توانند با چشم‌هایشان روی دیوار ببینند. مسأله شهرت اصلا در میان نیست و اصولاً در میان گرافیتی آرتیست‌های کل دنیا شهرت هیچ اهمیتی ندارد و آنها برای شهرت این کار را انجام نمی‌دهند.

«مضمون گرافیتی‌های گروه شما چیست؟

– مضامینی روزمره مثل فیلم و موزیک مورد علاقه مان با فکرها و پیام‌هایی که گاه به ذهنمان می‌رسد و روی دیوار با مردم به اشتراک می‌گذاریم.



«آیا در گرافیتی‌های شما بیشتر از حروف استفاده می‌شود؟

بله، بیشتر از حروف استفاده می‌کنیم و در ایران اولین کسانی هستیم که با اشکال هندسی در قالب رسم الخط عربی، گرافیتی انجام می‌دهیم. در واقع گرافیتی‌های ما در عین این که شکل هستند، به فوت شباهت دارند و به چشم آشنایی آیند. ما معمولاً در کارهایمان شکل و فونت را باهم ترکیب می‌کنیم. در ایران ما تنها کسانی هستیم که سه بُعدی کار می‌کنیم. مارنگ مخصوص خودمان را داریم و فقط با آبی کار می‌کنیم. البته برای این که گرافیتی را کامل کنیم و کار مشخص‌تر شود از رنگ‌های دیگر هم استفاده می‌کنیم اما رنگ اصلی ما که بر گرافیتی‌هایمان حاکم است، آبی است.

«چرا رنگ آبی را رنگ حاکم آثار خود به کار می‌برید؟



دست چپ است و برای همین همیشه من از سمت راست و همکارم از سمت چپ کار را شروع می‌کنیم و چون فکرهایمان هم یکی است خیلی سریع گرافیتی را تمام می‌کنیم و هیچ وقت هم نشده که اشتباهی در کارمان پیش بیاید.

«کمی دربارهٔ چگونگی شروع یک کار گرافیتی توضیح دهید.

– معمولاً دیوار را دو – سه روز قبل از انجام کار پیدا می‌کنیم، بعد وسایل را تهیه می‌کنیم و طرحش هم که قاعدتاً در ذهنمان هست، اول اگر لازم باشد، زمینهٔ کار را رنگ می‌کنیم و بعد شروع به طراحی می‌کنیم و سپس یکی از سمت راست و دیگری از سمت چپ شروع می‌کند به رنگ کردن و افکت دادن. در این کار، هر کدامان هر طور که دوست داریم، سمت خودمان را رنگ می‌کنیم ولسی معمولاً ذهن‌های ما دو نفر باهم یکی است و تا الان در این زمینه مشکلی پیش نیامده.

«از چه ابزار و وسایلی برای کارتان استفاده می‌کنید؟

– برای گرافیتی به خاطر سرعت در کار از اسپری رنگ استفاده می‌شود. گاهی رنگ‌هایی را که دوست داریم، در مغازه‌هایلدانمی‌کنیم و برای همین خود دست به کار ترکیب رنگ می‌شویم.

«چرا همهٔ هنرمندان گرافیتی اسم مستعار برای خودشان دارند؟

– فکر می‌کنم هر کسی دلیل خاص خودش را داشته باشد، اما به نظرم یک دلیلش این می‌تواند باشد که دوست دارند اسمشان را خودشان انتخاب کنند؛ چون اسم اصلی و واقعی خود را خودشان انتخاب نکرده‌اند. شاید هم تنفر از شهرت باشد؛ چون نه اجازه است و فقط از روی علاقه به گرافیتی می‌پردازیم.

«آیا گرافیتی‌هایتان را فقط روی دیوار انجام می‌دهید؟

– اصل گرافیتی روی دیوار انجام می‌شود تا همهٔ مردم بتوانند آن را ببینند، اما روی هر چیزی می‌شود گرافیتی کرد؛ روی لباس، ماشین، کفش و... کلاه... در ایران هنرمندان گرافیتی فقط روی دیوار کار می‌کنند ولی کمپانی‌های لباس گاهی طرح‌های گرافیتی‌مان را از ما می‌خرند تا از این طرح‌ها روی تی شرت‌ها استفاده کنند. تنوع کار گرافیتی در خارج از کشور بیشتر است مثلاً چند وقت پیش شرکت «ولوو» فستیوالی بر گزار کرده بود و از گرافیتی کارهای دنیا دعوت کرده بود تا روی خود روهای این شرکت طرح‌های گرافیتی خود را اجرا کنند. با کمپانی «نایک» جشنواره‌ای را بر پا کرده بود و در آن کشش‌های سفید زده بود تا هنرمندان گرافیتی روی این کشش‌ها طرح‌هایشان را کار کنند یا شرکت «اپل» از هنرمندان گرافیتی دعوت کرده بود تا روی بسته‌بندی محصولانش گرافیتی کار کنند. در دنیا همه ساله برای گرافیتی کارها چنین جشنواره‌ها و رقابت‌هایی زیاد بر گزار می‌شود.

«فعالیت گرافیتی شما بیشتر در چه ساعاتی از شبانه‌روز انجام می‌شود؟

– معمولاً صبح‌های خیلی زود یا شب‌ها گرافیتی می‌کنیم، اما

«زمانی که برای یک کار گرافیتی صرف می‌شود، معمولاً چقدر است؟

– زمان صرف شده برای یک کار گرافیتی، بستگی به شرایط امنیت جین کار دارد. اگر بیشتر وقت داشته باشیم، روی جزئیات بیشتر کار می‌کنیم و کار هم قاعدتاً قشنگ‌تر و با کیفیت‌تر می‌شود ولی اگر وقت نداشته باشیم، نهایتاً کار را طی یک تا یک و نیم ساعت تمام می‌کنیم. اگر منطقه‌ای که آنجا کار می‌کنیم ایمن باشد، حدوداً چهار – پنج ساعت را صرف گرافیتی می‌کنیم.

«به توج به این که گرافیتی اصالتاً یک هنر خیابانی است، چه شد که تصمیم گرفتید نمونه‌هایی از آثارتان را وارد فضای نمایشگاهی یک گالری یکنید؟

– ما نمایشگاه «بُعدهای آبی» را برگزار کردیم تا مردم ایران با هنر گرافیتی بیشتر آشنا شوند. تا الان نمایشگاه‌هایی که در گالری‌ها به نام گرافیتی گذاشته‌اند، بیشتر فقط یک نوع ساده از گرافیتی به نام «استنسیل» بوده و کمتر در نمایشگاه‌های داخلی گرافیتی اصیل که با اسپری روی بوم کشیده شده باشد به نمایش در آمده. ما حتی برای درک بیشتر دیدار کننده‌ها روی دیوار گالری «آرته» یک کار گرافیتی را انجام دادیم که البته کارمان را تا قبل از افتتاح نمایشگاه به پایان رساندیم.

«چرا اسم نمایشگاه تا «بُعدهای آبی» است؟

– چون هما نظر که گفتیم، غالب رنگ‌های به کار رفته در آثار ما آبی است و چون به صورت سه بُعدی کار می‌کنیم، بُعدهای مختلف رنگ آبی در این آثار مورد نظر مان بود.

«و سخن آخر شما؟

– در تهران دیواری نیست که کارهایمان رویش مانده باشد و در این زمینه شهر داری پشت کار خیلی خوبی دارد اما فکر می‌کنم ماند گاری گرافیتی‌هایی که در شهر ستانها انجام دادیم بیشتر است.



«پس در شهر ستانها هم گرافیتی انجام داده‌اید؟

– بله، ما در هر مسافر تی که به شهر ستانهای می‌کنیم کوله‌کارت و اسپری‌مان هم با ماست.

«وقتی روی دیواری زحمت می‌کشید و کار می‌کنید و فردایش یا چند روز بعد می‌بینید شهر داری آن را پوشانده؛ چه حسی به شما دست می‌دهد؟

– ما ناراحت نمی‌شویم و حس خاصی پیدا نمی‌کنیم و فقط آماده می‌شویم برای گرافیتی بعدی! در واقع شهر داری دیوار را برای آن دوره خاص استفاده می‌شو؛ بعد‌ها (و چه بسا اکنون)، سینما، ابزار شناختی خوبی برای جامعه‌شناسان و مورخان خواهد بود. سینما اگر چه به قول ژان لوک گدار، واقعیت بازتاب است، اما باز تاب واقعیت نیز هست، واقعیت تاریخی انسانی که در بستر بیانی هنری به ماند گاری بیشتر و پرمایه‌تری از حقیقت می‌انجامد و هویتی نصری می‌بخشد. هویتی که بر پایه‌های قدرتمند تصویر بنا شده و قوام می‌گیرد.

«معمولاً چند روز گرافیتی‌هایتان روی دیوار می‌ماند؟

– بستگی به موقعیت محل دارد، هر چه به مرکز شهر نزدیک‌تر باشد یا بیشتر در معرض دید باشد، زودتر پاک می‌شود.



می‌دهند که چهره‌شان دیده و شناخته شود و نه اسمشان مشخص باشد.

«بزرگترین و کوچکترین دیواری که روی آن گرافیتی انجام داده‌اید چه اندازه بودند؟

– بزرگ‌ترین دیواری که روی آن کار کرده‌ایم ۱۶ متر بود و کوچکترین کار گرافیتی ما روی بوم‌هایی است که به‌عنوان نمونه‌ای از گرافیتی در نمایشگاه به نمایش در آمد.

«زمانی که برای یک کار گرافیتی صرف می‌شود، معمولاً چقدر است؟

– زمان صرف شده برای یک کار گرافیتی، بستگی به شرایط امنیت جین کار دارد. اگر بیشتر وقت داشته باشیم، روی جزئیات بیشتر کار می‌کنیم و کار هم قاعدتاً قشنگ‌تر و با کیفیت‌تر می‌شود ولی اگر وقت نداشته باشیم، نهایتاً کار را طی یک تا یک و نیم ساعت تمام می‌کنیم. اگر منطقه‌ای که آنجا کار می‌کنیم ایمن باشد، حدوداً چهار – پنج ساعت را صرف گرافیتی می‌کنیم.

«به توج به این که گرافیتی اصالتاً یک هنر خیابانی است، چه شد که تصمیم گرفتید نمونه‌هایی از آثارتان را وارد فضای نمایشگاهی یک گالری یکنید؟

– ما نمایشگاه «بُعدهای آبی» را برگزار کردیم تا مردم ایران با هنر گرافیتی بیشتر آشنا شوند. تا الان نمایشگاه‌هایی که در گالری‌ها به نام گرافیتی گذاشته‌اند، بیشتر فقط یک نوع ساده از گرافیتی به نام «استنسیل» بوده و کمتر در نمایشگاه‌های داخلی گرافیتی اصیل که با اسپری روی بوم کشیده شده باشد به نمایش در آمده. ما حتی برای درک بیشتر دیدار کننده‌ها روی دیوار گالری «آرته» یک کار گرافیتی را انجام دادیم که البته کارمان را تا قبل از افتتاح نمایشگاه به پایان رساندیم.

«چرا اسم نمایشگاه تا «بُعدهای آبی» است؟

– چون هما نظر که گفتیم، غالب رنگ‌های به کار رفته در آثار ما آبی است و چون به صورت سه بُعدی کار می‌کنیم، بُعدهای مختلف رنگ آبی در این آثار مورد نظر مان بود.

«و سخن آخر شما؟

– در تهران دیواری نیست که کارهایمان رویش مانده باشد و در این زمینه شهر داری پشت کار خیلی خوبی دارد اما فکر می‌کنم ماند گاری گرافیتی‌هایی که در شهر ستانها انجام دادیم بیشتر است.



عجیب نیست که در دنیای ارتباطات و انواع فناوری‌های ارتباطی، این سینما باشد که روزی را به خود اختصاص داده

است که روز گاران تحت سیطره اوست. سینما در مقام یک هنر – صنعت رسانه و نمادی از فناوری و شاخصه دنیای مدرن، بی‌تأثیر از تقدیر تاریخی جوامع و وضعیت انسانی آن نبوده و همواره در تعامل و خویش مداوم با ساحت‌های فرا ذاتی خود شکل گرفته و تداوم یافته است.

همچنان‌که امروزه از آثار هنری و دستی به جای مانده از ادوار تاریخی گذشته به عنوان ابزاری برای تحقیق و درک دقیق آن دوره خاص استفاده می‌شو؛ بعد‌ها (و چه بسا اکنون)، سینما، ابزار شناختی خوبی برای جامعه‌شناسان و مورخان خواهد بود. سینما اگر چه به قول ژان لوک گدار، واقعیت بازتاب است، اما باز تاب واقعیت نیز هست، واقعیت تاریخی انسانی که در بستر بیانی هنری به ماند گاری بیشتر و پرمایه‌تری از حقیقت می‌انجامد و هویتی نصری می‌بخشد. هویتی که بر پایه‌های قدرتمند تصویر بنا شده و قوام می‌گیرد.

سینما، زبان گویای زمان خویش است و تجلی‌برونی و آشکار تحولات درونی عصر خود. در عصر رسانه‌ای شده امروز که جهان به واسطه فناوری‌های ارتباطی به دهکده‌ای کوچک بدل شده و تصویر، هژمونی فنی خود را بسط تاریخی داده است؛ سینما در مقام خداوندگار تصویر، به آتوزیته بی‌بدیل این جهان بدل شده و قدرت ذاتی خود را به اقتداری فرا ذاتی تبدیل کرده است.

به عبارتی دیگر، سینما پیش از مظاهر دیگر تمدن جدید، حضور خود را در زیست جهان انسان مدرن، تثبیت و حتی در مواقعی تحمیل کرده است. امروز کمتر تمام می‌شود همچنان دیده شدن آن را توسط مردم داریم. **«کدام هنرمند گرافیتی ایرانی و کدام هنرمند گرافیتی خارجی، تأثیر زیادی روی شما گذاشته است؟**

– در میان هنرمندان گرافیتی ایرانی «تنها» (alone) روی ما خیلی اثر گذار بود؛ چرا که اصلاً او ما را به صورت جدی به گرافیتی علاقه‌مند کرد. چون تا پیش از دیدن او را گرافیتی برای ما مثل یک بازی بیگانه بود. در میان خارجی‌ها ما هم کارهای «آلیم» را پی‌گیری و با تجربه مشترک ر زیسته با آن ندانسته‌باشد. البته رشد و توسعه‌یافتگی سینما متناسب با وضعیت درونیتنه در جوامع مختلف فرق می‌کند و بنا بر تجربه‌های تاریخی کشورها، متفاوت است.

سینما در ایران، بیش از کشورهای منطقه، هم‌زمان با آغاز پروسه مدرنیسم متولد شده و مورد توجه قرار گرفت. بر اساس روان‌شناسی اجتماعی فرهنگ ایرانی، علاقه آنها به قصه‌پردازی و داستان‌سرایی و البته سابقه تاریخی آنان در پرده‌خوانی و نمایش و تعزیه را باید در غایت به این هنر در نظر داشت.

اخذ سیاست‌های خاص سینمایی، بسترهای رشد و توسعه یارکود و بحران این صنعت را فراهم می‌کند. از سوی دیگر، سینما به عنوان یک مدیوم و ژانر رسانه‌ای بدون مخاطب، همین سینما و دوربین و تصویر شاید اگر مورد توجه ناصرالدین شاه قرار نمی‌گرفت، صنعت سینما به این زودی در کشور با نمی‌گرفت.

پشتیبانی نظام سیاسی در توسعه این صنعت نقش بسزایی دارد و موجب تسریع در تحولات آن می‌شود. ساختار قدرت در جهان، امروزه از سینما به عنوان اهرمی در میان بزرگان گرافیتی دنیا ثبت‌شود.

به بهانهٔ عبور تقویم از روز سینما

سینمایی که دوست داریم...

است که به جای داشتن ساختاری فرهنگی، زیر سایه سیاست قرار گرفته است و حیات مستقلی ندارد.

تصور غلط از سینما نزد برخی مدیران سینمایی موجب شده تا سر رشتهٔ سیاستگذاری سینمایی به جای فرهنگ در دستان سیاست بیفتد و در نتیجه، هویت فرهنگی سینما در پس باز ی‌های سیاسی مخدوش شود. نبود حمایت‌های مالی از سینماگران، کمبود وضعیت نامناسب



سینماهای کشور، سیاستگذاری‌های غلط و مقطعی، بخشی از عملکرد این مدیریت در سال‌های اخیر است که نتیجه آن اوضاع ورشکسته و بحران‌زده کنونی سینماست. متأسفانه سیاست زدگی یا سیاست سالاری در عرصه فرهنگ، همواره به ضرر فرهنگ جامعه ما منجر شده و در این میان، سینما به دلیل دامنه اثر گذاری و به اصطلاح در چشم بودن، بیشتر در چنبره سیاست قرار گرفته است.

سینما و هنر مستلزم تجربه‌های تازه از لایه‌های عمیق جامعه انسانی است تا بتواند به دور از پیش‌فرض‌های کلیشه‌ای و تحمیلی به‌بازنمایی واقعیت بپردازد. تدوین قوانین کپی‌رایت برای جلوگیری از قاچاق فیلم‌های در حال اکران، نمونه کوچکی از مدیریت فرهنگی است که سینما را از وضعیت ناگوارش خارج می‌سازد.

سینمای ایران در وضعیت کنونی بیش از آن که نیازمند حمایت‌های دولتی باشد که هست، به فرهنگ‌سازی و تثبیت کنش فیلم دیدن به عنوان بخشی از بازاریابی حقیقت و نهادینه کردن در زیست جهان خود نیازمند است.

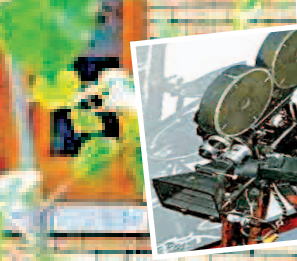
سطحی‌نگری در بدنه مخاطبان سینما، ما آزا ردهنده است. سینمای امروز ایران از وضعیت تاریخی اجتماعی آن جدا نیست؛ تناقض‌های رفتاری چالش ست و مدرنیسم، تضادهای بنیادین فکری و نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی در هنر هفتم نیز اثر خود را گذاشته است. از همین‌روست که زبان سینمای ایران دچار لکنت شده و حتی از بیان درد خویش هم عاجز است.

این بحران زمانی تشدید می‌شود که سینما، راه خودش را از طریق صیوروت هنری‌اش پیدا نکند و دیگران خارج از متن آن، باحاشیه‌های غیر فرهنگی، بخواهند آن‌را به راه راست هدایت کنند.

چالش‌های سینمای ایران با رویکردی ذاتی بررسی شود. چنانچه از این منظر نگریسته می‌شود، باید به مشکلات فیلمنامه‌نویسی، ضعف کارگردانی، سطح بازیگری و بسیاری دیگر از عوامل درونی سینما پی‌رداختم.

اما نگاه‌من ناظر بر مسائل سخت‌افزاری و برون ذاتی سینماست؛ رویکردی که سینما را نسبت به مولفه‌های فرهنگی اجتماعی مرتبط با آن می‌سنجد. لذا وقتی از بحران مخاطب صحبت می‌کنیم، عوامل

همچنان‌که امروزه از آثار هنری و دستی به جای مانده از ادوار تاریخی گذشته به عنوان ابزاری برای تحقیق و درک دقیق آن دوره خاص استفاده می‌شو؛ بعد‌ها (و چه بسا اکنون)، سینما، ابزار شناختی خوبی برای جامعه‌شناسان و مورخان خواهد بود. سینما اگر چه به قول ژان لوک گدار، واقعیت بازتاب است، اما باز تاب واقعیت نیز هست، واقعیت تاریخی انسانی که در بستر بیانی هنری به ماند گاری بیشتر و پرمایه‌تری از حقیقت می‌انجامد و هویتی نصری می‌بخشد. هویتی که بر پایه‌های قدرتمند تصویر بنا شده و قوام می‌گیرد.



مؤثر تر نرم‌افزاری و درونی سینما را کنار می‌گذاریم و صرفاً به بررسی عناصر مؤثر حاکم بر سینما می‌پردازیم. جالب آن‌که از این خاستگاه، آنچه زمینه‌های بحران مخاطب را برای سینمای ایران فراهم کرده است، به دنیای تصویر و خانواده سینما مربوط می‌شود.

رشد روز افزون و سریع انواع فناوری‌های بصری و صوتی تصویری و توسعه شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای، اگر چه به عنوان توسعه‌ار ارتباطات و بسط عالم تصویر قلمداد می‌شود و فیلم و سینما را در ظرفیتی گسترده‌تر در زیست جهان آدمیان جاری می‌سازد، اما خود علیه آن قسرار می‌گیرد و موقعیت سینما را به خطر می‌اندازد؛ یعنی رسانه علیه رسانه!

امروزه با انواع شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای و تولید برنامه‌های مختلف سرگرم‌کننده که با مانیورهای رنگارنگ و در ادعای اندازه‌دهی مختلف که به مدد پیشرفت سرویس‌های مخابراتی از کیفیت تصویری بالایی و چه بسا بهتر از پرده سینما برخوردارند، میل رفتن به سینما کمتر شده است.

مخاطبان ترجیح می‌دهند به راحتی در منزل خود بنشینند و فیلم تماشا کنند تا این که مشکلات شلوغی و ترافیک و مهمتر از همه هزینه بلیت سینما را به جان بخرند. اجرا نشدن قانون کپی‌رایت در ایران از قاچاق فیلم‌های روی پرده نیز در سال‌های اخیر به این مسأله اضافه شده و وضعیت خراب اقتصاد سینمای ایران را بسا تهدید جدی مواجه کرده است.

ایسن عامل، بیش از آن‌که به مخاطب مربوط شود (که البته به فرهنگ عمومی جامعه نیز بر می‌گردد)، به ضعف مدیریت فرهنگی کشور بر می‌گردد. در واقع عامل دومی که وضعیت کنونی سینمای ایران را رقم زده است، مدیریت سینمای کشور

برگزیده سومین جشنواره کتاب سال رضوی؛ روایتی شور انگیز از عشق و ارادت

این ویژگی در اشعار اسماعیلی نیز برجسته و غیر قابل انکار است.

به عبارت دیگر، شعر او دارای پشتوانه ای غنی از آموزه های دینی است که موجب می شود اشعار او حرف های زیادی برای گفتن داشته باشد. چنان که در رباعی زیر که ملهم از حدیث نورانی «سلسله الذهب» است، اشعار و تسلط ادیبانه او را به این حوزه شاهدیم:

تو نور کمال فصل بسم اللهی
در ظلمت فتنه، شب چراغ ماهی
تو رمز گشای واژه توحیدی
تو معنی «لا اله الا اللهی»
(شرط توحید، ص ۴۳)

از دیگر خصوصیات اشعار این مجموعه زبان سلیس و روان و بسیار نزدیک به لهجه و گویش عامه است که قطعا در ایجاد ارتباط موثر با مخاطب نقش مثبتی ایفا می کند. شاعر گاه حتی ترجیع می دهد که در غزل با زبان محاوره سخن سرایی کند که زبان دل است، با سادگی و بی آلاچی تمام:

دل می خواد بگم آقا! که من دلتنگ چشمانم
به قول این دل شرقی، یه عمره من
خاطر خاتم

(عاشقانه با امام رضا، ص ۳۲)
سفر و زیارت از دیگر مضمون های مورد توجه شاعر در این مجموعه است که به جای شعرهای شعاری مرسوم، شاعر ترجیع داده است به سمت تصویرپردازی رفته و فضاهای ملموس تر و محسوس تری را خلق کند:

تهران - مشهد، قطار، من، تنهایی
روی لب دل، تبسم شیدایی
از دور شکوه گنبدت پیدا شد
مولا! تو به پیشواز من می آیی
(کرامت، ص ۵۴)

گفتنی است که تعدادی از غزل های این مجموعه به خاندان بزرگوار امام رضا(ع)، از جمله به ساحت مقدس امام موسی بن جعفر، امام محمد تقی، و حضرت فاطمه معصومه (علیهم السلام) تقدیم شده است که از نسبت و حال و هوای نزدیکی با امام رضا برخوردارند. ضمن آرزوی توفیق بیشتر برای اسماعیلی در مسیر خدمت به خاندان عصمت و طهارت، بسیار مناسب است که در خاتمه این جستار، یاد داشته باشیم از مجلس شعر خوانی شاعر شهید «دعبل خزایی» در پیشگاه حضرت علی بن موسی الرضا (ع)؛ چنان که در روایت آمده است که پس از آنکه دعبل شعرش را به پایان آورد، امام او را مورد مرحمت قرار داد و فرمود: «خداوند تو را در فزع اکبر که قیامت است، از عذاب در امان نگاه دارد.»



شاعر نمی شوم به خدا یک غزل، مگر
عارف شوم به نور شما، این مهربان است
(باید دوباره ضامن آهوی دل شوید، ص ۱۴)
از همین رو، شاعر هیچ گاه مقهور توانایی های خویش نشده است و سرودن این اشعار را موهون خلق کریم و لطف عمیم حضرت شمس الشموس (ع) دانسته است:

قبول کن دل من، لکنت زبان داری
اگر چه قصد ارادت به آسمان داری
(کبوترانه بخوان آسمان هشتم را، ص ۲۰)
این واژه ها به لطف شما می شود غزل
یک شعر عاشقانه به نام خدا بگو
(آقا شما ادامه این شعر را بگو، ص ۳۵)
این واژه های زمینی، از وصف او ناتوانند
ای کاش بی واژه می شد می کردم ز اوحکایت
(عرش حکمت، ص ۱۷)
اسماعیلی مرتبه و جایگاه والای شاعر آیینی را خوب می شناسد و در یکی از سروده های خویش به رسالت بزرگ شاعر آیینی با تکیه بر تاریخ ادبیات شیعه اشارات دلپذیری دارد:

«دعبل» به مدح نور شما تا زبان گشود
اوراستود عشق و خدا گفت: شاعراست
(هر کس که مدح نور ...، ص ۱۸)
بهره جستن از آیات قرآن کریم، روایات و احادیث معصومین (علیهم السلام)، یکی دیگر از نقاط قوت شعر شاعران نامدار است.



بقیه از صفحه اول
با مرور اشعار این مجموعه این نکته به عینه آشکار می شود که رضوی سروده های شاعر، شعرهایی از دل برآمده و جوششی است

و به سفارش هیچ کنگره و جشنواره ای سروده نشده است. دیگر آن که سراینده اش، شاعری دلباخته و بهره مند از دانش و بینش ادبی و مطالعات ارزنده پیرامون زندگانی و شخصیت امام رضاست. به همین لحاظ شعرهای این مجموعه در کنار بهره مندی از عنصر عاطفه و احساس، از اندیشه زلال شاعر نیز سرشار است که موجب می شود شعر اسماعیلی از کلی گویی های رایج و کسالت بار فاصله بگیرد و بر جان و دل مخاطب خوش بنشیند.

مطالعات و معلومات ادبی و دینی شاعر، توانمندی او را در آفرینش آثاری نغز و پر مایه، ارتقاء بخشیده است. این ادعا با مرور کوتاه دل سروده های این مجموعه بر هر سخن شناس منصف و صاحب ذوقی آشکار می شود.

ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که بگویم شاعر این مجموعه خود به خوبی بر این حقیقت آگاه است که اگر توفیقی در این عرصه داشته است، به برکت محبت و معرفت خاندان رسالت (علیهم السلام) است؛ چنان که خود در غزلی می گوید:

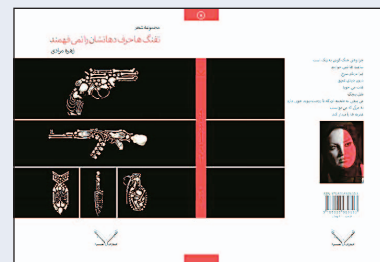
در جستجوی زمان از دست رفته

سمیرا کریمی

پشت میزهای اداری
که کار کسی
به خودکشی نمی کشید
باید برای نهار فردا
به فصل سوم «در جستجوی زمان از دست رفته» می رفتیم
تو ماهی میگرفتی از وقت
سیر می شدیم
بی هم
از زندگی
از جستجوی از با هم برگشتیم
تو دیگریات را از رودخانه بیرون کشیدی
و من پشت میزهای اداری
لای کاغذهای کاهی
با یگانی راکد شدم

تازه های کتاب

تفنگ ها حرف دهانشان را نمی فهمند



«تفنگ ها حرف دهانشان را نمی فهمند»، عنوان نخستین مجموعه شعر «زهره مرادی» است که در بهار سال ۹۲ توسط انتشارات نصیرا در دسترس دوستداران ادبیات قرار گرفته است. این کتاب ۹۰ صفحه ای، پنجاه شعر سپید از مرادی را دربر گرفته است. چند نمونه را از نظر می گذرانیم:

سالهاست نشسته در خود
روی کاناپه ای که لم داده بر بی تفاوتی های
دنیا
و از دور کنترل می کند
شیاعت داغی را که هرگز از دهان نمی افتد
وقتی جهان نقاب می زند و
پاهای درهم گره خورده اش را
روی هم می گذارد
روی دهان تفنگی که نمی تواند بر اعصابش
مسلط باشد

و با هر شایعه ای می پرد از جا
آنقدر سرو صدا راه می اندازد
تا دنیا غرق سکوت
غرق خونی باشد که بی تفاوت ...
عبور نکن از سردی شرم
از گره ای که در حرفهایم افتاد و
بغض هایش شکست
بی آنکه نقابی بر آن مسلط باشد
بگو روی حرف که ایستاده ای؟!
درست وقتی
تفنگ ها حرف دهانشان را نمی فهمند.

چیزی شبیه به زندگی
پرنده ای که سالهاست
نشسته روی تخم چشم هایم
نمی داند
اشک ها وقتی به دنیا می آیند
یعنی شکسته شده
چیزی شبیه به زندگی
و زندگی یعنی
آزادی آنقدر پرواز کنی
تا از درون رویاهایت بیرون بزنی
برسی به آسمانی که می تواند
با رعدی
سکوت ات را بشکند
تا ابرهای سیاه
دسته جمعی
از کره چشم هایت ...
کوچ کن
همیشه جایی هست تا رؤیا در آن بال بیاورد
وقتی پرپر می زند
خوابی که از سرت می پرد و
نمی دانی
چیزی که دارد در چشم هایت به دنیا می آید
شبیه به چیست؟!

قسمت این بود

غلامرضا سلیمانی

قسمت این بود که در قسمت آخر بروی
تخته ای باشی و بر رود شناور بروی
آخرین بازی تو صورتکی بود به دار
بعد باید ششبی باشی و بی سر بروی
روح تو بیشتر از تنگی این تنگ شده
گریه کن زود تر از آنکه زخود سر بروی
فرستی آمدی و رفتی و... اینبار ولی
باید از خاطره خاک فراتر بروی
گریه کن، خواب تو تعبیر همین تنهایی است
از سلام و تله آینه ها در بروی
دستهایت را در باد رها کن آرام
شعله در جان تو افتاد که پرپر بروی
دستهایت را در باد بسوزان، بنویس
عشق فرمان به تو داده است که دیگر بروی
سیب ها را وسط صحنه بینداز - نیاست
قسمت این است که بی بوسه آخر بروی



دانستی های

قبل و بعد از مدیریت!

درست است که جناب آقای روحانی و کابینه محترم، رویه اعتدال را در پیش گرفته اند و قرار نیست مدیران به صورت اتوبوسی یا واگنی جابه جاشوند؛ ولی این هم دلیل نمی شود که شما - بله شما مدیر محترم - همین طور با همان فرمان قبلی مسیر را ادامه بدهید و اصلاً هم به فکر پیاده شدن و برنامه های آینده تان در زندگی نباشید. بالاخره این میز و صندلی ها جاودانه نیستند و به کسی وفانکرده اند و ممکن است همین یکی دو روز اخیر، نامه ای به دستتان برسد که مضمون آن «به آینده خوش آمدید!» باشد.

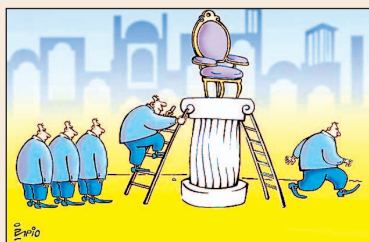
البته در زمان گذشته هم این عزل و نصب ها وجود داشت و قدمت این ماجرا به چند صد سال قبل بازمی گردد. در آن ایام، مدیران علیرغم داشتن گرز و سنان و کلاهخود و سایر تجهیزات ایمنی، باز هم مجبور به ترک صحنه بودند که اسناد منظوم آن در شاهنامه هم موجود است:

«برفتند با گرزهای گران/مدیران یکایک چو شیر ژیان» یا «چو نیمی گذشت از شب دیر/یا/مدیران به

رفتن گرفتند ساز» و قس علی هذا القیاس!...

در ضمن، از آنجایی که مبنای انتخاب مدیران در کشور ما با سایر بلاد، اندکی متفاوت است؛ بالتبع عزل مدیران هم با سایر نقاط دنیا تفاوت های مختصری دارد. فلذا چند رهنمود فلک فرسا و پیشنهاد مدبرانه به دوستان ارائه می کنیم که رعایت این نکات به همه دوستان مدیر بالقوه و بالفعل توصیه می شود:

(الف) داشتن تخصص: ما همه نیک می دانیم که در امر تصدی مدیریت، مورد اعتماد بودن کافی است؛ ولی جان مادر تان پست هایی را انتخاب کنید که در آن کمی تخصص هم داشته باشید. جای دوری نمی رود.



(ب) نگه داشتن حرمت کلنگ و قیچی: هر چند جناب محترم فرموده: «با آن که کند کلنگ بیخ همه چیز»؛ اما بالاخره برای اجرای یک طرح، کلنگ زنی هم

لازم است. فقط به خاطر داشته باشید که در زمان کلنگ زنی یا افتتاح پروژه ها، کمی از مشخصات فنی و مشخصات ظاهری طرح ها هم سؤال کنید تا هر طرحی بیخود و بی جهت کلنگ زنی یا افتتاح نشود. چون در گذشته ها از این طرح های صعب الهضم و لاعلاج زیاد داشته ایم؛ همانند ساخت آسیاب آبی روی کوه، انتقال آب دریا به کویر، لوله کشی آب به دریاچه ارومیه، استخراج روزه، بیمارستان یک بار مصرف، کمربندی دو نوبه یا دوربر گردان اضافه و ...



«و جید حاج سعیدی»
«علی آبادکتول»

(پ) ادامه تحصیل: انسان هیچگاه از کسب علم و ادامه تحصیل بی نیاز نخواهد بود و به قولی: ز گهواره تا گور مدرک بجوی! اما از آنجا که حادثه خبر نمی کند، بهتر است از همین حالا در یکی از این دانشگاه هایی که به قول آقای احمدی نژاد «دکترای جدی جدی» می دهند، ثبت نام کنید تا در صورت نیاز، ادامه تحصیل را مانع اصلی خدمت رسانی به خلق در این مقطع زمانی اعلام کنید.

البته تصدی پست های مدیریتی نیز بهترین انگیزه و بهانه برای ادامه تحصیل است و توصیه می شود دوستان، قدر این ایام طلایی را باندند.

درک درست از آثار طنز



آموزش طنز - ۱۱



کسی که قصد طنز نویسی دارد، بدون خواندن آثار دیگران و بدون درک صحیح از آنچه می خواند، موفق نخواهد شد. طنز ارزشمند بنویسد.

کسانی که نگاه سطحی و شتابزده دارند، طنز به دردشان نمی خورد؛ یعنی نه از خواندن طنز های خوب چیزی دستگیرشان می شود و نه هنگام نوشتن، غیر از شیرین کاری و شوخی های دم دستی، چیز دیگری به ذهن شان می رسد.

کسانی که اهل تأمل نیستند، معمولاً قالب های ثابتی از مفاهیم، رخدادهای، انسان ها و تضادها در ذهن دارند و هنگام مطالعه اثر طنز، به جای تأمل در نکته ها و ظرافت های آن، دنبال نشانه هایی از همان قالب های ذهنی شناخته شده خود هستند.

قالب های پیش ساخته ذهن این گونه افراد در گزاره های ثابتی شکل می گیرد و اگر با مطالعه اثر طنز، یکی از آن گزاره های ثابت را نتوانند پیدا کنند، می گویند که این طنز نویس معلوم نیست که طرفدار کیست و می خواهد چه بگوید؟ به این بیت از سعدی توجه کنید:

خلاف رأی سلطان رأی جستن
به خون خویش باشد دست شستن
اگر خود روز را گوید شب است این
بباید گفت اینک ماه و پروین

روز به عباسی



*متولد ۱۳۶۳ - تهران
*همکاری با روزنامه همشهری و روزنامه
آفتابگردان و روزنامه خراسان
*برنده لوح تقدیر و رتبه نخست در
جشنواره کودک و طبیعت موزه دارآباد
- ۱۳۷۴
*برنده لوح تقدیر و رتبه نخست در
جشنواره رسانه و محیط زیست - آذر
۱۳۸۹



باز هم رفته ضعیفه، جلسه پس که بایست به کارم برسه؟ آیا چون این شعر از زبان گوینده (اول شخص) است، باید بگویم که این حرف های شاعر طنزپرداز است و او معتقد است که سواد بد است و از آن بدتر، باسواد شدن زن هاست که موجب پرویی آنها می شود؟ آیا لحن سخن و نشانه های دیگر (مثلاً ضعیفه نامیدن زنان و مخالفت با ارزش های عام انسانی مانند خط و سواد)، نشانگر بیان طنز آمیز و استهزایی نیست؟...



یارانه بگیرا

نفتی نش!



«آرمان فتح»

مثل این که خیلی صمیمی شروع کردیم؛ جا خوردید؟!... چاره ای نیست، وقتی آدم می خواهد خیلی سریع السیر به کسی هشدار بدهد که مراقب خودش باشد؛ خیلی در قید و بند رسمی و کتابی حرف زدن نیست؛ که مثلاً بگوید: «یارانه بگیران محترم، لطفاً نفتی نشوید!» چون تا شما بیایی تمامی مطلب را با لفظ قلم ادا کنی، چنان که حق مطلب ادا شود؛ طرف نفتی شده رفته پی کارش!...

هشدار نفت آلود

الا یارانه گیر شوخ و شنگی که یارانه نگیری، روی زردی، از آنجا که وزیر نفت این ماه

دهد یارانه را از روی مردی

لهذا موقع واریز و دریافت

مواظب باش تا نفتی نگردی!

خبر نفتی: «در حالی که دولت قبلاً از کسری شدید

در منابع پرداخت یارانه نقدی خبر داده بود، وزیر نفت

اعلام کرد که یارانه نقدی شهرریو رازار تخانه اش

می پردازد. آقای زنگنه، به منابع تأمین این وجه اشاره ای

نکرد.» - به نقل از جراید بی یارانه!

بسته پیشنهادی: بخش عظیمی از ملت به خوبی

معنی کسری بودجه را

می فهمد و می داند که

دولت چه می کشد؛ چون

خودش قبلاً کشیده

و کماکان نیز دارد می

کشد. بد دردی است

لامصب!... لهذا این جانب

نیز به عنوان یک عدد از همین ملت، به سهم ناچیز خوشه

اولی خودم، عرایضی را در راستای یارانه نفتی این ماه، در

قالب چند فقره پیشنهاد، بسته بندی می نمایم:

(۱- تشکر شفاف): مردم ما از قدیم الایام خیلی

حساس بودند که از هر منبع و محلی کسب درآمد

نکنند. حتی از خوردن لقمه شبهه ناک هم پرهیز

می کردند. از اینرو، از دولت محترم که خیلی شفاف،

وزارت نفت را به عنوان منبع تأمین یارانه این ماه اعلام

نموده، خیلی شفاف کمال تشکر را داریم. هر چیزی

شفافش خوب است. اشاره می کنند که به جز عینک

دودی و شیشه ضد گلوله!

(۲- نویت بندی): سابق براین که آب لوله کشی نبود،

در محلات شهر، افرادی به عنوان میرآب بودند که توزیع

درست آب را از طریق جوی های آبرسانی به منازل و

محلات مختلف شهر و روستا، نظارت و سرپرستی می

کردند. الان برای ما یارانه حکم همان آب را دارد. مایه

زندگی و سرزندگی است. فلذا یک نفر «میر یارانه» نظارت

بفرماید که هر ماه، یک وزارتخانه، متقبل پرداخت یارانه

بشود. البته اگر از محل با برکت امامزاده ای، اوقافی،

آستانه ای، یا جای دیگری هم جایز بود، دیگه بهتر!... به

هر حال، کاری است که شده و کاریش نمی شود کرد. فقط

دور وزارتخانه آموزش و پرورش بیچاره خط کشیده شود.

ده تا وزارتخانه باید که به خودش کمک کنند. چه به شکل

یارانه، چه به شکل خودیاری های مردمی!

(۳- معیبه مایه داران): یک ماه در سال هم تمامی

مایه داران و سرمایه داران مملکت، دست در دست هم

نهند به مهر و یارانه ملت را پرداخت نمایند. از این

طرح، نیکو کاران و افراد پولدار خیری که دنبال ثبت

نام و نشان خود بر کار خیر خود نیستند و فقط برای

رضای خدا حاضر به هر گونه خرجی هستند؛ استقبال

خواهند کرد.

یارانه نقدی هر ماه در حدود ۳۰۰۰ میلیارد تومان

بودجه لازم دارد و بعید می دانم که تمامی سرمایه داران

کشور، اگر دست به دست هم دهند، قادر به تأمین این رقم

نباشند. سالها پیش در دولت پاک، این رقم فقط مبلغ یک

اختلاس ناقابل بانکدارانه بود که البته با مر تکبیین آن هم به

اشد وجه برخورد شد. نمی دانم چرا تنم مور مور شد!

چہل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۵۲،
(برابر با ۱۹ شعبان ۱۳۹۳، ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۳) نقل شده است

نہ خ کالاہا اعلام شد

هیت عالی نظارت بر اتفاقی اصف به پیشنهاد وزارت خانه های اقتصاد و کشاورزی و منابع طبیعی نرخ گوشت گوسفند، مرغ، تخم مرغ، کره و پنیر و تومبیل پیکان را تصویب و جهت اجرا به اتفاقی اصف ارسال داشت این نرخ ها که بشرح زیر در شماره امروز اطلاعات چاپ می گردد. نرخ مرغ: مرغ نیمچه گوشتی زنده عمده فروشی هر کیلو ۱۸۰ ریال، مرغ آب پز آماده پز کنده، شکم خالی، بدون با کیلویی ۱۰۰ ریال. خرده فروشی به مصرف کننده، مرغ خشکه پز، بطور آماده برای جوجه کیابی، پز کنده، شکم خالی، بدون یا و سر هر کیلو ۱۱۰ ریال، نرخ شیر: عمده فروشی تحویل در کارخانه یا محل کار کرایه بار عهده فروشنده: هر لیتر ۱۳/۵۰ ریال. خرده فروشی شیر با استوریزه به مصرف کننده بطری یک چهارم لیتری بدون شیشه ۵۰ ریال، پاکت یک ششم لیتری ۶۰ ریال، بدون نیم لیتری ۱۰۰ ریال. نرخ کره و پنیر: عمده فروشی کره با استوریزه داخلی هر کیلو ۱۶۰ ریال، خرده فروشی هر کیلو ۲۰۰ ریال، عمده فروشی پنیر بلغاری هر کیلو ۱۷۰ ریال. ران با استخوان هر کیلو ۱۳۰ ریال. سردست و ماهیچه با استخوان هر کیلو ۱۲۰ ریال، راسته بدون استخوان هر کیلو ۱۵۰ ریال، قله گاو و سر سینه، دنبه و چربی هر کیلو ۷۰ ریال، گردن بدون استخوان هر کیلو ۱۱۰ ریال. روغن قوطی ۳۴۰ گرمی برای مغازه دار ۳۲ ریال، مصرف کننده ۳۵۰ ریال، قوطی ۳۴۰ گرمی برای مغازه دار ۳۰ ریال، مصرف کننده ۶۰ ریال، مصرف کننده ۶۳ ریال، قوطی ۱/۸۰۰ گرمی، مغازه دار ۱۱۸ ریال مصرف کننده، ۱۲۴ ریال، قوطی ۴/۵۰۰ کرنی برای مغازه دار ۲۷۸ ریال، مصرف کننده ۲۹۰ ریال، قوطی نه کیلویی برای مغازه دار ۵۴۵ ریال مصرف کننده ۵۷۰ ریال، حلب ۱۷ کیلویی برای مغازه دار ۹۸۶ ریال، مصرف کننده ۱۰۳۰ ریال، اتومبیل پیکان: نرخ پیکان لوکس برادریک موج بدون قفل بمصرف کننده هر دستگاه ۲۵۲۹۰ ریال پیکان کار، نقدی بمصرف کننده ۲۱۷۹۰ ریال پیکان جوانان نقدی به مصرف کننده ۲۹۲۰۰ ریال پیکان جوانان نقدی به مصرف کننده ۱۸۳۰۰۰ ریال، پیکان تاکسی نقدی بمصرف کننده ۱۷۱۹۰۰ ریال. مالیات فروش عهده فروشنده و عوارض عهده خریدار و حق العمل نمایندگان فروش برای پیکان لوکس ۱۰۰۰۰ ریال، پیکان کار ۵۰۰۰ ریال پیکان جوانان ۱۲۰۰۰ ریال، پیکان تاکسی ۵۰۰۰ ریال عهده کارخانه می باشد. این نرخها برای مدت یک سال داده شده است.

بزرگترین یارک تهران گشایش یافت

یک پارک بسیار زیبا در محل گودهای سابق
ساخته‌اند و واقعاً که دیدنی است. از همه پارکهای
تهران بزرگتر است. بدون اغراق و بیاترین پارک تهران
است و یکی از پر جمعیت‌ترین محلات تهران که
پنج‌ه‌ها دو حسابی ندارند و به‌همین جهت قبل از هر
تجسسایستی لزوم دایر کردن یک کلینیک تنظیم خانواده
در این پارک ضرورت دارد.

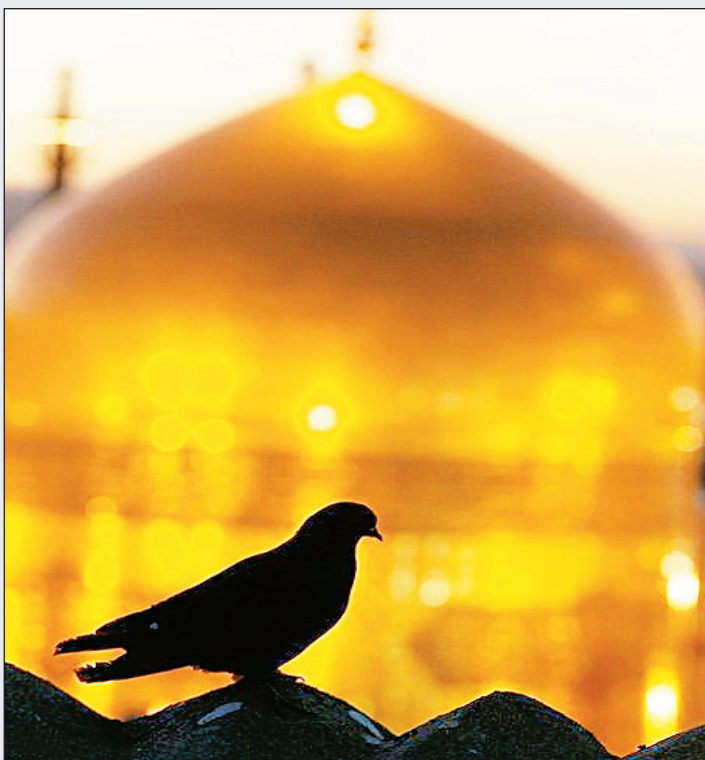
دیروز پارک زیبای فرح آباد گشایش یافت. مردمی که ماهها عبور جرثقیل ها و تراکتور ها و ماشین ها و خلاصه جنب و جوش سازندگان را دیده بودند مشتاقانه به پارک ریختند. پارک برای چه ماهی بیشتر از بزرگها شادی آفرین است. دریاچه های مصنوعی با مرغابی ها و پلم ها، آبنما، تابها و سرسره ها، محل بازی و الاخره بده های روزی که اوپیمایی که روی آن مار و زده کشیده اند، همه برای بچه ها داند.

آغاز مذاکرات اقتصادی ایران و آلمان شرقی

مذاکرات اقتصادی و بازرگانی ایران و آلمان
شرقی، از امر و ز در وزارت اقتصاد آغاز شد.

در این مذاکرات یازده نفر از کارشناسان طراز اول آلمان شرقی که دیروز وارد تهران شدند شرکت دارند. هدف این مذاکرات که پس از گفتگوهای هوشنگ نصاری وزیر اقتصاد ایران در آلمان شرقی صورت می گیرد تهیه مقدمات و مفاد لازم جهت طرح در اولین اجلاس وزیران اقتصادی دو کشور می باشد. در مذاکرات موجود تهران امکانات بازرگانی و همکاریهای اقتصادی دو کشور بدقت مورد بررسی قرار می گیرد و احتمالا راههای سرمایه گذاریهای مشترک دو کشور نیز هموار میشود. باید توجه داشت که آلمان شرقی یکی از کشورهاییست که در صنعت پشرفت زیادی داشته و قیمت محصولات و مصنوعات آن کشور نسبت به آلمان غربی و کشورهای اروپایی و آمریکا، ارزان تر است.

قاپ امروز



کیوتر حرم رضوی

داستان کوتاہ

من اینجا مسافر

جهانگردی به دهکده ای رفت تا زاهد معروفی را زیارت کند و دید که زاهد در اتاقی ساده زندگی می کند. اتاق پر از کتاب بود و غیر از آن فقط میز و نیمکتی دیده می شد.

جهانگرد پرسید: لوازم منزلتان کجاست؟ ...

زاهد گفت: مال تو کجاست؟

جهانگرد گفت: من اینجا مسافرم.

زاهد گفت: من هم.

منبع: داستانک

سُر اہ

حس می‌کنم در مرقدت عطر دعا را
عطر توسل های در باران رها را
غرق اجابت می‌شود دست نیازش
هر کس که می‌خواند در این مرقد خدا را
ای مظهر رفت برای تو چه سخت است
خالی بینی دست محتاج و گداز
آهم کیوتر می‌شود تا گنبد تو
می‌آورد فریادهای یا رضا را
یوسف رحیمی

يوسف رحيمي

امروز در تاریخ

پارسی، دومین زبان کلاسیک و باستانی

زبان‌شناسان و ادیبان اروپایی در پایان نشست سه روزه خود در شهر برلین که در نیمه سپتامبر ۱۸۷۲ برگزار شد، زبان پارسی را در ردیف زبان‌های یونانی، لاتین و سانسکریت، یکی از چهار زبان کلاسیک اعلام کردند. در این اجلاس، زبان‌های هند-اروپایی مورد بررسی قرار گرفته بود. این نشست، زبان پارسی را از لحاظ کلاسیک بودن، زبان شماره ۲ (پس از زبان یونانی) قرار داد. زبان پارسی از این لحاظ یکی قرن از لاتین و ۱۲ قرن از زبان انگلیسی جلوتر است. در همین اجلاس، زبان اوستایی شاخه بدون تمکین زبان پارسی اعلام شد.

رضا شاه زندانی انگلیسے ہا شد

۲۶ شهریور ۱۳۲۰ محمدرضا پهلوی در جلسه فوق العاده مجلس به رعایت کامل قانون اساسی سوگند خورد و شاه شد و قول داد که اگر در گذشته اشتباهی صورت گرفته حیران کند.

۲۴ ساعت پس از خروج رضاشاه از تهران، در گوشه و کنار شنیده می شد که وی آزاد نیست. گرچه آزادانه حرکت می کند، ولی عملاً زندانی دولت انگلستان است و هر کجا که این دولت بخواهد او را خواهد برد. در همین روز سرلشکر احمد نجوان که پس از مرخص کردن سربازان پادگان هاویبی دفاع کردن کشور، از دست رضاشاه کتک خورده بود، خلع رده و زندانی شده بود آزاد شد و ضمن تجلیل از او پنج روز و ده ماه به جیل او حینک شد.

قرار بازداشت دکتر مصدق ۲۹ روز پس از زندانی

بودن صادر شد!

با این که دکتر مصدق از بیست و نه مرداد ۱۳۳۲ زندانی شده بود، در این روز -۲۶ شهریور- قرار بازداشت وی از سوی یک بازپرس نظامی به اتهام ضدیت با شاه و قصد برانداختن سلطنت صادر شد و همان روز مورد تأیید دادستان ارش قرار گرفت.

قرار بازداشت پس از نخستین جلسه بازپرسی از دکتر مصدق که ۲۹ روز پس از زندانی شدنش انجام شد صادر گردید. وی به بازپرس که طبق فرم چاپی بازجویی شغش را پرسیده بود، خود را نخست وزیر منتخب و قانونی ایران معرفی کرده بود و دستگیر کنندگان را که دناگان و عوام اجانب خوانده بود.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

[illegible]

سودو کو

۱۷۹

			5			9		1
	7	1	2					
	6			7				3
	2	8	4					
		9				4		
					6	3	2	
7				4			5	
					2	7	4	
1		6			9			

γ	ι	ρ	ς	φ	δ	q	λ	ε
q	λ	ε	γ	ι	ρ	ς	φ	δ
ς	φ	δ	q	λ	ε	γ	ι	ρ
ρ	γ	ι	δ	ε	ς	φ	q	λ
φ	ς	q	ρ	γ	ι	δ	ε	ι
δ	ε	λ	ι	q	φ	ρ	γ	ς
λ	ρ	γ	φ	δ	ι	ε	ς	q
ι	q	ς	ε	ρ	γ	λ	δ	φ
ε	δ	φ	λ	ς	q	ι	ρ	γ

حل ۸۷۸